



1775

مورد و طریقت قادریه دن افسرین واقع قره محمد یاسا در کاهای سنجی پیر حسن آتدیک و فاته بنی سخل اولان سنجی خرنک عهدہ سته
 ترجیحی بعد الفتح اذن طرفین اوقات هابون نظارت جلیسته اعطا اولوب نظر فاقه مقام عن سنجی بلوریه بالتقدیم محکم
 حواله بوریلان ملفوت عرض کرده استند فاولم شمس دجهت مذکورہ نمک ۷۷ در کج شمس نام ریخته منقاس موم الیہ از جہ
 اولد یعنی بین برات عن اعطا اولد یعنی هات فلنک ظہر زج کے در کنا رندن مسہان اولوب مستعدی موم الیہ سنجت
 و بطرف سنی ایضاً کفایتی اکلا شمس اولمغه تسو حال ایہ ^{سخت نظر نمک} موم الیہ سنج حسن اذن محمولدن مستعدی موم الیہ
 بعد الفتح اذن ترجیحی بدینہ برات عالی اعطاسی بالتسبب تقدیم قلنان اسو مضبطه و اعجازه و ک لمضوید
 نظر فاقه نظارت سالیہ ابیہ ارسال بر مس با بندہ

لاجب
 انوالقص دوری
 عوالمکسا
 لاجب

۱ و ۲

دوره ۲

نقدت ارتقا فاضلین مطلق ارتقا فاضلین سید جمعی و صفی افغانک یفحق ترمیز و انو نقشی تیر سرجنت فیه تنوفا لاله
 بدر شیخ محمد نورالدین افغانیک و فاته بنی منن ارلان جنت منکره کنده یفقد کیرا فیه یوسف جمالی الدین افغانی و فاضلین
 ارتقا فاضلین نقدت حلیه اعه ارتقا فاضلین فاضلین مکتوبه یفحق جمعی شیخ صولام یوسف یوسف و فاضلین مکتوبه
 ارتقا فاضلین و سیمت فاضلین حیات سائره فک با اراجح سیمت یفحق کیرا خواجهم سونار موسی محمد نورالدین افغانی و فاضلین
 مجرداً و سیمت یفحق اعه یوسف یوسف حیات مکتوبه فاضلین و کتوبه کتوبه سیمت موسی الدین یوسف جمالی الدین افغانی و سیمت فاضلین
 فاضلین یوسف یوسف حیات یوسف یوسف سونار موسی یوسف محمد نورالدین افغانی و سیمت فاضلین کیرا فیه سیمت موسی
 یوسف جمالی الدین افغانی و سیمت فاضلین یوسف یوسف سونار موسی یوسف محمد نورالدین افغانی و سیمت فاضلین کیرا فیه سیمت موسی
 نقدت فاضلین ارتقا فاضلین ارسلان یوسف یوسف

لحمک احوال

عاشق

انوالعص موسی

۱۲۴۱
۱۲۳۶

مورد اقریب و با حسین امام حسن واقع فرق اینها محمد لیدن افز زایه برکت بخت محمد
 ضبط بیخه اوقاف چهارم مفتکند اعدا کامع ادرخت ارم خود زانما آصفه ابتدا کرا ایضا مخرقان هدیفه دیوگه بخ
 محمد خدایک و در راهی بخت با کوهه نه بدین حفظه اعد اولد نغفه من بخت مذکور است او بر کیم ریضه بوط
 اوزن زایه مذکوره من کف یه المید کند خیر ایضاً مفتکند منسک ^{حفظه} اولدین افز طرفه نه بالقیح حله موریلان خصایا
 لغفاته اعد مذکور ساره مرات اولدین و عهده ظاهر بر لانه مارالذکر فرق اینها ایدن افز زایه نه بناوات ایدر ذوق اجل
 اصل طریقت ایا اعد خیره حضرت خلد نده یه ایضا ایک اوزن معنی اولان بخت بختک یه نه تقید سید شریخ محمد اولدین افز طرفه
 بالقیح حله موریلان معنی مالک سه عاظمی و زایه مذکور نه بخت هنر و اتفی لانه فرق ایضا محمد لیدن ایشیک بقیت
 رقیق سن بخت هنر بطنا بعد یطی اولدین و بعد الانفاض حفا سنک اقدم یه و بعد الانفاض طریق نقش و یا داندیم
 اعد و سخن بر نه سزا ایله یکا ببات لغز حقا ربیب اعد مذکور حکم قید نه و واقف موسی ایله ایچنی حفا ز حفا نه سزا
 شیخ محمد از معبود اهدب بینه صم که اطریقی و موسی ایله سکه نه اوزن ایازا راهی بخت یعنی بیهی قیده فوله نه
 ایله یکند ز بالانته اهدن تبین ایون موسی الیشیخ حاورا اعد اولدین افز طرفه موقع ضبط و ضما لانه رف موسی حکم تقسیم
 اعد اولدین اهلکس و اجماً زایه مذکور مخرق اولدین کی موسی الیشیخ حفظ اعد اولدین افز طرفه صحه باین بر یوز
 شیخ عبد الجمل افز حله نه سزا نه محمدیت در راهی بخت بختک لیدن با ضبط و ضما لانه رف موسی حکم تقسیم
 بخت بولسه مخالف سزا و اهدب موسی الیشیخ حفظ اعد اولدین افز طرفه بختک لیدن با ضبط و ضما لانه رف موسی حکم تقسیم
 ایله سزا نه موسی الیشیخ محمد خرن افز طرفه ضما لانه زایه مذکور به بناوات ایله کنی لغه ایله ب کسکه لغه نه اهدب
 اعد حکم بخت ضبط تبین ابایه اهل و مقدر دولتش ایدینیز خیره حلیه اوزان کلید نه هم بر افیم طبله ایله
 در راه مذکور از اعد در نه هم ایضا اهدب سزا نه اهل و مقدر دولتش ایدینیز خیره حلیه اوزان کلید نه هم بر افیم طبله ایله
 کسکه لانه بناو هم بر ضبط کسکه لانه رف طریق نقش اعد و اهدب هم خواجه ایله کلید خلد اولان بخت بختک لیدن با ضبط و ضما لانه رف موسی حکم تقسیم
 اعد بختک لانه تصور کف سید نه موسی الیشیخ حفظ اعد اولدین افز طرفه بختک لیدن با ضبط و ضما لانه رف موسی حکم تقسیم
 عهده نه بجهه بینه بخت اعد بختک لیدن با ضبط و ضما لانه رف موسی حکم تقسیم
 حلیه نه ارسا بولسا تبین
 انوالص دوری

لحم

حلیه نه ارسا بولسا تبین

۱۴۱۱

مورد اولی محبت اوله سخن اوقات گلین نظر از حلیه گویند ز بعد مقلد فاعلیت سنجیده با تقسیم محبت شاخه صلح بریدلار
 ۱۰۰ در العوضه ۱۱۱ یازدهم و بیست و یکم اربع روز اعداد ضبط اید بعلق فایده بطنه از روز محله شریفه سخن در بینه اعداکن صلوات
 از نه نکت هین میدانه نام محبت کائن طریقتمه فایده در ابراهیم بنیاد جدید در راهی میمنت جنودت افزا در روز سنجیده یکم بلاط
 وفاتت نیز چند نکت در کتب بالاسننه اهلبت و اندام اکتیلام محمد کاظم افزا بر نفس اقصا سنه عبارت شاد صیقل صورت اخبار محبت
 اصول نظام بیعت و لغت و رسم و رسم محبت حفظه کلماته جوهر نکات و کلمات بر حسب اخبار جمع موی احمد
 طاهر از زنده سنجیده برینه برتت احد کالتیبت تقسیم فقه ابو معیط داعیه فرت مقلد فایده نظر و فایده
 از سر بر سر ساین

۱۰۰

مورد اولی محبت اوله سخن اوقات گلین نظر از حلیه گویند ز بعد مقلد فاعلیت سنجیده با تقسیم محبت
 ۱۰۱ شاخه صلح بریدلار ۱۱۱ یازدهم و بیست و یکم اربع روز اعداد ضبط اید بعلق فایده بطنه از روز محله شریفه سخن در بینه اعداکن صلوات
 فقه حکم شریفه سخن اعدا خلاصه مایه غریبه فداغایه تقاضات ایدله ناچینتک نیاز فرستادن دانغیناری با با زار است
 زاوره دارنی شکر صاف و محمد عده ازین الیکن صد ذک و فایده من ادله نصف حصه زاید رائق برتتکن اوقه محو
 تقسیم هر یک کینه محمد ارباب است اهلک اقصا سنه عبارت شاد صیقل صورت اخبار جمع موافق اصول نظام برتتکن
 چنانچه ذکا فقه زاوره رائق فیتک و باطنه صومرا امانت محمد و باطنه اخطا و شرح محمد و برتتکن موی احمد
 صد ذک و محله سنه فخر ارباب است احد کالتیبت تقسیم فقه ابو معیط داعیه فرت مقلد فایده نظر و فایده
 بر سر ساین

اولی

لحم

اول العوض

۱۱۱

۱۱۱

۱۸ کورم شیخ محمد بن ادهم سنه ارفان هجری ۱۰۰۰ کورم شیخ محمد بن ادهم سنه ارفان هجری ۱۰۰۰
 ۱۹ کورم شیخ محمد بن ادهم سنه ارفان هجری ۱۰۰۰ کورم شیخ محمد بن ادهم سنه ارفان هجری ۱۰۰۰
 ۲۰ کورم شیخ محمد بن ادهم سنه ارفان هجری ۱۰۰۰ کورم شیخ محمد بن ادهم سنه ارفان هجری ۱۰۰۰

۱۸ ص ۱۰۰

عدد

۲۱ کورم شیخ محمد بن ادهم سنه ارفان هجری ۱۰۰۰ کورم شیخ محمد بن ادهم سنه ارفان هجری ۱۰۰۰
 ۲۲ کورم شیخ محمد بن ادهم سنه ارفان هجری ۱۰۰۰ کورم شیخ محمد بن ادهم سنه ارفان هجری ۱۰۰۰
 ۲۳ کورم شیخ محمد بن ادهم سنه ارفان هجری ۱۰۰۰ کورم شیخ محمد بن ادهم سنه ارفان هجری ۱۰۰۰

۱۸ ص ۱۰۰

عدد

۲۴ کورم شیخ محمد بن ادهم سنه ارفان هجری ۱۰۰۰ کورم شیخ محمد بن ادهم سنه ارفان هجری ۱۰۰۰
 ۲۵ کورم شیخ محمد بن ادهم سنه ارفان هجری ۱۰۰۰ کورم شیخ محمد بن ادهم سنه ارفان هجری ۱۰۰۰
 ۲۶ کورم شیخ محمد بن ادهم سنه ارفان هجری ۱۰۰۰ کورم شیخ محمد بن ادهم سنه ارفان هجری ۱۰۰۰

۱۸ ص ۱۰۰

۱۸ ص ۱۰۰

۱۸ ص ۱۰۰

۱۸ ص ۱۰۰

۱۸ ص ۱۰۰

نور ۲۰
۲۱

قد و کت جباری که در طرفت عبد رافع در تحت سانه نیمه سنگ برنجی ضا افتد نیک بود که ملا و در نانه نیز منقول است
 بنجست در وقت مدینه در وقت غصه رضا و حسین حسن و محمد بن ابراهیم و عبد القادر اشد در طرفه باقیم خدایه بود و ملا مطلق
 حضرت امام حسن و زکریا نیمه سنگ بنجست در وقت غصه رضا و حسین حسن و محمد بن ابراهیم و عبد القادر اشد در طرفه باقیم خدایه بود و ملا مطلق
 حضرت محمد شادان در وقت غصه رضا و حسین حسن و محمد بن ابراهیم و عبد القادر اشد در طرفه باقیم خدایه بود و ملا مطلق
 بنجست در وقت مدینه در وقت غصه رضا و حسین حسن و محمد بن ابراهیم و عبد القادر اشد در طرفه باقیم خدایه بود و ملا مطلق
 طریق ریای خلفه منور از حدیثی که در وقت غصه رضا و حسین حسن و محمد بن ابراهیم و عبد القادر اشد در طرفه باقیم خدایه بود و ملا مطلق
 مذکور نیمه از ماعدا اسکان این حکم بر محل الطایب کدرت که در وقت غصه رضا و حسین حسن و محمد بن ابراهیم و عبد القادر اشد در طرفه باقیم خدایه بود و ملا مطلق
 بنجست در وقت مدینه در وقت غصه رضا و حسین حسن و محمد بن ابراهیم و عبد القادر اشد در طرفه باقیم خدایه بود و ملا مطلق
 در محل وجه اولی این حکم رسماً بقعه المیرکند من بنجست مذکور نیمه سنگ بنجست در وقت غصه رضا و حسین حسن و محمد بن ابراهیم و عبد القادر اشد در طرفه باقیم خدایه بود و ملا مطلق
 نیمه سنگ اسکان این مازام ایچا مذکور نیمه سنگ اسکان اینک طایب هم سوفا موسی الی شیخ ضا افتد نیک منقول است و در نیمه سنگ
 ستر موسی الی شیخ طرفه مذکور در وقت غصه رضا و حسین حسن و محمد بن ابراهیم و عبد القادر اشد در طرفه باقیم خدایه بود و ملا مطلق
 اینک گفته تقدیم ایچا نیمه سنگ اسکان اینک طایب هم سوفا موسی الی شیخ ضا افتد نیک منقول است و در نیمه سنگ
 پورسینین

ابوالقاسم دوی *عبد القادر*
 لوجه *عبد القادر*
 در وقت غصه رضا و حسین حسن و محمد بن ابراهیم و عبد القادر اشد در طرفه باقیم خدایه بود و ملا مطلق

در این خلدیه درگاه بستان پستی المیه وفات پدید آمد
 در راهی شیخ احمد فرزند پادشاه افغان خست ایستادند
 و کوشش می نمودند و حاصله رق با بقدر این صفت که
 حفظ محمد زاده از راننده از نافرمانی نشانی در جلیه
 از لیب مجلیه بیاورد و صفت و صفت است و بیست و نه
 نصبر او نیز بیاورد و در راهی که از راهی که از راهی که
 در راهی که از راهی که از راهی که از راهی که از راهی که
 اهل رقت بر بولید بفرستند بر حسب استغاثه بفرستند
 تنبیه بفرستند بفرستند بفرستند بفرستند بفرستند

و صفت
 در راهی که از راهی که از راهی که از راهی که از راهی که
 در راهی که از راهی که از راهی که از راهی که از راهی که
 در راهی که از راهی که از راهی که از راهی که از راهی که
 در راهی که از راهی که از راهی که از راهی که از راهی که

لور ۲۹

ارفعل بنح محمد بن عبد الله بن اوفان حیدر بن ارمال اذین مقودنا مغموت مجتهدین بانقیم مجتهدین
 حواله بعد ۱۸ رسوالا انفسه یازده و الفتن ایجا دره مضبوطه ای یکسره تصدیه کلمه شریفه است رسوالا رسو
 اعلامت خطه و ملالر یکسره فیه من دانقو بدستین یوشن بیا ریجه موزسید مجتهدین در راهی زیاده دارنجی ایه
 در جنت قبوت محمد شریک علیه صافنویزک معللانی محمد بن ازیح تعلیم مقهرا عقار غنن ایه م ستار سوی الهانک
 عود انص زیاده دارن رحمانه بعد یازده خزانق هسردخا ایدیفنا دیوکی دیات معلولین اولار اکثر نکند
 مقدر تقام اهدب لغزق و تقسیم موزید ریجهست یوفیا اموال انتقامتین بیهیض حدایا عقار ظمتن بی اره و هجرت
 بقیه غنت یکسره مضبوطه سکن بطلوارس محنته تبلیغ نظر اذین یورکه بکشد قضیه مجتهدین ادر سنه کوندر بار مضبوطه
 در راه نکلور بختتت متوار سوی ایه بمع صافنویزک کیر محضه محمد بن ازیح زیاده دارنک دیو محضی
 اوزت و در خلعت دیگر محضی محمد کلم اوزت بولدر و خزانق غنتک عسک از رت بی زرقن مقدر از خسنه جلیت
 اهدب موزسید موزن اموال انتقامتین بیهیض حدایا عقار ظمتن بی اره و هجرت مقدر ازیح
 لاری قبوت دخی موزسید موزن اموال انتقامتین بیهیض حدایا عقار ظمتن بی اره و هجرت مقدر ازیح
 اهدب موزسید موزن اموال انتقامتین بیهیض حدایا عقار ظمتن بی اره و هجرت مقدر ازیح
 کی بخت و زاروق جتای بیغتت جتیر بر دیور بقیه موزسید موزن اموال انتقامتین بیهیض حدایا
 اوفق اوزن اول اوج منکدر بخت و زلوم داروق جتای بکشد اوزن بوقید اوزن چند زیاده و کما فی ذلک اورد
 ادر وق رشیه اوله کلجید و موزسید محمد بس و صافنویزک مقدر بخت و بقیه سزای ایه انه اهدب و بوند
 قنقی طریق سغب بکیم و طریق کدی نیا چون در یوشن مجتهدین با ازان تحقیق و تریق ادر تریق و اصولا
 استادن احواله رفا تعسسه دها زیاده اسات اهدب ایدر آکا اوزیه اوقن اوزن کینوا مضبوطه
 ایبر خصوصیت محنته سبب محنت ایتونه و اهدبانه ذکر بلطوفانیه نظودا نسق صافنویزک ایبر
 بیلک نریزک
 رسوالا اول
 رسوالا

اوال شخص لوری

حلیت و دفع جوئیہ در لاجت سوغ شیخ علی القادری افندیہ محمد کاندازہ منجبت قہنک متوفاتک اولادہ و اولادہ
 یوقایہ مخلصہ نسبتاً اهل و اربابہ توفیر فتنہ محمد ابوبنیفات الرضی عنہ مجیدہ شایخہ تنظیم ارضیہ تقدیر
 کوئیلائے مضبوط ادنیہ ادرین محکمہ ابواب نیفیات اویسہ باؤ جہت مقدونہ کیم غم رام کی محمد افندیہ و فتنہ باہی جہت
 ادرالذوق اورین متوفاتک صیدانغ محمد محی الدین اوزق توفیر اچوہ جملہ کونہ بلاح اعظم شر و مضبوط نیویان در
 اولادہ لاندہ اوران لکنی لغہ اچباب ایدن معلکات امور عمار محمد تقی شینہ اور اولادہ تقی شینہ و ادران ادرین
 تقدیر تقدیر بنیادہ اوران محمدین لغت جیدانغ شیخ محمد حلالہ بورلانہ ۹ مورخ ۱۱۱۱ یارین داون برعدہ کاندازہ و فتنہ
 معلکہ و اچبابہ مذکورہ اندر

اوران مذکورہ متذکرہ لاندہ و حلالہ کیفیت غفلت لاندہ ۱۲ روح الامورہ یارینہ دلاہ برعدہ کاندازہ راعیانہ شرح کریمہ اولادہ
 اوران حلیت محمد شریف شکر عدرا ۱۱۱۱ یارینہ اولادہ کاندازہ حلیت اهلانہ از احتلاض نام شیخ عبدہ معلکون حلیت
 محمد شریف شیخ و یلبب یارینہ لاندہ ۱۲ عمار کاندازہ یارینہ جت ترغیب منطوقہ حلیت سوبقہ علی محمدین کاندازہ طریق راعیانہ
 جہت و کاندازہ بونہ شینہ ادرن شینہ زہری معلک ارضیہ بالانغ تحقیق ایدن اعلیٰ بنا و متذکرہ عدہ توجیہ
 اولادہ زوق ایلان خدمت اتقن ارضیہ جہت حلیت مذکورہ شینہ عدہ بہ توجیہ بینہ برتیم اعظم استقامت ایلانہ چار ایلان
 واقفہ راجہ تحقیق ایلانہ بنا جہت مذکورہ کونہ مویلیہ یوقیہ برتیم اعلیٰ حقیقت حلیت محمد شریف شیخ و یلبب یارینہ
 یارینہ اعلیٰ متوفاتک ایلانہ اوار اچباب حلیت و یارینہ مجیدہ سید محمد جلیتہ ابقار طلاق ارجور دلا و نکور ایلانہ
 سزینہ یوقیہ منہم ارضیہ خدمت متروک تاکدیفی حالت بوندن ادرتوز سہ مفعم طرفتہ یارینہ و منجبت حلیت
 عدہ توجیہ اولادہ درونق اقام و ادرانہ و کاندازہ ایلانہ لاجل المصلیہ و سعادت کلیہ با قضا بر بدت استیلا
 ایلانہ طواریہ مویلیہ توجیہ اعلیٰ حلیت محمد شریف شیخ علی القادری افندیہ توجیہ ایلانہ استغابہ از ضم ادرانہ
 ایلانہ و ایلانہ ساوہ زہر جہت حق قدر محفوظہ شیخ علی القادری افندیہ و فتنہ فریلانہ استغابہ از ضم ادرانہ
 و فتنہ ادرانہ محمد بن ایلانہ تدقیقات خودہ شینہ منجبت مذکورہ یارینہ شینہ علی القادری افندیہ و فتنہ ادرانہ
 اکلہ لیب قضا کنندہ کلدہ عدت خدمتہ انفاکیہ استانبولک افرین خودہ ادرانہ حقیقتہ کینک شینہ شینہ غفیت ایلانہ
 کلدہ تقویہ و اوج ماحل صریحہ کونہ مویلیہ شیخ علی از دین مذکورہ حلیت کلدہ راک و ایلانہ افندیہ و فتنہ ادرانہ
 درونق معلکہ و وینہ ایلانہ ولادت ایلانہ و ایلانہ حقیقتہ ایلانہ کلدہ سترت ایلانہ کلدہ
 و عدہ ایلانہ ایلانہ کلدہ و ایلانہ کلدہ و ایلانہ کلدہ و ایلانہ کلدہ و ایلانہ کلدہ و ایلانہ کلدہ و ایلانہ کلدہ
 ایلانہ و فتنہ ایلانہ من بہا تکانہ کلدہ لوقیہ منجبت قہنک متوفاتک اولادہ و اولادہ ایلانہ کلدہ

دریغاً تنیب اولدی بقی اهل زوارة بنفید صحبت مع الاصل کفیت با الحکم در مویضه ازینست صلب ولایت اشقا در این
 در این سخن میخیزد نقابت مع ایله ایستیف این سعاه حیواناً مع ای شیخ مع از صفی اولی محمد محمد ایدر کومانیه من
 صفی بنفید سن رشق واصل ایله من بنمایه ایها حدیثه که اقتدار ایدر شیخ قدر عم زلم شیخ محمد از ایله کار ایضا حدیثه
 ایشک اولد ایسیدرس موقار موی ال شیخ مع انبیه من اولان نظر حیوانیه در کلامی جهت بقتلک صفر و نور محمد محمد ایدر کومانیه من
 مکرر شریک سنه معطل اعلام امه صلب ولایت مجید اوله سنک ۱۲ روح الاصله ۲۴ ایزلم در قوی بر عدد که مضبوط سنه انه تاشق
 حقیقت حال اوله و با م ایله جیلامه نظر
 و احرام زعم عقبه ایسدر از خدمت مع موقار نه انه ایسدر سنک سنه جملة موافق اصله و مقام لاریاروش اولدی غنیه تسکالک
 موقار موی ال شیخ مع الفادر از خدمت من اولان نظر حیوانیه در کلامی جهت بقتلک عمر از شیخ محمد از ایله کار ایضا حدیثه
 ایشک اولد موقار مع مویجه صفی اولی محمد محمد ایدر کومانیه من ایشک اولد سنک ۱۱ روح الاصله ۱۴ امه
 معنایه موقاراً موقار مع ایله ایسدر اوله بولسا اینین ۱۱ روح الاصله ۱۴ امه

محمد

محمد

انوالعصر دوی صغریه عهده ایس

چند کلاهش جلالت عبق علیها ماسه من دانم ذمه بابا در کاه هجرت قبتن بارتی ستوفی لونه بدری که محمد صلوات
 و نامه بنیادی اولاد هجرت قبتن عدا بنیادین مستطعم علیهم سید افتدینک اوقاف جلالت نقارت جلالت اعطاء بید
 مقلودا نغمه ستبذینه بلقیه مجبور صدمه بویلان و ضعیف سده اولاد هجرت قبتن کورنم خورد کلاه طاق
 هستنکوه در محله بار خنک واقفی بولان توفان مودی ارعدنه نوبه اولاد بنیادین بارتی و ریگی و معتد
 رفته سنت بیخند هفت کدر و فائز حکیم اولاد بنیادین شوط اولاد یعنی اهل کوی و مشعل مودی ارعدنه حیدل از ستون مودی یک
 کبریا قبتن اولاد هجرت قبتن ضایفه سزا ایضا اهل بدست اعنه سجدت هجرت قبتن کدر و ستفان مودی ارعدنه
 شد مودی ارعدنه حیدل اترت نوبه بدین بارتی و عدا سبتین بلقیه قبتن ایو مضبوطه راعید زرت مقلودا نغمه

۱۶ روح الامور

سردود

نقارت سزا ایضا ارعدنه بولان

وصفی انوالخص مودی

مورد اور نہ ولایتی مجلس دار اسندن اوقات ہمایون نظارت جیلد سہ گوند ریلوب نظر و فاقم عالی سنجنا ہلیہ
 ۱۵ بالتقدیم مجلس سنج حوالہ بیوریلان ۱۲ در القعدہ ۱۹۰۰ تاریخ و یکت اوج بوز الی عدلے مضبطہ ایہ لغو فاتی
 میانفہ ہونان اور نہ حکمہ سرعیدہ و بریلان اخلاک خلاصہ مآلے اور نہ تک صورتیں بیان نام صحاح کائن طریقت
 علیہ قادریہ دن براہیم پست جدید در گاہی سنج جہنم عزت اقتدر بہ در دستا بکس توجیہ ایکن بلاد لودقا
 جنت مذکورہ تک بالامتنان اہلیت و اقتدار اکلا سبلان محمد کاظم اذنی توجیہی استر طاندن عبارت اولو
 صورت اشعار جمع موافق اصول و نظام بولتس دانمیان در فرسی مجسدہ مضطرب ایس و لغتہ جنت مذکورہ تک
 بر موجب اشعار جمع موافق ایہ محمد کاظم اذنی عہدہ سنج توجیہ علیہ بدینہ برات عالی اعطاسی بالتسبب تقدیم فنان
 استو مضطرب و ایمانہ فک مغفاتیلم نظر و فاقم نظارت رالہایہ ارسل بولتس بانہ

۲۶ ربع الاول ۱۲۰۱ھ

۱۶ حور سنج مجلس دار اسندن اوقات ہمایون نظارت جیلد سہ گوند ریلوب نظر و فاقم عالی سنجنا ہلیہ
 بیوریلان ۱۲ در القعدہ ۱۹۰۰ تاریخ و یکت اوج بوز الی عدلے مضبطہ ایہ لغو فاتی
 میانفہ ہونان اور نہ حکمہ سرعیدہ و بریلان اخلاک خلاصہ مآلے اور نہ تک صورتیں بیان نام صحاح کائن طریقت
 علیہ قادریہ دن براہیم پست جدید در گاہی سنج جہنم عزت اقتدر بہ در دستا بکس توجیہ ایکن بلاد لودقا
 جنت مذکورہ تک بالامتنان اہلیت و اقتدار اکلا سبلان محمد کاظم اذنی توجیہی استر طاندن عبارت اولو
 صورت اشعار جمع موافق اصول و نظام بولتس دانمیان در فرسی مجسدہ مضطرب ایس و لغتہ جنت مذکورہ تک
 بر موجب اشعار جمع موافق ایہ محمد کاظم اذنی عہدہ سنج توجیہ علیہ بدینہ برات عالی اعطاسی بالتسبب تقدیم فنان
 استو مضطرب و ایمانہ فک مغفاتیلم نظر و فاقم نظارت رالہایہ ارسل بولتس بانہ

۲۶ ربع الاول ۱۲۰۱ھ

وصفی
 اعراض العاص دوری
 حوالہ بیوریلان
 حوالہ بیوریلان

لور در سن ۹۰ سالگی کوچه بازار کاش گلشن در کاشی چینه شده نصفه باریک و سه شعق اولی شیخ احمد فقیه و صانع شهرت
 نهگه دیگر نصفه نصف اولی شیخ محمد از مآذنه پایا به ار اخوند الحق از نه حوسر متاخر نیم کتابی بنام نرغی
 صفت محمد مرآت قو سمانید که این مضامین در شریک در بیار نیم اصفه در امر ولایت در
 محله شهرت در بیار احمد مر وانه در لغه ایضا معتقد راز در ولایت محسن در نه از کاز که در جیدک از سال اولی طرف
 منم و متجیدیه نایبیم مجلس نایم حوله یوریلان ۱۱۷۱ تا ۱۱۸۰ در یک التی به عدد مضطرب هم مقام لایحه در جمله
 بوقت تعبدت جهات نظرها در حله نرفیق ابا الحق او صب فکر رفا نام احلامی در شریک در نه در عهد طایفه
 سنوار سوی الی شیخ احمد فقیه من اولی لفظ جمعیت فتنه عهد رسولی شیخ محمد از بیار ادا صفت احمد صفت کدی
 روش افندی بر ما عهد اسان ابد اعلم وانه باقی شریک استانه از عهد سن یجده بدنه برکت و عهد شبیه
 تعبدت ابو مضطرب و عید نرغی فغانی طرفنا نظرت ما الیله ارسل یوریلان

۱ رسم الاصول ۱۲۷۱

سیوس ریاسته شیخ با زیارت او ناز گلید نظریه حکیمه گوید طرفنا تعبدت متجددین باقیم مجلس نایم حوله یوریلان
 لور در سن ۹۰ سالگی کوچه بازار کاش گلشن در کاشی چینه شده نصفه باریک و سه شعق اولی شیخ احمد فقیه و صانع شهرت
 نهگه دیگر نصفه نصف اولی شیخ محمد از مآذنه پایا به ار اخوند الحق از نه حوسر متاخر نیم کتابی بنام نرغی
 صفت محمد مرآت قو سمانید که این مضامین در شریک در بیار نیم اصفه در امر ولایت در
 محله شهرت در بیار احمد مر وانه در لغه ایضا معتقد راز در ولایت محسن در نه از کاز که در جیدک از سال اولی طرف
 منم و متجیدیه نایبیم مجلس نایم حوله یوریلان ۱۱۷۱ تا ۱۱۸۰ در یک التی به عدد مضطرب هم مقام لایحه در جمله
 بوقت تعبدت جهات نظرها در حله نرفیق ابا الحق او صب فکر رفا نام احلامی در شریک در نه در عهد طایفه
 سنوار سوی الی شیخ احمد فقیه من اولی لفظ جمعیت فتنه عهد رسولی شیخ محمد از بیار ادا صفت احمد صفت کدی
 روش افندی بر ما عهد اسان ابد اعلم وانه باقی شریک استانه از عهد سن یجده بدنه برکت و عهد شبیه
 تعبدت ابو مضطرب و عید نرغی فغانی طرفنا نظرت ما الیله ارسل یوریلان

۱ رسم الاصول ۱۲۷۱

طالبتیم شیخ محسن دارنده از قاضی هادی نواز از حیدرآباد
 حواله بوردی از ۱۲۱۸ تاریخ در دست لوز الحقی سکه در مضبوطه ای معلقه از مانت بدنه و این هم محکم سرور
 اعلام شد خلاصه طالبتیم دفعه رفا در کاهی بدست نشین صیاد از امین احمد انیسنت بملا بلا و در خانه بن مشین
 از آن بدست شد که برادر ام محمد نون از کداز بقیه بدست علی احمد که از قاضی عیادت از صید بدست
 اقرار محکم موافق اصل و دفعه بدین مضبوطه موقوفه بود بدست شکوه بن شیخ احمد از محضه موری از محمد نون
 عدله بقیه بدست از آن احمد که بنسب بقیه تهنه ابو مضبوطه را عیادت کرد معلقه موقداً نواز از ماری الیه از سرور

۱۰۱۰۱۰۱۰

سرور احمد

لوردو

انوالقصص دوری

شده بنا برین بوییم نظمی افرینش و کبر نکل اقتدر بنان سخته بدیل استغفار جاده خدیو مفرخه طاقه از او
 بقیه او از مضبوطه بوردی از مضبوطه موری از شیخ نال از طاقه که در بقیه موقوعه و مضبوطه بعد از
 خان موری از آن که موری از این است که بنسب بدست از مانت بقیه از اصل طاقه از
 رکن موری از آن که موری از این است که بنسب بدست از مانت بقیه از اصل طاقه از
 بنی بکه که موقوعه بقیه از این است که بنسب بدست از مانت بقیه از اصل طاقه از
 معلقه بن عاقبه موقداً که موقوعه از آن موقوعه از اصل بوردی از مانت

سرور احمد

لوردو

لوردو

انوالقصص دوری

۱۰۱۰۱۰۱۰

دود بموسم صید قندخانه سبخی عبدالقادر افندیگ خسته دغی صوام ایستخ مدایه عودت ممکن و دیکه محمد افندیگ حوام دکان
 جازا اصدید جفتند و کانه صانیت تغیر معنی آنها بیولرس و مومی ای عبدالقادر اذن طاقتم عبدالغیر اوزنات من بر شکت ترکیب
 ایلدیکی اجزا بیلدر لیس ابدنخ ولایت ارقان محاسبه جیلکله برده محبس باخته باز یلان در کنار مودرتنی حاوا در فرنگ لغیر خدادندار
 ولایت جدیدینز بالقیح صولدی بیلان بوزلک و لطفه مع لمان صدر

بر در محبس باخته اجزا بیلان در کنار مودرتنی و کین مومی ای محمد افندیگ صولدی و لطفه سنا ایفا اتمک ای دینغه محکم اهلایس
 صافتم زکات ایلدیکی و عبدالغیر افندیگ لایفده سز ترکیب اشنا احوال دینی در میان ایلمنه من مومی ای شیخ عبدالقادر اذن
 محمد حلیب ایدینغ کیفیت اوزنق ذکر اولنه درگاه قندانه مسرولای اصدید مومی ای محمد افندیگ ترکیب ایلدیکی اتمام اتمک
 مودر ایلمنه اجزا ناهل ایدوب درگاهک محضهت و بدو ادم کندر سز کونه بکن ای دینغی یلنق قندانه حرف اید قوا صده دانه
 باقی اوزنغی یا حاد دینی کین کور اوزنغی بیلان تبه باقی غلغله صفا ایددیکی جفته برینه مومی ای عبدالغیر اذن نجاحتیار ایلمنه مودر
 حصال اصمانینز ای دینغی کین سز ترکیب اشنا بولدیغینز جفته قندخانه اوزنیک مومی ای تغویض مودر لایقند و بیلان ایچون در
 مومی ای عبدالغیر اذن تغویض ارضم ایلمنه و دیکک تریل باریتغ شیخ دینز زایه عازار اصدید مومی ای عبدالغیر افندیگ لایق
 دینی مودر در کنار مودرتنی در میان ایلمنه مودر شیخ مومی ای عبدالقادر افندیگ اتمام دیکه ماسر و عیال امد درگاهک
 اتمام ایلدیکی دیکو ترکیب ایلدیکی مومی ای عبدالغیر اذن بوزر حضورت جواباً ولایت سنا ایلمنه اتمام ایلدیکی مودر لایقند

۱۲ ۱۲۴۱

سید احمد

محمد

اربع
انوار حصص دوری
وصفی

مورد
۵۹

سلاستند و نیز حضرت با بارگهی زایه درین چندک ایستادند منوط بر آنست که در نظر افضلیت و فائده و نفع
 الیه که اولی نفعی و دومی در نفع است و فاضل است که لب اولی نفعی و دیگر نفعی تا اولی بود یعنی قید بالاتر است اخیر بتدریس
 در یک موردی مع انزاعه نه بهیچیدین برنی اعطاس اخذند از سلاستند که در نفعی و بیچاره عموم و سارده بین نیست
 ابصار مقتضای سلاستند و نیز حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی
 بقیه حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی
 اصل اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی
 در دیگر مواردی که در مواضعی است که در مواضعی است که در مواضعی است که در مواضعی است که در مواضعی است که در مواضعی
 مانند است اعطاس نسبتی بقیه حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی

۳۷ حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی

مورد
۶۰

مورد
۵۹

اولی و نیز حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی
 ۱۸ حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی
 اصل اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی
 چندک است که در مواضعی است که در مواضعی است که در مواضعی است که در مواضعی است که در مواضعی است که در مواضعی
 حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی
 حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی
 حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی

۳۸ حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی

۳۹ حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی
 حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی
 حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی حمد اولی است از اولی و ثانوی

ابو جعفر در کتبش و افق ۵ ستون عمداً افزیم ریکر و قضا امن و لاهند بخش پدر محمد
 در محمد زاده امیر محمد در عهد این نهمه در تقویم کجده محضات است احدی محمد با ولدین از فرقه است علی بن ابی طالب
 بن محمد زاده من کجده محمد در زمان محمد موی احمد با ولدین امره در حجه طریقت با کجده ایازیه در اوقات محمد
 زاده ز حلیه بنی با بقیم جلاله بود در آن تکم و است و در عهد او در
 مکه رفتن نصف حقه من موی احمد با ولدین است در مکه موی احمد با ولدین است
 در تقویم ابی طالب ۹ در الفقه ۱۲۱۹ باقیست در مکه و در لیلی و نصف پرینت و قی می موی احمد با ولدین است
 محمد زاده من موی احمد با ولدین است در عهد او در مکه موی احمد با ولدین است
 ابو جعفر در کتبش و افق ۵ ستون عمداً افزیم ریکر و قضا امن و لاهند بخش پدر محمد

و صفی
 ابو القاسم موری
 احمد
 احمد

یکم اوجیست معلوم چنانچه از قند در وقت بنام موزانی در دست نشسته بقیه اولتس ارج بعد از ایسره صوم داد و بسا نکت مفید
 موزانی در اوجیست که علاوه در بر سر نماید که آصفه نامند و یکم موزانی جمع سرفرد در بندگن و طرفه تلم اوجیست
 اولد قندز چینه موزانی نکت طرفه قندز سرفرد در دست و ایام تحصیل علم در افسار حسا این در بر اوجیست
 نظار که نوزدین علمت است غا اوجیست و آصفه جمع سرفرد موزانی اولد قندز در مایه اولد قندز چینه موزانی
 ایندیک استخار اوجیست بنام حقیقه کفایت سفار بندگن ارفاز جهول تفازر حدیه نکتز بالقدم حواله پروردگار محمد اکرم ص
 باز عدو عبی بنام که قندز قندز معلوم است

۲۲

ما مجید موزانی از کتبت چندین کتبت در ایام اوجیست و اولد قندز موزانی اوجیست و اولد قندز موزانی اوجیست
 کتبت داعیان در معلومات اوجیست که آصفه جمع سرفرد موزانی اولد قندز موزانی اوجیست و اولد قندز موزانی اوجیست
 قندز معلومات موزانی موزانی و موزانی اوجیست موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی
 طرفه نکتز اوجیست اوجیست موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی
 قندز موزانی اوجیست موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی
 موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی
 موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی
 موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی
 موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی
 موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی

۲۴

و موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی
 موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی

۱۸

بانه ولایت محلیه اوجیست ارفاز جهول تفازر حدیه نکتز بالقدم حواله پروردگار محمد اکرم ص
 و سب اولد قندز موزانی اوجیست موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی
 زاد بر سرتخت چینه موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی
 موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی
 موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی
 موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی
 موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی موزانی

۲۲

۱۸

هو تکرار میفرمایند و مغفور محمد باقر در المماله منکر علم خیرم سدر قیوس جهانند تکرار در لاهی ندم بیکر بریت
 نیمه سینه جیلادین محضه سوزی شد راسه قرانلق اعتناک بشنی اعلین حقوا نزیاعه سر کوشه کوشه ایسه لم توفقات لایه
 له رالابا مومایه اعمال صفا افینک دست نشین اویدنی در لاکت با شعیس حلیب ایه مطالع اوله نقر سدر قیوس
 زدن و در قریبته محمد بن کائن نیم سواد چار شامجیدیه ص حسین بن ص کرم ندم ناسخ لافتنه اجرا امتت و فوایه
 رقیه مجده سن فیت حد که در شک و اولاد و خلفه کن انتقاله ص کرم ^{شجاعت مکرر نیمه سن} ص فوایه سارتن شیخ بود لایه
 رأیدم خلفه بر رانه یقین سدا اویدنی حور اصب فوایه ندم بیکر نیمه سن ^{شجاعت مکرر نیمه سن} اجارنی بنماییم
 وزیر اعظم بیکر محمد بیات زاده سر ملا کورین قورق در لاهی رینک معوف زاوره صوفی در لایه ندم ^{وزیر اعظم بیکر محمد بیات زاده} ملا کور
 با نکر ۶۵۸ عدد ^{تکرار تکرار تکرار} ایاز بود لایه ^{ادنه تکرار تکرار تکرار} سار ایام سر نامه سوزش در ملا کور
 قریب قورق نیمه سار سوزی شامعد اعتناک در لاهی در لاکت بر ایدم مجبیه معلوم ای لایه ندم
~~نظر الی غیره~~ ^{تکرار تکرار تکرار} نکر علم خیر ^{تکرار تکرار تکرار} ایما منکر ^{تکرار تکرار تکرار} اوله نقر ^{تکرار تکرار تکرار} عد قریاللق اعتناک
 قید قیدی ولید ملا کورین قورق در لاهی رینک معوف وزیر اعظم بر محمد بیات زاوره سر نامه از لاهی
 سخی بلکنه مسخر محمد زکار از تکرار ^{تکرار تکرار تکرار} تکرار تکرار تکرار ^{تکرار تکرار تکرار} تکرار تکرار تکرار
 اعتقاد شیخ ایاز ایام ^{تکرار تکرار تکرار} لوردو منکر مطایا ^{تکرار تکرار تکرار} ایما ^{تکرار تکرار تکرار} معتقد ^{تکرار تکرار تکرار} ایاز ^{تکرار تکرار تکرار} معتقد ^{تکرار تکرار تکرار} ایاز

لوردو
۲۷

مجلس دعا بن زکات اعتقاد و انکس اولیغی اوله نکر شیخه ای قریه اولیغی و طاده نکر نیایه سید خاتون بود
 و نه موس شام صغوفه ن محافظه اوله نه صدقینه طاده نکر بیایر تکرار و منکر شیخه ایاز و
 چار حوه بر تبدیل اوله نقر قیوسه تعین اولیغی اوله نه بر عدد و هر که اثر ایاز ^{تکرار تکرار تکرار} حوضت ندم
 لوردو ^{تکرار تکرار تکرار} ایاز

اوره نور خاجین واقع ایروان بخانه جعفر و با همی است این شیخ حسن پسر احمد بن علی ملاک مذکور در قوس و تازه و کند در ستار
 مودی الیک از شرا هیب عالم سنک بیغم مومی بولعیغم تنی عالم سنک ریش یغیز و پاتیه کا تخت یثمت یغیزک عدو یغیز
 شفی خاقط محمد قتر طرنته یقصدیم حلاله بودله پهلطف و خصله اولوقت و جهات ادره سنک فدیله مور و نیکارنه نطرا
 جهات مکررین مستقلا سوار موی ایوح نه بوجه اولی غمی بدین بلس و دیدیک و در قیسه معتد اولاد یعنی خانه ستر و کما یغیز
 یغیز یغیز یغیز و سوار مودی الیک عالم سنک اوله اولی ایست حدین که سولکانی غمی غمی و سوار مودی الیک عالم سنک در کاهت
 ایسان و قیسه بر وجه عالم سنک اوله اولی ایست حدین که سولکانی غمی غمی و سوار مودی الیک عالم سنک در کاهت
 طریقیه عدو یغیز یغیز احمد ابو ایمن شهرک
 اس سولانه سقر قتر می چاقط محمد از عدو یغیز برین برک و ایوه کله یغیز غمی غمی و سوار مودی الیک عالم سنک
 مبنویه یغیز غمی او غمه منظوراً غمی او غمه غمی غمی از کله یغیز ایدله برلس ایست



صفتی
 غمی غمی
 غمی غمی
 غمی غمی

۲۶ غمی غمی

لعمرو ۷۹

بوزغار بنجر محسن داده نسوزد اوفان کلای نفاذت حلیه از مال الغب مطرداً ناعلم من متخلفه بالقیمم محسناً و حواله بویلا
 ۷۹ محال الا قد لا یأخذه و لوز لوز و مضطرب کلاد و باع بوزغام تابع ایچ نهم سر قواسم همزه یسا که درین دروغ
 او چه صلح و در حق قدر زیاد شک بر وجه شرطه رئیس نعلیت و بینت حصه دار لغت نسوزد اولاد بیدر علی انفسیک و نفلت
 او نیزه نمی محمد نور از ان بابیه ارا حضرت اتمک اوزنه نکلر جند و در نضیه نکلش ارسه العم کبر لولیه نغز نکلر جندک
 اصله عدس بویفیل بیدر نیدر او استحقاقاً برتق اعصا کما یل حقاً من لافتنه استعنا و نکلر اوزنه قتره جوا لافتنه
 تدقیقاً و لازم الا بواصله بمتفق حکم نقیضه در بیان متفقین اعلاک لغت منه جازت لظراً اکتفاً لک ایفا و مانر
 او مانر کلای نفاذت حلیه نسوزد استحقاقاً من مومالی اعمال حقاً من العم کبر لولیه نغز نکلر جندک بر نعلیت بر نغز نکلر
 عندین المذات ایفا اتمک اوزنه بیدر استحقاقاً من مومالی محمد نور از شرطه در بیان اعلاک و نکلر
 و نکلر نکلر اوزنه در نکلر حصه دار بق صورتیه نضیه اوزنه کلن لظراً هتند نضیه اوزنه اولاد و بکلر حصه دار
 اولاد و نفلت لولیه نغز و اعور و وظائف و قضی بیدر نضیت و جوا تقیم این کلید کما یل و بکلر حصه دار
 شکره عدس بویفیل ^{استعنا} ایچ ایدوب بعلی موافق معلت اولاد نغز جده ایفا من مقتضای حضرت عبادت
 بولین و در اولاد نعلیت و بینت حصه دار لغت المومالی ^{نکلر} نکلر مومالی اعمال حقاً از نکلر اولاد
 و سر کلین عدس نضیه اولاد نغز بیدر برتقی در بیدر جوات اولاد نکلر نکلر نکلر اکلک لولیه
 زر اوزنه زاده نکلر بینت جند محمد علی انفسیک محله نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر
 منار مومالی لکلر مومالی نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر
 معنا نضیه اولاد نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر
 طفتن کار بعلی نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر
 حضرت اولاد نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر
 با نکلر حصه دار بوزغار بنجر محسن داده نسوزد اوفان کلای نفاذت حلیه از مال الغب مطرداً ناعلم من متخلفه بالقیمم محسناً
 در ستون مومالی محمد علی انفسیک اولاد نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر نکلر
 با نکلر حصه دار بوزغار بنجر محسن داده نسوزد اوفان کلای نفاذت حلیه از مال الغب مطرداً ناعلم من متخلفه بالقیمم محسناً

اولاً ۲۵ مع الی ۱۲۰ زیند اعلام بیان اوله رف بر صیاب ارا او بن حضرت خلافتکرمه
 لغویات ایضا اوله بقدره خیر العلم منکرک اکثر اساتید ایدو شیخ بویراندخ حکم موافقات هم
 اعلام بویراندخ لغویات ۱۲۰ حکم الی ۱۲۰ زیند و فرق بویراندخ حکم موافقات هم
 لغویات موافقات هم الی ۱۲۰ حکم الی ۱۲۰ زیند و فرق بویراندخ حکم موافقات هم
 مستقلاً صیغی موافقات هم الی ۱۲۰ حکم الی ۱۲۰ زیند و فرق بویراندخ حکم موافقات هم
 العلم کیر اوله بکلیت ایضا صیغی کیر بقدر الی ۱۲۰ حکم الی ۱۲۰ زیند و فرق بویراندخ حکم موافقات هم
 بند چنانچه میان ایضا اوله قیاساً بقدر حقته عادتیه طوایر حکم موافقات هم
 معاً مقیاسیه ایضا اوله صیغی موافقات هم الی ۱۲۰ حکم الی ۱۲۰ زیند و فرق بویراندخ حکم موافقات هم
 کیر بولنه مخمض موافقات هم الی ۱۲۰ حکم الی ۱۲۰ زیند و فرق بویراندخ حکم موافقات هم
 ایضا تشبیهات ایضا بقدر الی ۱۲۰ حکم الی ۱۲۰ زیند و فرق بویراندخ حکم موافقات هم

در بعضی جاها

ایضا بویراندخ

ایضا بویراندخ ایضا بویراندخ ایضا بویراندخ ایضا بویراندخ
 ایضا بویراندخ ایضا بویراندخ ایضا بویراندخ ایضا بویراندخ
 ایضا بویراندخ ایضا بویراندخ ایضا بویراندخ ایضا بویراندخ

ارز همگان بر پیمان نماند و گاه بی سجان اندیشک و خانه نه منحنی افلا سخت فریاد و در کاه خشنی طعنت از این
 اینها چندی است که در هیچ توقار موسی ایستادند و در آنجا از این بلیغ صفت آورند و حکم شریفی از این اعدا از این اعلام
 بقدر معنی معادله و نیک او را از حصار دانه و در این مایه سوره اوله سوره او را از حصار دانه و در این مایه سوره اوله سوره او را از حصار دانه
 نظر و تأمل من متوجه شدم به این معنی که در این مایه سوره اوله سوره او را از حصار دانه و در این مایه سوره اوله سوره او را از حصار دانه
 او را از حصار دانه و در این مایه سوره اوله سوره او را از حصار دانه و در این مایه سوره اوله سوره او را از حصار دانه
 او را از حصار دانه و در این مایه سوره اوله سوره او را از حصار دانه و در این مایه سوره اوله سوره او را از حصار دانه
 او را از حصار دانه و در این مایه سوره اوله سوره او را از حصار دانه و در این مایه سوره اوله سوره او را از حصار دانه

۱۹ در العبد

قصه و دلایر مجلسی داده سوره او را از حصار دانه و در این مایه سوره اوله سوره او را از حصار دانه
 سوره ۲۱ سوره اوله سوره او را از حصار دانه و در این مایه سوره اوله سوره او را از حصار دانه
 سوره اوله سوره او را از حصار دانه و در این مایه سوره اوله سوره او را از حصار دانه
 سوره اوله سوره او را از حصار دانه و در این مایه سوره اوله سوره او را از حصار دانه
 سوره اوله سوره او را از حصار دانه و در این مایه سوره اوله سوره او را از حصار دانه
 سوره اوله سوره او را از حصار دانه و در این مایه سوره اوله سوره او را از حصار دانه
 سوره اوله سوره او را از حصار دانه و در این مایه سوره اوله سوره او را از حصار دانه
 سوره اوله سوره او را از حصار دانه و در این مایه سوره اوله سوره او را از حصار دانه

۱۹ در العبد

و صفی
 العبد
 العبد
 العبد

بزرگین بخت محسن اولاد ستم اودانی حلالون تقاض حلیه کوندر بلیب نظر و فایده منعم و تحقیقیند بالفیغ محمد بن محمد
 ۱۱ در کتب ۱۹ تا ۱۰ رطبه انور مضبوطه در دهان مین بودند بخت محسنین معطر اعلامک حلاله است بر بخت
 بتم شکت سخی بودند و کما فی تفسیر و نازیمه خوانند اولاد بخت قیاس با ائمه اهلبیت این مراد است از مختار نهاده
 بدین ترتیب که در خفته بنده تا اولاد بعد از ائمه موقن اولاد تقم روشنی از خانه مورخان کما فی تفسیر
 میمنت که در سرتوکار سوی ایش و کما فی تفسیر عاقدن و راهت ایسان ایام و در جبهه قواری شریک الملک احمد
 سوی ایش و غیره این اثر بویله این اثر است که در تفسیر تقم ابو مضبوطه در این اثر که فی سطره و فایده
 و ایالاته ایسان بویله در کتب

۱۹ در نسخه ۴۱

اعلامت و لابن محسن اولاد ستم اودانی حلالون تقاض حلیه کوندر بلیب نظر و فایده منعم و تحقیقیند بالفیغ محمد بن محمد
 ۱۱ در کتب ۱۹ تا ۱۰ رطبه انور مضبوطه در دهان مین بودند بخت محسنین معطر اعلامک حلاله است بر بخت
 معطر اعلامک حلاله است سلاطین نتم الفهم جوارین و لغو واقف علیینه و نه قد مایا در کما فی تفسیر
 و نازیمه بنام اولاد بخت قیاس با ائمه اهلبیت این مراد است از مختار نهاده
 عدت اخبار جمع موقن اولاد تقم روشنی و سوی ایش و کما فی تفسیر عاقدن و راهت ایسان ایام و در جبهه قواری شریک الملک احمد
 محمد و در کتب محسنین مین در کتب ایسان بویله این اثر است که در تفسیر تقم ابو مضبوطه در این اثر که فی سطره و فایده
 احمد حلال الدین اثر بویله این اثر است که در تفسیر تقم ابو مضبوطه در این اثر که فی سطره و فایده
 و فایده ایسان بویله در کتب

۱۹ در نسخه ۴۱

و فایده ایسان بویله در کتب
 در نسخه ۴۱
 و فایده ایسان بویله در کتب
 در نسخه ۴۱
 و فایده ایسان بویله در کتب
 در نسخه ۴۱

نور و

خلاصه تدبیر



کتاب خلاصه تدبیر در بیان حقایق و غایب است
 اول به فتنه شکی ۴۷ مداراک کما که از کینه و بوز بر عدل و حق
 ملا و سعادت خیر معادلان نبوت منبت مبادر از کینه و بوز بر عدل و حق
 بر خوفا صفت از سنار حلاله منبت منکر لاف و لاف و لغو منبت منکر لاف و لاف
 منبت و نظم کرد که موعود عالم شیخ محمد عارف است و صف در یک بیان و حکمت اولاد موری از کینه و بوز بر عدل و حق
 و صفت موعود است و بینه اول به فتنه منبت منکر لاف و لاف و لغو منبت منکر لاف و لاف
 اضنیبه شده اولاد منبت منکر لاف و لاف و لغو منبت منکر لاف و لاف
 در این کتاب موعود در اولاد موعود است و صفت موعود است و بینه اول به فتنه منبت منکر لاف و لاف و لغو منبت منکر لاف و لاف
 موعود است و بینه اول به فتنه منبت منکر لاف و لاف و لغو منبت منکر لاف و لاف
 موعود است و بینه اول به فتنه منبت منکر لاف و لاف و لغو منبت منکر لاف و لاف
 موعود است و بینه اول به فتنه منبت منکر لاف و لاف و لغو منبت منکر لاف و لاف
 موعود است و بینه اول به فتنه منبت منکر لاف و لاف و لغو منبت منکر لاف و لاف

۱۹ در المصنف ۱۲۱

نور و
ل

کتاب در بیان حقایق و غایب است
 خف در و فتنه ایوا خونی و بینه شکر در راه منکر است
 عمو شیخ خلک از عدل و فتنه است
 مقدماً منبت منکر لاف و لاف و لغو منبت منکر لاف و لاف
 اینست و در بینه منبت منکر لاف و لاف و لغو منبت منکر لاف و لاف
 مع الاصل و راه منکر است
 در این کتاب موعود در اولاد موعود است و صفت موعود است و بینه اول به فتنه منبت منکر لاف و لاف و لغو منبت منکر لاف و لاف
 موعود است و بینه اول به فتنه منبت منکر لاف و لاف و لغو منبت منکر لاف و لاف
 موعود است و بینه اول به فتنه منبت منکر لاف و لاف و لغو منبت منکر لاف و لاف
 موعود است و بینه اول به فتنه منبت منکر لاف و لاف و لغو منبت منکر لاف و لاف

۲۱ در المصنف ۱۲۱

نور و

و صفت موعود است

که بک مصطفی پشام واقع سیده جادس در کاهنت مستحق جهتی من رضایه در پشامه شیخ حقی اقر
 نصریه ایند بکنده بحد معاندت وجهه نیک اجر است مدعی در راه مذکور بودت نشین مصطفی را که از طرف
 اوقات چهارم نظارت سیده سنا ای و انوب نظرون مقام عالی مستحقا جدرینه بالتقدیر مجلس سابق
 حواله بپر برون مضمون و ضمیمه عالم اولی و جهت مذکور نیک مومی به شیخ مصطفی را که از طرف
 زوجه اوله یعنی بین ۱۰ رجعت تاریخ بخرات علی در لیدی و اوقات مقررده است بنوعی که جامع تر یعنی حوزان
 رسوم مع جادسی جامع تر یعنی بوم فخره آیین طریقت رفایه اولنکه سر طریقه جهت مذکور نیک و تقوی
 بولنامه شیخ حاج محمد سید حسام الدین و قاتنده صدر اولادینک و انه فضل اید و ارشد و اصلینه
 بود بعد الاقران خلفانست اصلینه و طراد لیدی جهات فمندان مخرج قیدنده اکل سیدوب سیدی مومی ایها
 کرده سزه اید در راه مستحق اولدیفنده استدفا که در جهت مذکور نیک و طیفه سنی ایفا اهن بولنامه
 و خبیثگی دلاوه مومی ایبه شیخ حقی اقر میمانند نصر بکنده توجه بیده بینه برات عالی ای طاسی سر طریقه
 و اصول و نظایر طایعه اولدیفنی جهته تنب نفوس اولفله اسبوضبطه دایمانه نزل مضمونیه نظر دفا
 نظارت سنا ایها به ارسال بولیس بانام

مصطفی
 در کوه ایلیا
 در کوه ایلیا
 در کوه ایلیا

لود بروم جی پچار بش جوارنگ واقع دوست زین ان لدنی هید در کاهی و کلم حافظ محمد ^{کشی برینه} ^{بدرین ایام} برین شیخ عبد الوهید ^{تفر}
 حاجت سیر و تکیه کنده بجه در راه کشتی یک دور در یکی مسخر شیخ عبد القادر اوز و فخره بقیم صلح بودین ابو عصا
 مد که اوش و شیخ سومی الهیک معذرت موجودی نه فیما بر صحت دهها در سعادت اقامت این جی جهه بر صحت اسفا
 مدله تقضیه یک ابو سیر مشتق بونک منور نا خداندگار ولایت مرکز نیات سیریه سراسر یور ستر کتفین او اظہار

۱۷ ریح الاولیاء

احمد محمد حسن

لجی

اردین

توری

تور

ادنی بیخه در کاشنگ بدین شیخ احمد عبدالوف انتیک و ناته بنام او بوز شیخ دلات و بنک کلام بیخیا
 حسن مطیع دیدم بقیم ارتاق جلدون نزارت جلیه سیر و یوسف منور فاسم شیخ سید محمد بقیم
 مدس و یاقیم محمود ابو عصا و در بوطی و جهات او در سیر کلام محمود و کلام لعل اهداس
 در زین مورد کاه شکور لاق جلدون برین مسیح اچا درین و سیرت هیکل کلام محمود و محمد سیر سیر
 بولکازین جهات او ام شکت بود در کلام کلام بقیم شیخ کلام امیر دامه او ابرار یار مشتق غایت قیام سیر
 وقفه مضار
 شیخ غایت تقضیه
 الاواج بایضا

۱۵ ریح الاولیاء

تور

قاشق اصفیه بقیم جمل جودیلان ابو عصا لعل اندر نزوح مطلقه هید در کاهی شیخ حسین توری نجات
 لازم او سیر اچول نامور کوندلشن سیر بولنه مدینه اهو کازوش مدله تقضیه ابان سیر بولنه اوز و شیخ
 در خلافت العبد بقیم جمل بولنه سیرت کفشت

۱۵ ریح الاولیاء

احمد محمد حسن

لجی

انال دص

و صحت

لورد ۳۷ محمد باقر افغان گفته باقیم جمع بود بر این ابو عضل از فطیحه مور در کار آمد لم اوسر هات اداره ملک بمردن
 تا نگردن در کارن چشمه ساه محمد خان حاکمانه حوتر او فاشن انق اوزن و بقم مینا ایه صفا در بقمه زنگین
 بردت رعیت اوزن تو جمع رسید بر خنم خواجگان او مخ اوزن رسیدن خواجگان هدا صای از عده سنی اوزن
 کور و غنیمت کور و ۱۹ تا نگردن در کارن و حاکمان خاقان سار ابو عضل و بقمه اوزن خواجگان و در خواص
 ایاغ زنده و عده سنی زنده در کارن و خنم خواجگان بقت اوزن بندر افرا و قنده بن و راهب و حاکمان
 خاقان سار ابو عضل و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن
 خاقان سار ابو عضل و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن
 همدون نظر ت حلیه ایدل بود که تا ز رفت

۳۹ ریح الاصل ۱۲۱۱ هجری

لورد

لورد ۳۸ محمد علی مدبر باقیم جمع بود بر این ابو عضل از فطیحه مور در کار آمد لم اوسر هات اداره ملک بمردن
 و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن
 همدون نظر ت حلیه ایدل بود که تا ز رفت

۳۹ ریح الاصل ۱۲۱۱ هجری

لورد

لورد ۳۹ از مور جوانان دانشمندان احمد از راه صومعه عین علم زاده احمد معا فندوز منقلا اداره نصف حصه ستم
 و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن و بقمه اوزن
 همدون نظر ت حلیه ایدل بود که تا ز رفت

۳۹ ریح الاصل ۱۲۱۱ هجری

لورد

۱۹ نور
 این سخن حق است بر هر که در عالم است و سخن محمد نانی است و مانند باقیه مردم بود بر این ابو عبد الله که علم اوست
 خبر استقامت نماز و روزه و حج و صوم است و در این ایضا مقتضای این خبر در بار
 که نیت بر این از باری بر سر نیت

۱۱ عیال اولاد

۲۰ نور
 محمد بر این مردم باقیه مردم بود بر این ابو عبد الله که علم اوست
 ۱۱ عیال اولاد

۲۱ نور
 سخن بر درگاه نیت بر این سخن است که علم است محمد نانی است و مانند باقیه مردم بود بر این ابو عبد الله
 علم اوست که نیت سخن بر درگاه ایضا مقتضای این خبر است و در این ایضا مقتضای این خبر است

۱۱ عیال اولاد

۲۲ نور
 عیال بر این مردم باقیه مردم بود بر این ابو عبد الله که علم اوست
 ۱۱ عیال اولاد

۲۳ نور
 بر این دانع خلقت در راهی نیت بر این سخن است که علم است محمد نانی است و مانند باقیه مردم بود بر این ابو عبد الله
 در نیت اولاد لازم که نیت بر این سخن است که علم است محمد نانی است و مانند باقیه مردم بود بر این ابو عبد الله
 نیت که نیت است و در نیت باقیه مردم بود بر این ابو عبد الله که علم اوست
 نیت بر این سخن است که علم است محمد نانی است و مانند باقیه مردم بود بر این ابو عبد الله
 طره ؟ علم است که نیت بر این سخن است که علم است محمد نانی است و مانند باقیه مردم بود بر این ابو عبد الله
 نیت بر این سخن است که علم است محمد نانی است و مانند باقیه مردم بود بر این ابو عبد الله
 اینها ایضا نیت بر این سخن است که علم است محمد نانی است و مانند باقیه مردم بود بر این ابو عبد الله
 اوست از این با عدم و ضبط ایضا و از این خبر است که علم است محمد نانی است و مانند باقیه مردم بود بر این ابو عبد الله
 نیت بر این سخن است که علم است محمد نانی است و مانند باقیه مردم بود بر این ابو عبد الله

۱۱ عیال اولاد

۱۱ عیال اولاد

۱۱ عیال اولاد

۱۱ عیال اولاد

۱۱ عیال اولاد

۱۱ عیال اولاد

۱۱ عیال اولاد

محمد بن محمد بن ادریس بن عثمان بن ابی شیبہ و غیره از امامان علیین علیهم السلام که در حدیث آمده اند

علی بن ابی طالب
جنت منگده شکر در حدیث آمده است که در روز قیامت او را از جنت خارج کرده اند
محمد بن محمد بن شریف احمد سعادت بن یونس صاحب کتاب تاریخ و ادب و لغت و حدیث و فقه و کلام و تفسیر

ارزانق مغربله منگده شکر چنانچه حکیم تفتیشی در اراکین با یکدیگر عهدی کرده اند که در حدیث آمده است
ابولفضل و خطبه منگده احمد سعادت بن یونس صاحب کتاب تاریخ و ادب و لغت و حدیث و فقه و کلام و تفسیر

بخت ابا ایوب و کورنغ ترک اهل و از خلفاء مخالف اهل بیعت اجماعی و غیره در بیان احوال و غیره
مستم بیخیز جنت منگده شکر احمد سعادت بن یونس صاحب کتاب تاریخ و ادب و لغت و حدیث و فقه و کلام و تفسیر

محمد باقر بن محمد بن ابی طالب و غیره از ائمه اطهار علیهم السلام که در حدیث آمده است
ابو یونس از خطبه مقدمه بیخیز احمد سعادت بن یونس صاحب کتاب تاریخ و ادب و لغت و حدیث و فقه و کلام و تفسیر

تفسیر در بیان احوال احمد سعادت بن یونس صاحب کتاب تاریخ و ادب و لغت و حدیث و فقه و کلام و تفسیر
محمد سعادت بن یونس صاحب کتاب تاریخ و ادب و لغت و حدیث و فقه و کلام و تفسیر
اولاد بنی هاشم از اجداد شیخ ابراهیم صاحب کتاب تاریخ و ادب و لغت و حدیث و فقه و کلام و تفسیر
احمد سعادت بن یونس صاحب کتاب تاریخ و ادب و لغت و حدیث و فقه و کلام و تفسیر

احمد سعادت بن یونس صاحب کتاب تاریخ و ادب و لغت و حدیث و فقه و کلام و تفسیر
احمد سعادت بن یونس صاحب کتاب تاریخ و ادب و لغت و حدیث و فقه و کلام و تفسیر
احمد سعادت بن یونس صاحب کتاب تاریخ و ادب و لغت و حدیث و فقه و کلام و تفسیر

در این واقع که در راهی بخت داشتند که بفرستند از این مقدار حکم بر سر سفره در بیان اعلامی است و این را معلوم
 کرده اند که بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند

اینکه این را در اعلام معلوم است
 در این واقع که در راهی بخت داشتند که بفرستند از این مقدار حکم بر سر سفره در بیان اعلامی است و این را معلوم
 کرده اند که بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند

بفرستند

در این واقع که در راهی بخت داشتند که بفرستند از این مقدار حکم بر سر سفره در بیان اعلامی است و این را معلوم
 کرده اند که بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند

بفرستند

در این واقع که در راهی بخت داشتند که بفرستند از این مقدار حکم بر سر سفره در بیان اعلامی است و این را معلوم
 کرده اند که بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند و بفرستند

بفرستند

بفرستند

بفرستند

بفرستند

بفرستند

بفرستند

لوردو ابون ادریس کوشک و قاضی کوشک جوان واقع به حسن اذن در کما ای شیخ محمد خاکف اند بنک و فانه و محمد و ملر
طلعت و ثاقب اند برک حسن رضا لویه تر کلرینه منی کوشک ^{مغلوبه} جهنک عهد هسنه تو جهنهی استدعی حسن اذن طرفند
اوقات مجابون نظارت جلدسنه اعطا و انوب مطروفا مقام ناله سینخفا ایلرینه! تقدیم مجلس بنو حواله یوریلان
اسبو وضعی جهت مذکره یک شرفاس مومی ایلر توجیه اولدیغی بین ۲۰ مصراع ۲۱ تا بخند و برات و برلر کند و اش

جات ادره سنک ظهران محرد در کنار ترانت اولدس

سیخت مذکره سنک استدعی مومی ایلر توجیهی ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} در کما مذکور عرصه ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} اولدیغی جهنم ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} بعضی اوقات
مداخله اولمقد و اولدیغدن اوقات مجابون حقوق مس در کججه تجاوز واقع منع کوانت سیدر نغده و تابان ایلر
اصولاً لازم کمان مضطرب تنظیم و اعطا و تمق اوزده بیفتک بیدرلسی ضمنه بو نکت مطروفا نظارت مس ایلر
ارسال یورلسی نکر قلدر

۲ مصراع
صفحه اولی
۲۰ مصراع
لوردو

بقدار لازم در بنات سیدر سنه بلقیم صلله یوریلان ایلر ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} مصلحت اولدیغی ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} اولدیغی
ممنون چند ولایت سارا ایلر سنه ایلر ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} مصلحت اولدیغی ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} اولدیغی ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} اولدیغی
اولدیغی ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} اولدیغی ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} اولدیغی ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} اولدیغی

۹ مصراع
لوردو
صفحه اولی

طلر لیدی تم نابیک سیریم سنه ایلر ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} اولدیغی ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} اولدیغی ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} اولدیغی
والدیتم شیخ المشیخ و طبعه نایعابدن قاسم افندیکن کجلیکه بیار قندار سیر لغتو کجده ارضان مطلوبه بر جمع اولان مؤذن زلم
بنی محمد انزیه ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} اولدیغی ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} اولدیغی ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} اولدیغی
و ایضاً ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} اولدیغی ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} اولدیغی ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} اولدیغی
شخصاً حاله اولدیغی ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} اولدیغی ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} اولدیغی ^{مجلسی} ^{تخلیف ایلر} اولدیغی
۹ مصراع
لوردو
صفحه اولی

۸۵
ارکانی که بر روی زمین واقع خلعت درگاه جمع ریختن ایازنی منوچهر حسن از ان بعد از آنست که صرفاً به استمداد استمداد استمداد استمداد
خبر افغان فقط در سینه در فیلان در حوضه است و از آن جهت که لغت استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد
شرف منکر است و درگاه که در حق استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد
باشد امکان این که خبر و دیگر شیخ عبدالعزیز استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد
او بعضی را از منکر استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد
درگاه که از منکر استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد
نمونه

سیدالکلی

۷۵
تنبول و واقع جلالت درگاه استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد
خبر درگاه که به سینه استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد
او بعضی را از منکر استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد
سوی او از منکر استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد
که در منکر استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد

سیدالکلی

انوالصص لوری

سیدالکلی

۸۹
ملا محمد خانه انفا در راه به منکر استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد
ایا لوری در منکر استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد
سیدالکلی در منکر استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد استمداد

سیدالکلی

انوالصص لوری

سیدالکلی

ارزاق قوتی حاجت و دفع ایوب جانر حقیر درگاه هر که است بشن شیخ حواقیق بنک بلا لنگه و فروع و آثار
بنا منقلا اولاد ستمت وقتت عدله از تو فیز منه علی یحی و جلال الیهین و السلام و در پیشگاه انظار و لقا
ایقین صدقه بیدلان ایوب جانر مع لود او منس بتمت منگنه حواقیق مور الیهین و السلام ایوب جانر شیخ محمد اثر به یوقین
با بیغظه و صراحت بنیغنه لود او منس حواقیق بنک وقتت
لورد
۷۶

پهلوان

حلب مدونیا شکر سوت شکر یمل و جاقندین شکرانی حامد و رخساره روی خنور تقیم انقب صدقه بیدلان ایوب
رضای مع لود او منس مانه زینجا تحقیقات مقصده باد و این ایوب جانر حاله کوه ایمایه ابو الرضا اوزنه
لذبت عاشر جیده چهره در صحرای ارسال بوردی شکر افروز
لورد
۷۷

پهلوان

زادینین ارادین جان عسره البیغنه بچا بیجفت عسره لنگه بتمت بم معانه تحقیق حقن نه دلنیا بیعت
فرزاد حسین بن شیخ اسلام انقا و مدیم تقیم اولاد صدقه بیدلان ایوب جانر مع لود او منس ایوب جانر شیخ محمد اثر به یوقین
اولد به جغینه نوکتر حواقیق بنک وقتت
لورد
۷۸

پهلوان

صفا ایوب جانر
کعبه
صفا ایوب جانر
صفا ایوب جانر
صفا ایوب جانر

مجلسه اوله فی تحقیق حلاله بیدار اینونه که فرست است که حلاله زنده نموده بود در مجموع اینم تقیم بکنند

۱۰ در العبد العبد

صاحب کلمه حلاله بیدار است

عبدالله

و صفت
 حلاله بیدار است در هر کجا که است و این که حلاله بیدار است و این که حلاله بیدار است

دور ۸۰
 حلاله بیدار است در هر کجا که است و این که حلاله بیدار است و این که حلاله بیدار است

دور ۸۱
 حلاله بیدار است در هر کجا که است و این که حلاله بیدار است و این که حلاله بیدار است

دور ۸۲
 حلاله بیدار است در هر کجا که است و این که حلاله بیدار است و این که حلاله بیدار است

دور ۸۳
 حلاله بیدار است در هر کجا که است و این که حلاله بیدار است و این که حلاله بیدار است

دور ۸۴
 حلاله بیدار است در هر کجا که است و این که حلاله بیدار است و این که حلاله بیدار است

دور ۸۵
 حلاله بیدار است در هر کجا که است و این که حلاله بیدار است و این که حلاله بیدار است

دور ۸۶
 حلاله بیدار است در هر کجا که است و این که حلاله بیدار است و این که حلاله بیدار است

دور ۸۷
 حلاله بیدار است در هر کجا که است و این که حلاله بیدار است و این که حلاله بیدار است

دور ۸۸
 حلاله بیدار است در هر کجا که است و این که حلاله بیدار است و این که حلاله بیدار است

دور ۸۹
 حلاله بیدار است در هر کجا که است و این که حلاله بیدار است و این که حلاله بیدار است

دور ۹۰
 حلاله بیدار است در هر کجا که است و این که حلاله بیدار است و این که حلاله بیدار است

۱۰ در العبد العبد

عبدالله

انوالص

صفت

عبدالله

بورو سوره شریف و توبه بر او در زاده سر شست و آنک عصاره زعفران مستعمل کرده اند از وقت زاده تا که در وقت از حدیث آمده
مقدور است تقیم این عصاره باینکه در وقت زاده سر شست و آنک عصاره زعفران مستعمل کرده اند از وقت زاده تا که در وقت از حدیث آمده
بویله بدین بیان از شش ماه محض در روز زاده سر شست و آنک عصاره زعفران مستعمل کرده اند از وقت زاده تا که در وقت از حدیث آمده
از اول فروردین تا رسیدن به وقت زنده شدن در قدر بگذرد بویله بدین بیان از شش ماه محض در روز زاده سر شست و آنک عصاره زعفران مستعمل کرده اند از وقت زاده تا که در وقت از حدیث آمده

تیر غنم
۱۹ در (عصه ۲۷)

درود

۹۲
اکتادیم هیدور را که در وقت زاده سر شست و آنک عصاره زعفران مستعمل کرده اند از وقت زاده تا که در وقت از حدیث آمده
تسلیت بدین است اولاً شیخ احمد و اولاد او در وقت زاده سر شست و آنک عصاره زعفران مستعمل کرده اند از وقت زاده تا که در وقت از حدیث آمده
در راهک و محضاتی خود خود را در راهک نقد این در وقت زاده سر شست و آنک عصاره زعفران مستعمل کرده اند از وقت زاده تا که در وقت از حدیث آمده
باین روشی اولاً در راهک و خود خود را هیدور را که در وقت زاده سر شست و آنک عصاره زعفران مستعمل کرده اند از وقت زاده تا که در وقت از حدیث آمده
تا بجز اینک مصارف اوله باینجه بالا فرود بیاورد در وقت زاده سر شست و آنک عصاره زعفران مستعمل کرده اند از وقت زاده تا که در وقت از حدیث آمده

عصاره زعفران
انوار العصاره
۱۹ در (عصه ۲۷)

درود

۹۳
اکتادیم بینه هم سن و نوع هیدور را که در وقت زاده سر شست و آنک عصاره زعفران مستعمل کرده اند از وقت زاده تا که در وقت از حدیث آمده
در راهک و محضاتی خود خود را در راهک نقد این در وقت زاده سر شست و آنک عصاره زعفران مستعمل کرده اند از وقت زاده تا که در وقت از حدیث آمده
باین روشی اولاً در راهک و خود خود را هیدور را که در وقت زاده سر شست و آنک عصاره زعفران مستعمل کرده اند از وقت زاده تا که در وقت از حدیث آمده
تا بجز اینک مصارف اوله باینجه بالا فرود بیاورد در وقت زاده سر شست و آنک عصاره زعفران مستعمل کرده اند از وقت زاده تا که در وقت از حدیث آمده

عصاره زعفران
انوار العصاره
۱۹ در (عصه ۲۷)

مکذرا حرافقه قدر ظاهره است تشریح محمد درین لغت البقیع جمله بیدیه است و معنی آن در لغت
 مذکور قدر ظاهره است تشریح محمد درین لغت البقیع جمله بیدیه است و معنی آن در لغت
 در لغت و معنی آن در لغت البقیع جمله بیدیه است و معنی آن در لغت

و معنی آن در لغت البقیع جمله بیدیه است و معنی آن در لغت
 و معنی آن در لغت البقیع جمله بیدیه است و معنی آن در لغت
 و معنی آن در لغت البقیع جمله بیدیه است و معنی آن در لغت

و معنی آن در لغت البقیع جمله بیدیه است و معنی آن در لغت
 و معنی آن در لغت البقیع جمله بیدیه است و معنی آن در لغت
 و معنی آن در لغت البقیع جمله بیدیه است و معنی آن در لغت

مردود محله ولایت ولایت... (The text on this page is partially obscured and mostly illegible due to the angle and fading of the handwriting. It appears to be a continuation of a list or notes.)

تاریخ
۱۰۸۷

تعدادی محله اوله نوز ارغان... (The text on this page is also partially obscured and mostly illegible. It continues the list or notes from the previous page.)

تاریخ
۱۰۸۷

تاریخ ولایت... (Small handwritten note at the bottom of the page.)

والعص

حفت حاله در صغره الوالد جبرائیل سبحان در راهی است بر سر خاوا این انزبنت و نانیه نمازگاه و فقیرت وقت
 احوال و در وقت نسیب انگاه از اولاد او واقف که این نفرات جلایه بیخیم مال ارباب نظاما نفوس سختگیران کیف
 محبت سابقه و بیرون مکتف مکتف اهل علم و در راه مکتف بخت هنر بعضا ۱۰۰۰ آریختن حلقه محمد صادق
 صبیح صفا اقتید که در این المبه موی الامان محمد رضا الیدیا انزبنت و نانیه محموله کب اقتداره و کن تعلیم زیره باقی
 در وقت فاشور و راهی سخن جوی سراسر ایام از احوال انک اندک بعضی محرم و اتره ۷۰۰ در ۱۰۰۰ آریختن ایام بر صغ
 احاطه بقی بدین بران صغ و در ایام جهات فتنه خروج در کنار راه اکملایب و کن موی ایام محمد سراسر اجزا و نانیه ایام
 کبا موی ایام محمد سراسر و اصل اهل انبیا بعضی ایام خنده کب اقتدار الیدیا بنی نفع همه بشیفت
 احوال مکتف و قیام بدین بینا و محید آریکت ایام کب سبب نیکو ایام نقیم فنم ابو مضطرب و عمده نکر و کافیه
 نظاما نفوس سراسر ایام سراسر سراسر ایام

۱۰ محرم ۱۲۰۰ هـ

قطونین و نفع طوقی قادر به مع بر حال من علی مار سنک و انفاق بقدر و فقیرت بخت فیه باریت عن سقوط
 شیخ احمد صبیانیت بخت فیه بنی جهت مکتف به ایام اهل بنی امیر محمودی حقی اقتدرت فیه الیدیا بنی جهت ایام
 مکتف سراسر فطوره و لایز محبت اهل انزبنت و واقف که این نفرات جلایه کب اقتدار الیدیا بنی نفع محمد بنی نفع
 بیرون ۱۷ هـ ۱۲۰۰ آریکت در وقت مکتف الیدیا بنی نفع ایام بخت فیه مکتف سراسر ۸ هـ ۱۲۰۰
 آریکت ایام مکتف سراسر ایام بخت فیه مکتف سراسر و در ایام محمد بنی نفع ایام موی ایام احمد صبیانیت سراسر
 ایام موی ایام محمد بنی نفع ایام مکتف سراسر و نانیه بخت فیه مکتف سراسر اولاد واقف و بخت فیه مکتف سراسر
 احمد صبیانیت سراسر و نانیه بخت فیه مکتف سراسر اولاد واقف و بخت فیه مکتف سراسر اولاد واقف و بخت فیه مکتف سراسر
 کدر سراسر واقف که در سراسر اولاد بخت فیه بنی نفع بخت فیه مکتف سراسر اولاد واقف و بخت فیه مکتف سراسر
 ناهد اولاد اولاد مکتف سراسر اولاد واقف و بخت فیه مکتف سراسر اولاد واقف و بخت فیه مکتف سراسر
 بخت فیه مکتف سراسر اولاد واقف و بخت فیه مکتف سراسر اولاد واقف و بخت فیه مکتف سراسر اولاد واقف
 اولاد واقف و بخت فیه مکتف سراسر اولاد واقف و بخت فیه مکتف سراسر اولاد واقف و بخت فیه مکتف سراسر
 بخت فیه مکتف سراسر اولاد واقف و بخت فیه مکتف سراسر اولاد واقف و بخت فیه مکتف سراسر اولاد واقف
 بخت فیه مکتف سراسر اولاد واقف و بخت فیه مکتف سراسر اولاد واقف و بخت فیه مکتف سراسر اولاد واقف
 بخت فیه مکتف سراسر اولاد واقف و بخت فیه مکتف سراسر اولاد واقف و بخت فیه مکتف سراسر اولاد واقف

۱۰ محرم ۱۲۰۰ هـ

وصف العواصم

ابوصفيحة دافع خفصار در کمال شجاعت و شجاعت او در جنگ و در راه نبرد
 حذرت در راه نبرد شجاعت او در جنگ و در راه نبرد حذرت در راه نبرد
 رافع اولاد بن طلایه زید و رافع صدیقه خان فرزند او جواد بن موهود اولاد کنکام امانت اید پور اید میتننگه
 قدیم و صحت الیوم موهود اولاد کنکام اید پور اید میتننگه خان فرزند او جواد بن موهود اولاد کنکام امانت اید پور اید میتننگه
 اولاد بن طلایه زید و رافع صدیقه خان فرزند او جواد بن موهود اولاد کنکام امانت اید پور اید میتننگه
 اورام ذکر و رافع اولاد کنکام اید پور اید میتننگه خان فرزند او جواد بن موهود اولاد کنکام امانت اید پور اید میتننگه
 حفره حذرت در راه نبرد شجاعت او در جنگ و در راه نبرد حذرت در راه نبرد

محل نکرده و رافع خفصار در کمال شجاعت و شجاعت او در جنگ و در راه نبرد
 رافع بن میتننگه در راه نبرد شجاعت او در جنگ و در راه نبرد حذرت در راه نبرد
 احداث (لیک) میتننگه محمد بن اید پور اید میتننگه خان فرزند او جواد بن موهود اولاد کنکام امانت اید پور اید میتننگه
 اولاد بن طلایه زید و رافع صدیقه خان فرزند او جواد بن موهود اولاد کنکام امانت اید پور اید میتننگه
 سخی م میتننگه در راه نبرد شجاعت او در جنگ و در راه نبرد حذرت در راه نبرد
 بن حذرت در راه نبرد شجاعت او در جنگ و در راه نبرد حذرت در راه نبرد
 فقط اید میتننگه زید و رافع صدیقه خان فرزند او جواد بن موهود اولاد کنکام امانت اید پور اید میتننگه

حفره حذرت در راه نبرد شجاعت او در جنگ و در راه نبرد حذرت در راه نبرد
 حذرت در راه نبرد شجاعت او در جنگ و در راه نبرد حذرت در راه نبرد
 حذرت در راه نبرد شجاعت او در جنگ و در راه نبرد حذرت در راه نبرد
 حذرت در راه نبرد شجاعت او در جنگ و در راه نبرد حذرت در راه نبرد

۵۵

الوالعصا



مورد مذکور در طرفین و با در کاهی بدست نشین بدین شرح ابوبکر لطف افشید و فائز از منور از تحت زینت سعید و نیکو سید
 عبد القادر از طرفین او قاف هم چون لفظ را حلیه باقی معروداً نام معنی مستقیم از کوبه بعد حیدر بنی حیدر حمله بر سلام علیها
 و طوطی خان سلطان اول است
 کلمات اوله نشین مذکور و غیره نظیر **چهار** چندان در فقه نظراً اوقات ملحقه در غلط مضافاتند. قدیمه فیه منتهای آن در کلام ازین سخن
 باغ اطرای نام حمد طایفه سعید در فقه از این شرح است که بر وجه حسن نیست تحت جلدی شود حفظ محرابی
 بلا حد و فائز و وقف مذکور یک ابویوز الای شی آریخه مورخ و مفسر فقهی در حین زوایه مذکور که مجتهد و تاق بر حلاله
 عالم اولاد و فائز تحت و فیه از غم حسین حلی بعد از غم مذکور اولاد اولاد اولاد است لکن بعد لکن طایفه مذکور
 متب اولاد و کوزیک ابر و از سید و اولاد ذکوری فقه طایفه مذکور نسبت بر ذات ذکور فقه مذکور به شیخ اوله بعد از انوار
 طرف مذکور نسبت بر ذات شیخ و سوره ابر و در مشروط طایفه و واقف مذکور اولاد ذکور و فائز در وجود کسب طایفه مذکور
 نسبت بر ذکور و راه مذکور به شیخ ذکور که کلیمه بنی ذکور ذکور است و تحت جلدی است و اولاد مذکور نسبت بر ذکور
 نسبت بر ذکور حسین و عمایه ذکور مضطرب نشین و میان اولاد و اولاد بنی اولاد به مقتضای فقه و لا جبار تحقق این واقف مذکور
 خلفانند ابوبکر لطف انتر به موجب شرط واقف ذکور محکم فقیه در اعلام اولاد ذکور است تحت جلدی است نسبت بر ذکور
 مذکور و کلامک اکثر طرفین حفت مستقیمه در اشارت عمده سرف کشین بودیش اولاد و اولاد معالی ازین در وقت
 ابا یونس اهدی حکم موردی از شیخ ابوبکر لطف افشید و فائز ابوبکر لطف افشید مذکور جلدی است نسبت بر ذکور
 موردی ابوعبید القادر از طرفین است ما انفس او ذکور او ان عمیق سنه که مذکور ابوبکر لطف افشید بود که
 وفات انجمن بنی اشارت عمده مستقیمه در شیخ ذکور اعلام عمر مجیم مذکور نسبت بر ذکور طایفه مذکور خلفانند ابوعبید
 و فقه بنی ابی اهل ذکور محذوف موردی ابوعبید القادر از طرفین ابوعبید بنی ابوعبید بنی ابوعبید بنی ابوعبید بنی
 مقتضای سنه ابوعبید بنی ابوعبید بنی ابوعبید بنی ابوعبید بنی ابوعبید بنی ابوعبید بنی ابوعبید بنی ابوعبید بنی

مورد مذکور در طرفین و با در کاهی بدست نشین بدین شرح ابوبکر لطف افشید و فائز از منور از تحت زینت سعید و نیکو سید
 عبد القادر از طرفین او قاف هم چون لفظ را حلیه باقی معروداً نام معنی مستقیم از کوبه بعد حیدر بنی حیدر حمله بر سلام علیها
 و طوطی خان سلطان اول است
 کلمات اوله نشین مذکور و غیره نظیر **چهار** چندان در فقه نظراً اوقات ملحقه در غلط مضافاتند. قدیمه فیه منتهای آن در کلام ازین سخن
 باغ اطرای نام حمد طایفه سعید در فقه از این شرح است که بر وجه حسن نیست تحت جلدی شود حفظ محرابی
 بلا حد و فائز و وقف مذکور یک ابویوز الای شی آریخه مورخ و مفسر فقهی در حین زوایه مذکور که مجتهد و تاق بر حلاله
 عالم اولاد و فائز تحت و فیه از غم حسین حلی بعد از غم مذکور اولاد اولاد اولاد است لکن بعد لکن طایفه مذکور
 متب اولاد و کوزیک ابر و از سید و اولاد ذکوری فقه طایفه مذکور نسبت بر ذات ذکور فقه مذکور به شیخ اوله بعد از انوار
 طرف مذکور نسبت بر ذات شیخ و سوره ابر و در مشروط طایفه و واقف مذکور اولاد ذکور و فائز در وجود کسب طایفه مذکور
 نسبت بر ذکور و راه مذکور به شیخ ذکور که کلیمه بنی ذکور ذکور است و تحت جلدی است و اولاد مذکور نسبت بر ذکور
 نسبت بر ذکور حسین و عمایه ذکور مضطرب نشین و میان اولاد و اولاد بنی اولاد به مقتضای فقه و لا جبار تحقق این واقف مذکور
 خلفانند ابوبکر لطف انتر به موجب شرط واقف ذکور محکم فقیه در اعلام اولاد ذکور است تحت جلدی است نسبت بر ذکور
 مذکور و کلامک اکثر طرفین حفت مستقیمه در اشارت عمده سرف کشین بودیش اولاد و اولاد معالی ازین در وقت
 ابا یونس اهدی حکم موردی از شیخ ابوبکر لطف افشید و فائز ابوبکر لطف افشید مذکور جلدی است نسبت بر ذکور
 موردی ابوعبید القادر از طرفین است ما انفس او ذکور او ان عمیق سنه که مذکور ابوبکر لطف افشید بود که
 وفات انجمن بنی اشارت عمده مستقیمه در شیخ ذکور اعلام عمر مجیم مذکور نسبت بر ذکور طایفه مذکور خلفانند ابوعبید
 و فقه بنی ابی اهل ذکور محذوف موردی ابوعبید القادر از طرفین ابوعبید بنی ابوعبید بنی ابوعبید بنی ابوعبید بنی
 مقتضای سنه ابوعبید بنی ابوعبید بنی ابوعبید بنی ابوعبید بنی ابوعبید بنی ابوعبید بنی ابوعبید بنی ابوعبید بنی

کرم او ز ولایت جلده ششمه اودان فخری درین کار جلیده بگویند بلدی نظردنا نفی من متجددین بانی من مجلس شایع حواله بر ملازم ۷ حسن ابراهیم
۸۹۵ عدد که بجز از اید مریه از کتفده کافر جمعی دارند ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ تا بقیه و بیشتر بگویند در کتفده کافر
یا بیک نوشته است ۹ و ۱۰ و ۱۱ که در آنجا با هم تمام کتفده غنی است از این جمیع کتفده کتب در این کتفده کتفده کتفده
بیکه سبب پاره منفرد اطلاع بیتی است و این استیک و ناز و محزون محمد با والدین افتد کتفده کتفده کتفده کتفده کتفده
خانه اودان طایف عدیه کتفده خلقانند حاجی حافظ خلیلا قریب از کتفده کتفده کتفده کتفده کتفده کتفده کتفده کتفده
امعب مولفان تقاریر کتفده بر معجزه شفا صحت مملکت اول وجهه موسی ابره حاجی حافظ خلیلا از کتفده کتفده کتفده کتفده کتفده کتفده
اعداد بالنسب تقیر کتفده ابنو مضطرب و عباده زک منجه مملدنا لفظت مسا ابا ابا ای بیور کتفده

۷ مکرر

احمد

محمد

عبدالله

انوار العاصم

مادون

لعمرو بکفوز و رافع طایفه جمع صلیه در شیخ محمد زکریا و حاجی بونست نیککن از امام ابوالفضل علی بن محمد فخر رازی
صغیر و زاهر حاکم احمد جمال الدین افندیست بفرستند یکی کسی در راهی می بیند تا فرود آید در ایام حمله بود
مع لعمرو

درگاه ننگر شیخ حاکم احمد زوفی افندیست و فانه من ایلم ترک المید یکی ایلمی نفر او غنینه سنه ۱۱۸۱ کبری اول توقیف از سن
سوم و اصل او نیجه بود موی ایلمی افندیست یا بنده بنوت جماعتی بفرستد اعضا و نس افندیست از کد و راه افندیست
منگوه نصیه اول زوفی ۱۱۸۱ ربع الاول تا قتل با توم در یکی اعلامت موی ایلمی افندیست سن واحد ایلمی افندیست
لا یفیه و فیه بنگوه ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست
اعلامت موی ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست
اوله و با بعضی ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست
نکته ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست
موی ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست
نکته موی ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست

نکته موی ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست

جانبک شیخ محمد جمال الدین از فاضل همان نفر است جلایک کوزید بوقت ظهور تا سن ۱۱۸۱ تا سن ۱۱۸۱
در ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست
جماعت حمله موی ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست
در بخت ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست
چندک علامت در واقعیت موی ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست
افسانه عبارت از ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست
عنوان نصیه بینه بان موی ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست

۱۲ موی ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست

ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست ایلمی افندیست

بکرامه دالیه عتیق محمد حسن داتر جمیعاً محمد انور درگاه شیح بدین اجل محمد نور الدین اصفیه تخت و ناز بنام اولاد
 بنام تخت و ناز محمد انور محمد زوی حسین بدین انور طوفان او ناز و جلال و نظارت جلیله اسم او محمد زودفا
 مقم و مستجابیدیه البقیع محمد بنایر محمد و محمد استماع اولاد و بیت مکه نیک منوطاً صورت اولاد کرامه
 نوسیه اولاد بنام ابن امیراً و بنام ۱۲ ربع الاولاد با تخت برت و برت کرامت جلاله و نوزاد اولاد کرامه
 و خاتم بنام مکه نیک و برت ستار صورت اولاد محموله بنام مستقر صورت اولاد حسین بدین انور نوزاد برت و ناز
 اسم البقیع بنام ابو مصطفی داعیان ترک مکتوبه منظراً نظارت سایر اولاد بر سر این است

محمد حسن
 محمد انور
 محمد زودفا
 محمد بنایر
 محمد استماع
 محمد بنام ابن امیراً
 محمد بنام مکه نیک
 محمد بنام ابو مصطفی

حافظت افندی طرفین، القدم حواله بود بیان اسبوع رضال مجلس در بقعات سرچشمک نظریه تحریر و نگارش او فوندمی
 مستدعی مومی البرکات عهد و سنه توجیهی طلبیدگی قیامد فیقده واقع احمد البخاری حضرت لمیری در فایستخنی جهات نظامت اسبک
 بر بنی ماه سنده بیان و لان بدری مخلولدن علی العاصم خذ و منه توجیه اولنه کلان جهاتدن اولمابوب درگاه مذکورک بان
 دو اقفی بونان جسد احمد حضرت خلد بننا هی عدنا آسبان غازی سلطان محمود خان عدل حضرت بک ۱۱۷۷ تا ۱۱۷۸ بخند مقید
 و معمول به و نفضه سر یض لرن درگاه مذکورکی مستخذه بولنه بنی ذابک علم غمبیر تریف و احادیث منصف اید مالوت و تسبک
 و ارشاد و تریب سالکانه نادر و علوم نافع تدبیرت بقصد اولمسی استرد ط اولوب مستدعی مومی له علی الصلح در رسده
 بولند بغدائر بر اجازنامه و اصول نفت بنده اوزره کذک استرخصت نامه المشایخه و اقف مشایخه حضرت بک
 شرط اید بکی او صافی حائز اولماد بغی مجلسه در مجرب الاحوال بولند بغی و شرط و اقف نص شایخ کبکی اولماد بغی جمله بکوم
 مشروطه در کالبرک استخذه بولنه بخلرک شرط و اقف جامع اهل دارباب خواندن اولماد بینه کذک و نطفه اصید سدن
 اولمادن طولانی اوتون دن بر کاسعی و اغنا اید لک بکی و مستدعی مومی البرکات عهد و سنه حکم و نفضه توجیه اید بلان
 اوج جهت مسیحی جهه مشروطه و شرط نطق اینجه مشروطه بولنه به جمعی طبعی اولوب شو حاله مذکور جهه
 حکم که خلاف شرط و اقف توجیه اولماد بغی حاله بخلرک فرارنده استقامت کور بید مدیکی باینله با اراده سینه حضرت باد
 مجلس اجانه مزه معوض اولان توجیه جهت مسیحی اولماد بغی حکم مذکوره به حواله سی حکم اراده سینه به مغایر بولند
 و درگاه مذکورک انشاید مسیحی مومی له عهد و سنه توجیه دار و دن عرضی ملده در بیان اید بکی و جمله
 اراده سینه در اولماد بغدن درگاه مذکورک انشاید سینه عمر نوایه حضرت خلافتنا جهه حزمیه خاصه نظارت جیلده
 در کال حکم انشاید مقرر اولوب شو حاله مومی البرکات انشاید بکنه دار اولان نامه سی و کوه ای به موافق
 اولماد بغی که شرط و اقف جامع بولندا بغی مجلسه یقیناً معلوم اولمسنه بنا و درگاه مذکور مسیحی جهه سینه توجیهی مشروطه اقف
 مشایخه حضرت تمیزیه و مرضی عالی به و اصوله قطعاً مخالف اید و کندن قرار سینه و جهه جهت مذکور که مستدعی مومی له
 عهد و سنه قابل اولم به جنک کند و سنه نظریه تکرار نفعین اولمابوب

۱۱۷۷

صدا و نغمه
انوار المص

اصول

در روز دوازدهم جمادی الثانی سنه ۱۲۸۸ در روز پنجشنبه در شهر کتوفه
 حیدرآباد بمقام حاکم محترم آنجا در روز پنجشنبه در شهر کتوفه
 مستظرف ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه
 در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه
 در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه
 در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه
 در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه
 در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه
 در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه

در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه
 در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه
 در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه
 در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه در ایام کتوفه

و اینست بعد فادری در موقوفه خانقاه نور جوارز و دفعه عدوت راه در راه کوه کبک سراسر کوه استخت کفایت محمد زوی علی هاشم
 ۱۷ موقوفه اینست که گفته شد اجزاء پنج شیخ محمد بن ابتر کوفته که موقوفه حلاله بود و از این موقوفه بعضی آن سید عاقبت
 ۱۸ موقوفه ایست که اجزاء و دفعه بی هفت مملکت است عدوت این بود که موقوفه موقوفه محمد زوی علی هاشم اولاد کوفته
 ۱۹ در پیش موقوفه ایست که اجزاء کوفته حلاله بود و از این موقوفه حلاله بود و از این موقوفه حلاله بود و از این موقوفه حلاله بود
 موقوفه مملکت اولاد کوفته ایست که اجزاء کوفته حلاله بود و از این موقوفه حلاله بود و از این موقوفه حلاله بود
 و در وقت اولاد کوفته ایست که اجزاء کوفته حلاله بود و از این موقوفه حلاله بود و از این موقوفه حلاله بود
 موقوفه حلاله ایست که اجزاء کوفته حلاله بود و از این موقوفه حلاله بود و از این موقوفه حلاله بود
 بعد از موقوفه موقوفه ایست که اجزاء کوفته حلاله بود و از این موقوفه حلاله بود و از این موقوفه حلاله بود
 این موقوفه ایست که اجزاء کوفته حلاله بود و از این موقوفه حلاله بود و از این موقوفه حلاله بود
 این موقوفه ایست که اجزاء کوفته حلاله بود و از این موقوفه حلاله بود و از این موقوفه حلاله بود

موقوفه

لحم

عقود

انوالصص

موقوفه

موقوفه

نور
۵۶
۵۷

خداوندگار و الهی جل جلاله اوقات بهیوش نظارت بلیک سنه ارسال و نوب نظر و مقام عالی بتسبیح بلیک یا تقدیم مجلس سینه
حواله بوردیلان ومع المنظر غایت قرأت دن سنه ۹۸ سعان شیخ نارینجی و ۱۰۱ عددی مضبوط برده
بزیه دار زاده زادیه سنده دت دن برکا طبعه علوم اقامت تحصیل ید اشتغال ابد و ب و رسکک جنوی
در سعاده توجیه اوله کلکده اولدوغی خالد و جل جلاله دلایت کتبه سندن مرآت اذن دار اسکنک زادیه دکنده سکنک
مستخفه منصرف اولدوغی ادا نایه رک سهرکی الی فردوس مدرسکک و خلفه سنی فضول استیفا و مدرسه افاضه
خانم اقامت ایکنده اولدوغدن و سائر دن بجه اجراسا بجای عبدالرحمن رشیدی اذن طرفدن استعدا
و بوبابن جربان ایمان مخبره او زینه ابجاب مصلحتی متضمن حکمه تفتیشدن با زیلان مقفضا مستحق سکنک
بر موجب سرطه واقف طریقت علیه نقب سندی دن سیکله دتدریس متعلیمه قادر بر ذراته توجیه واجب اولوب
بارؤس هجابونه مدرسی بولنن مومی الیه عبدالرحمن رشیدی اذنبک مدرسه مذکوره دتدریس ید مستغول اولدوغی
معلوم ایست طریقت مذکوره به انت بے اولما دیغی نقد برده سرطه واقف توفیق علیا و عملا شیخ اولان بر ذراته توجیه نزدیکی
کو ستر یوب مذکور زادیه ارغک بدرکا شونخ رفیق اذن مخلوذن عهد سنه توجیه مفدا با مضطه اشعار فلان محمد اذن
افند بک بر موجب سرطه واقف طریقت مذکور دن سیکله دتدریس متعلیمه قادر اولما سنه دبعه عبدالرحمن رشیدی اذنبک
طریقت مذکوره به انت بے اولدوغی بدین کج بهر اجاز نامه دن اکلایک سنه بنی مذکور زادیه ارغک عهد سنه توجیه
نسب اولدوغی دتذکره سکن زادیه دار لره مخصوص اولدوغی کجی عی رحمت شیخ نارینجی برات عالی موجب جزیه داره
درکاهی طعایه سی اوله رقی خیمکانه خداوندگار غازی حضرت مدرس واقف سرفندن ایل خود شایطعایه تحصیل اولدوغی
قیه اکلایک سنه بنی بایند اجراسا بجای اشعار قلنر ایسه م اوقات هجابونه جات داره سندن جفا یلانیه افسوس
نارینجی قید ایکنده مذکوره دتذکره باز بلا ۹۸ روح الاطالیق و ۱۰۱ روح الاصلی نارینجی مقفضا لرم مذکور جزیه
دار زام زادیه سکنک بیک بوزیتک درت نارینجی مورج دیک بوز طغان الهی نارینجی مقفد و قفیه سنده زادیه
مذکور دم طریقت علیه نقب سندی دن سیکک سالیکن دتدریس متعلیمه قادر دظا هر باطنی معمور علما و صلواتی معتمد علیه
و ندین بر کیم شیخ و ناظر کتب تعین اولوب مستح مذکور دنک عهد سنه توجیه سنو سکنک اناسیده اولوب مطلقا
مشایخ کرام و فاتی ایله کونن سنو دتفتک اناسی و آستانه عید م ابا ابوب الانصاری حضرت مدرس جواریم
خانقا حضرت مرآت معصومی قدس سره شیخ و بیجا نشین بولنن مشایخ کرامت معرفیه اوصاف مذکوره
موصوف بر ذراته توجیه اوله و شیخ متوفانک اولاد دن اولوب اوصاف مذکوره ایله موصوف و شیخه اهل
اوله ایسه فعلا دالاجرد بایم اتلی در جونا اهل و جیباندن اولایق مشایخ در بله و الحاصل بویله بر غیر شیخ
و زادیه نشین و ناظر کتب اوله مسطور اولسنه نظر اعلی مذکور مدرسه اولمایوب درکاه اولدوغی و شیخه بولنن جنی دنک

دخی زاریه مذکور در مسکن ساکن نسبه و متعلمین در خاندانند ریس مقدر علما و صلحا ریح اوسمی لازمه در نه بولن بینه و تکرار
 قدر درگاه مذکور در سینه بولن نه توانک شرایط واقف جامع اولیغی داخرا زاریه مذکوره تک بعضی اولم لوز
 طبعه علوم و مکان ایدلس از بینه منقذ از طرفندن در سه غذا بدیدرک مدارس بیانه او خالو جامع اولیغی و اینرا از بینه
 مذکوره تک بعضی اولم لوز در سلکک باره اوس بولون توجیهی بدیدرک ۵ در العده ۱۰۰ ریخته موسمی اید
 به الرحمن رسدی از نه توجیه اولنوب بوندیم درگاه تک قومی سببان اوله بینه منی محل مذکورک مخالف شرط واقف
 در سه غذا بدیدرک مدارس بولن نه خواته توجیهی جهته که بدیدرک اوله بینه مالد سلسله مدارس توفیق سلسله در سه
 مذکوره به بر مدرس تعیین اوله جفی و مدرس اوله جفی اندیدرک اکثریسیه طرفت قیده انتساب بزرگی اولما یوب
 شرط واقف و جهل ایغای خدمت این به جهل کی دستخیز جینی برات علامه توجیه اولنوب مدرس بولن ان دیک
 ترخیص رسیده بدین کی برات عاینت حکمی استفاط ایدیدرک به جکی و بولن نه هم جیل فخری ذیرتول ایدیدرک جیل
 محل مذکورک در سه غذا بدیدرک مدارس بولن نه خواته توجیهی شرط واقف هم مخالف اوله جفی نه طو لایه اوصورندن
 صرف نظر اید مادامک مدرس رفقا از محموله نه عهده سه توجیهی مقدماتا ایدیدرک محمد مرآت فزینک شرط واقف
 جامع اولما دینی اجرا تفهیم اولما نه مضبوط مذکور در در بیان اید مدرس موسمی اید به الرحمن رسدی فزینک علی طرفت
 اینستعار اولنور سر حاله اید در وقوع بولن جق سلسله مذکوره تک مدرس جهته ترخیص ایدیدرک
 و حل وقوعه و علی دست بکدن شرایط واقف جامع بذات انتخاب و انلا اولمنی دبعده شرط واقف بوجینه
 بر راجه شیخ مرآت معصومی درگاه بینه سینه لازم کلا انلا اولمنی کیفیت مجلیه بیدرک بعدا ایا کوره ایدیدرک
 اجوا اولمنی شرط سینه مذکوره تک موسمی اید به الرحمن رسدی از نه عهده سه توجیهی ایدیدرک کیفیت بیدرک
 با عدم و مضبوط اناسی خصوصک ولایت متار ایلیا استعار کی ضمینه استبر مذکوره داغانه ذک طاقیده
 نظر واقف رت متار ایلیا ابرماله بولسی تکرار تفهیم اولما

مردی وضعی و انوالیغی و عهده

۱۰۰۰

سلسله مدنی ترقیقا ... مدنی ...
 عدد رشت ... ایجاب ...
 بولند ...
 محمد ...
 ما ...
 در ...
 درگاه ...
 دار ...
 لای ...
 لای ...
 نظارت ...

اصول

لهذا

عده

صدا و صفت و انواع

۲ عماد الامارات ۲۴۴ هـ

او در این مجلس اراده نمودن از ان مجلس و تفویض اختیار
 بپدرش ۲۵ مع الشکر از خود و ۶۵ در مصیبتا بر بویان سعاد
 اوست و در آن مجلس شریف سنه ۱۰۰۰ هجری قمری در روز
 بعد تقسیم به شرط سجان از زاری که زاده در اوقاتی بر
 شیخ سجان از کبر او غدر خاکه دستا افتد بر بوی سعاد
 محمد بن زاده و این حق افتد ترک لیس که وفات افتد
 سوزان سوزان شیخ خلیل افینک ابر اولاد بیرون
 کبر او غدر خاکه دستا افتد لیس که وفات افتد
 که زین کار اهلیت و تعداد مفقود در اینست
 یعنی مفدا اعدم از پیش برات و این در روز
 است بلکه منقذ و مفدا سن شیخ تقی اینست
 را حق در اینست که در سوزان شیخ سجان از
 بدست سوزان سوزان سوزان شیخ سجان از
 منبر اعدم از اینست که در سوزان شیخ سجان از
 و در اینست که در سوزان شیخ سجان از
 بارها فرزند سوزان شیخ سجان از
 استخوانی را در اینست که در سوزان شیخ سجان از
 منقذ از اینست که در سوزان شیخ سجان از
 برات من اعلم که در اینست که در سوزان شیخ سجان از
 بر وجه ما صفت سوزان شیخ سجان از
 و اینست که در اینست که در سوزان شیخ سجان از

در اینست

در اینست

در اینست

در اینست

۲۱

چه کلماتی را صفت در کلامی حجت افشانی در لاکت بریداری فیض با اینک احوال و معانی از سخته حاد مانده و ضلالت اندیشه
 محله را عیان زانما حیدر اولی استقامت حیات انچه ولایت باقیم حلال بریدار ملطف و برکت بود که در ضمن حقیقت یا در ظن حاد
 ایستاد بقدر جلالت کور لایکی در شیخ غمنا افزوس الهی خدش بکنش ایراستند طلا به ایرایز بنفعا اصفا ایبارکی رسالت
 دانسته چلی جهان الیه افشانی اثر برین اولی فی انچه اوقاف محاسب جلیکند تحقیقاته عطفاً اسفار فتنه ایرج مولی بر شیخ غمنا از
 طرفند اجزا باقیم حلال بریدار **صفت** در ضمن فیض با ایزد بخور شایسته بر بر سر نهی اوقاف مدبره انچه اوقاف محاسب
 کشفند و وضعی بضمیمه اسم اندک کورکی در لاکت امور دانه سنم مدخله ایکن اوله قدر کجه مدخله ایکن منور وضع
 فیض با اینک بجه اهل و معاشن اتمام اندعا اوله فیض کجاست مولی ایکن بکله کتوبه ابدت حلال بود که نودانه در حقی
 چلی بکنش و لا صفت در نفسی بکنش جهان الیه اثر بوقیه دائر در بلاه بیت عالمین الحسین بن ناریه زنده عالمین احلامی حقیق بود که در
 مولی بر جهان الیه افشانی حوله مدخله سن محل بر انچه ایضا بلیدر لسنه بنامه اوقاف مدبره و ^{واقعه ولایت} جلیکند بقدر بر واسطه مدینه ایر تحقیقات حقیقه
 اوجا نیز بر لکن در حقیقه وضع فیض با اینک سادی احوال و شیخ مولی ایکن وظیفه سن مدخله ایکن بنوعی ایر سینه بنیکنک با بقیط اینتر
 حضورت ولایت سارا لار اسفار پور لسنه در کتوبه

۱۱

لوح

هادی و صفت
 احوال صفت
 لوح

فقطون دانو واقت مبادیه در آن بر سجده بارش و انشا بقدر تقصیر بمقتضای تقصیر انوار او حسب کیفیت
سه و خفته لغت فیه انوار خفته منحلان بقدر در جبهه مستقیمه و محذوف حق انوار جبهه الجبهه انوار نورانی
حقرا فتنه انوار الابطال یعنی این الحسنه است و منکره که در آن بقدر حق طعنه و لایحه محبه اواده شده و او را فخر کلام حقرا
جلیده که در بطن مغز تا مغز است و بعد از این محله حلاله بر لایحه او را ^{۱۱} یا نیکو و نیکو برت و بعد از این مغز در لایحه
فقطون محله سر و سینه و پلان انوار که در لایحه او را ^{۱۲} یا نیکو و نیکو برت و بعد از این مغز در لایحه
سطح و انوار که در عشاء اربعه موی رصه آنز بقدر انوار حق عنده در جبهه اول جبهه محله حقوقه انوار که در
وقف فله درک او را در جبهه اطلس لایحه کلان و تقصیر هودیه شرط واقف نظام منت منکره که بر جبهه اوله لایحه کوار را که کوه انوار
حقن تقصیر خفته منکره و بعد از او نیز سبب این انوار جویا طعنه و لایحه با یقیمه حلاله بر لایحه او را ^{۱۳} یا نیکو و نیکو برت
عددی که در ترق موی او را که در لایحه اوله و انوار اینه طویله و بهت منکره که در جبهه موی او را جبهه اوله
لایحه انوار که در جبهه موی او را جبهه اوله بر انوار همان انوار و بهت منکره که در جبهه موی او را جبهه اوله
بیش از او حسب انوار منکره و بهت موی او را جبهه اوله بر انوار همان انوار و بهت منکره که در جبهه موی او را جبهه اوله

دعا کن که فی جبهه انوار انوار الابطال بر سر لایحه
در جبهه انوار انوار انوار

۱۱۱۱۱۱۱
انوار انوار انوار

نامی که در این بک محله و انوار حاکم بر لایحه انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار
اینکه در مجد انوار انوار این جبهه در او در ان جبهه موی او را انوار انوار انوار انوار
بور لایحه انوار انوار و انوار منکره که در لایحه انوار انوار انوار انوار انوار انوار
توجه او بهت فیه این برت و لایحه و در تقصیر بقدر انوار انوار انوار انوار انوار انوار
در جبهه انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار
کسر صافه مجد انوار انوار انوار و انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار
سطح منکره که در انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار
تقیمه فته انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار

انوار انوار انوار انوار انوار انوار انوار

انوار انوار انوار

بعد از ولایت محبت و راه ستم از اوقات کجایی نهارت حلیه کونند بلوب نظراً تفهم و مستحیله در بنفیع کجاست مخم ۵۵ راجع لور
 تاریخ ۱۸۶۹ عدد ضبط و دیوانه از کجاست مستحیله شد اطلاع و سانه و کجاست
 خلاصه مالور از نفع خاچنوت قلم ریخو کفم کون لور فلان با ادر کفنت ایامت کجاست مستحیله است و کجاست
 برین سقاقت بلا و وفات انبیزه جناسون اولان و کجاست ایامت کجاست و کجاست کونند برادر ایامت کجاست
 علاوه موی ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست
 مستحیله است و کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست
 کجاست کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست
 کجاست کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست

سام راه صادم صحت و کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست
 کجاست کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست
 کجاست کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست

کجاست کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست
 کجاست کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست
 کجاست کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست ایامت کجاست

نومو ۷۹

هاتینک سورا قیود جوارنک ولر تدبیرش مکنک واقعه عدم چاروش مجده کتفه درونج واقعه شیخ رطفا و قنینه
 مبتدئ قنینه احواله عمدتاً لولین منظر اکامل حقیر اقره قنینه اوقاف جویون تقارن جلد بیستم مطروفاً ففیم
 شیخ کتفه ایقین محبت کلام بیدر بلاز منصفه صنداعه اوقاف رجعت نکلده شیخ احمد صده ایتر لایقینه ایتر
 حضرت ائمه اوندک منظر مومنی از اکامل حقیر لولینه دار محبتی اعدینه زرنه ویرایه مضبوطه اوندک منظر تقیم
 اعلام ارزق حقیقیه اشارت علیه بیخیمه لولینه . روح الامور ایتر ادره عمده صدرا اوقاف لولینه اوقاف
 اوقاف ایتر لولینه جمیع جهات قنینه جمیع قنینه اوقاف لولینه اوقاف ایتر لولینه اوقاف ایتر لولینه اوقاف
 ایتر حضرت ائمه اوندک منظر مومنی از اکامل حقیر لولینه دار محبتی اعدینه زرنه ویرایه مضبوطه اوندک
 ایتر تقیم قنینه ایتر مضبوطه لولینه اوقاف جمیع مطروفاً لولینه اوقاف ایتر لولینه اوقاف ایتر لولینه اوقاف

ساده ۷۹ صحت و صحت الوالقص
 صحت و صحت الوالقص
 صحت و صحت الوالقص

نومو ۷۸

اوقاف حضرت سورا قیود جوارنک عظیمه ایتر لولینه لولینه اوقاف ایتر لولینه اوقاف ایتر لولینه اوقاف
 مطروفاً ولایه بیدر شیخ محمد ایتر لولینه اوقاف ایتر لولینه اوقاف ایتر لولینه اوقاف ایتر لولینه اوقاف
 طرقتی اوقاف لولینه اوقاف ایتر لولینه اوقاف ایتر لولینه اوقاف ایتر لولینه اوقاف ایتر لولینه اوقاف
 بیدر بلاز منصفه صنداعه اوقاف رجعت نکلده شیخ احمد صده ایتر لایقینه ایتر
 ایتر حضرت ائمه اوندک منظر مومنی از اکامل حقیر لولینه دار محبتی اعدینه زرنه ویرایه مضبوطه اوندک
 ایتر تقیم قنینه ایتر مضبوطه لولینه اوقاف جمیع مطروفاً لولینه اوقاف ایتر لولینه اوقاف ایتر لولینه اوقاف
 ایتر حضرت ائمه اوندک منظر مومنی از اکامل حقیر لولینه دار محبتی اعدینه زرنه ویرایه مضبوطه اوندک
 ایتر تقیم قنینه ایتر مضبوطه لولینه اوقاف جمیع مطروفاً لولینه اوقاف ایتر لولینه اوقاف ایتر لولینه اوقاف

ساده ۷۸ صحت و صحت الوالقص
 صحت و صحت الوالقص
 صحت و صحت الوالقص

شم تریف جمع کبر در حق بیفاسانه قتل سفجلان راه مشه بر نفس بدتلم سعود سید اکتون جمع کوز بعد صلا الظاهر
 افاده از لار سابقه اثنت و تقی زام عار له جلدن و تقضه الملک او دن سوی پوز غرض و طیفه اثبات من تحت جده سقف اوران
 سفجلان ناز شیخ محمد این اثنت و بیت مکه کوه صید کبر او غده شیخ ادیب او تر ذراغ و توفیر المیکیز جده نوبس حقن کوه و بلان حاکم نیم
 و بریده اعلام کرم رساله بنت لفته ابرار ایجاب سوید و بلان کسار لانه نهنه اودانف کلیدن لفظانز حلیله کنه در لیب مطود نانف من
 سنجیدین بیفمن جبه سابقه حواله بو بریلان ۲۹ صول ۱۲۱ نازیکه دیوز اون درت عددک مصنطه ح ارفا فطوح اریه صیفته ایجاب
 این سب بلور لیکیز نوبس ایجاب بیان اکتون او ننا اول ارج هیئت منکونه سفجلان راه مشه ننگ وقیبه کا دار سیدر وار اریه کا
 واقف نوه لادر اگر چه سطر واقف هیئت منکونه سوز راه شیخ ادیب نوز لیلان حلیله ابر کیده نوبس صیفته سب سب سب
 دست اجتمع بو الکتب بالاولان تحقیق نجیم کسک موصفا اسفا حشوکت ولایت عاربالا وک لایف کفره ارو ایز او بر لاس
 تزارکت

۱۱ صول ۱۲۱

اورن و لیت لانه جلیه نوز اودانف کلیدن نفاز حلیله کنه در لیب مطود و صفا من سنجیدین ما باری شیخ حواله بو بریلان
 بیزات در بریلان کفوه غر جلیه اودانه نهنه بو بریلان ۲۹ صول ۱۲۱ نازیکه د اوج لوز او نوز الی عددک مصنطه ای مقدر
 مسم کوز سبند اعلامی حلقه من مقدر غمغ غانا س محمد سن و نوز شیخ زام جلی محمد افانن بنا لیکل کبه جید نوز
 بو سب نوز شیخ جلیه جوفه دار افندینک وقاته من سن اولان سبنت چندک الانه اهتر بین ابدن محدود امدانز لیلان
 ارفاسنه عبادت اولعب لورث اسفا جمح موافق امدان نظام بو کسک افغه موافقات جمح صیفته تحت منکونه سب سب
 سرفا موواله شیخ حاجه جعفر کلیدن انز معللان او غما امدانز کوز نوبه برین بیان من اصفه کسبتم صیفته
 ایتو صیغه ایجاب نوزک طفا نایه مطود و نفازت سالیله اریه بو بریلان اینت ۱۱ صول ۱۲۱

سودده همدون وصفتی — شیخ ابوالکصص مطود و صول ۱۲۱

۱۱ صول ۱۲۱

فصل اول در بیان اجزای جمله اوله سنده اوقاف کلید نغزت جلیله از ایکی قنیه مژده تا مقرون بختیله از بقیه جمله
 حدالم بودیله ۱۸۹ تا ۱۹۰ و ۱۹۱ عدد در مضبوط ایله در نغزت لیدت لوبنه بک نایله قضاوتی کیم نغزت
 ویرانه ۱۹۱ تا ۱۹۲ علامت جمله مع کیم نایله م کانس و اقیقیه تقبیه بخصوله در هکله نغز
 بونه جایی عیبه اقدینک بلا لاله دکر وقوع دنازه نغزت م کانس اولان بخت منکله نغزت بلا نغزت اهن بنام این طرفت
 نغزته در مختلف محو عارف انز عیبه نغزته ۱۹۲ بین بارت مع اعکس کخافیه عیدت اولیب عدوت بقار مع نغزت
 اهل و نظام بختن اطفا موزنات جمله مویجه لیدت منکله نغزت موقار مویجه جمعی عیبه اقدینک محله موزنات
 نغزت محو عارف انز عیبه نغزته ۱۹۲ بارت مع اعکس التنبیه تقبیه نغزته ایوم مضبوط داعیله نغزته موقار موزنات
 مایله اهل اهل بودیله اینک

موسو

فصل اول در بیان اجزای جمله اوله سنده اوقاف کلید نغزت جلیله لونه بید مژده تا مقرون بختیله از بقیه جمله
 بودیله ۱۸۸ حرم ۱۹۱ تا ۱۹۲ اوج عدد در مضبوط ایله در نغزت لیدت لوبنه موقار مویجه جمعی عیبه اقدینک محله موزنات
 نغزته اهل و نظام بختن اطفا موزنات جمله مویجه لیدت منکله نغزت موقار مویجه جمعی عیبه اقدینک محله موزنات
 نغزته در مختلف محو عارف انز عیبه نغزته ۱۹۲ بین بارت مع اعکس کخافیه عیدت اولیب عدوت بقار مع نغزت
 اهل و نظام بختن اطفا موزنات جمله مویجه لیدت منکله نغزت موقار مویجه جمعی عیبه اقدینک محله موزنات
 نغزته در مختلف محو عارف انز عیبه نغزته ۱۹۲ بین بارت مع اعکس التنبیه تقبیه نغزته ایوم مضبوط داعیله نغزته موقار موزنات
 مایله اهل اهل بودیله اینک

سوره ۱۸۹
 انوالعص
 موقار

درود سلاطین مجلس داده نسیخه ارفاق عمادین تقاریر جلالتی از امام العزیز مفرود تا مقوم بتقصید بتفصیح مجیدین صلوات علیهم و علی آله
 ۱۷ محرم ۱۰۴۰ ازینکه ضبط شد و بعد از آن بیست و نه سلاطین محکم سزید شدند ۵ ربیع الاول ۱۰۴۰ ازینکه اعلام شد
 تا سلاطین علی بن عثمان غنی و ائمه حیدر خان زاده شکر بخت ^{پنج} خاندان سلسله سلاطین که در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت
 مقرر شد و اینها در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت
 ازینکه محمد صلاح الدین اثر به خلیفه بدین برات می آید که در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت
 اینها در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت
 و اینها در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت

صالح علیها

خداوندگار و این مجلس داده نسیخه ارفاق عمادین تقاریر جلالتی از امام العزیز مفرود تا مقوم بتقصید بتفصیح مجیدین صلوات علیهم و علی آله
 ۱۷ ربیع الاول ۱۰۴۰ ازینکه ضبط شد و بعد از آن بیست و نه سلاطین محکم سزید شدند ۵ محرم ۱۰۴۰ ازینکه اعلام شد
 خلافت برده شد و فیروز محمد بن بایسته شاه جوارین دانغ و این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت
 باینکه محمد بن مسعود اول از شیخ المصطفی محمد بن باول الدین اثر صدر کبریا و عماد محمد و حسن و محیی الدین ابیقلیدر تنگ لیدرک دانغ و اینها در این وقت
 بعدت منگودیه تنگ بالاسنجه اطمین بنین البر اولاد و تقدیر جوک محمدی محمد از عودان نوبله بدین وقت می آید که در این وقت
 عبادت او عهد موهفات محمد موافق اولاد و تقاریر اینها در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت
 شیخ ایجاب محمد باول الدین اثر محمد بن جوک محمدی ایجاب اولاد و تقدیر یوسف محمد اثر محمد بن یوسف بدین وقت در این وقت
 به نسبت بقیع نغمه این ضبط رایان در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت در این وقت

صالح علیها

اصول

اصول و تحقیق فی النواصص

76

نور

حضرت حاکم رضی عنہ از حدیث جابر بن ابی سلمیہ یا محمد بن زینب عن عبد القادر حاکم و کاتب محمد بن عبد الجبار بن
 در کتب معتبره بنی الملیک اوردند محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی
 مقدوناً مقام سید محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی
 در کتب معتبره بنی الملیک اوردند محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی
 واقف اولاد و بعد از آن خلیفان در کتب معتبره بنی الملیک اوردند محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی
 بدین جهت که در وقت قادیان در مقبره بر تخته نقش شده است اولاد محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی
 طوایف کبدالات مضطرب در وقت اولاد محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی
 زکوة سادات ابرار در وقت ذر و تقیام و سلسله از یاد محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی
 یعنی سادات ابرار در وقت ذر و تقیام و سلسله از یاد محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی
 واقف در کتب معتبره بنی الملیک اوردند محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی
 تقدیم کنند از جنین مطروحات و سادات ابرار در کتب معتبره بنی الملیک اوردند محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی

بسم الله الرحمن الرحیم

نور
۷۵

تقدیم کنند از جنین مطروحات و سادات ابرار در کتب معتبره بنی الملیک اوردند محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی
 اهل بیت امیر محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی
 مطروحات مقام سید محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی
 بنی الملیک اوردند محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی
 اینها اهل بیت امیر محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی
 تقدیم کنند از جنین مطروحات و سادات ابرار در کتب معتبره بنی الملیک اوردند محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی

بسم الله الرحمن الرحیم

حدیث معتبره بنی الملیک اوردند محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی بن محمد بن یونس بن عیسی

در بر بیجا تصنیف کرده و مع فرجه جوارش کاشن این واقف علی نقیینه سواد در راهک سخت کوفته و ان کلامه
 هوس خلیل بیاکت بدکه لایله و نوح و کلمه بی سوادان سخت قمت واقف نکلام ساقه و در ایام قتل و کشته
 واقعات شیخ جلی علی اثر عدل نظیر علم و دانش فقط نکلید هر مجله اوله سینه الله ضبط سینه غایب
 در سوره ارضیه اصحاب کله و تقوانه لولر نقدن کله سخت نکلامه کتن برهانه اولدر بغا کله کله اولدر سینه اولدر
 همدون نقارن جلیه کله زبیر نظردا تقمع و سید سیدیه بقصیح کلمه کله علم بورلا ۱۴ اسلا لاله
 تاریخ ۱۴۰۰ مده ضبطم از هم قخته معدن کفار مع موافق العمل و تقام کوشش اصغه کفار مع مصلحت
 نکلامه کله علی شیخ جلیه کله کله کله کله کله کله کله کله کله کله کله کله کله کله کله کله کله کله
 عفاینه نظردا کله

له کوان علمها

عوض

لحم

عوض

الوالعص

سوره هود
اصد

تو که طریقتی بود که هیچ بروی در جان الحاد قنبر معاش مذکورک نماز ساینه جوبه اوفان چو گویند در کس و سوره
 جهالمین افتدست ایضا حصصنا العرق اور وقت در کلام فصیحاً مدافه اینست لاس و حفظان ^{و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام
 تعلیمات منقده معینه ابوالیند ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت در کلام ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام
 ولایت ابواسید تعلیمات منقده اصحابک نفاق حلدخ و تبار و محفل استنباط ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام
 ارباب و موی الیشخ حقه افتدست کونستخ و سوره معلولیه جمله بقیندر جمله ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام
 سحر و سحر و تقیم من حسن ایضا ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام
 شیخ موی لاه تجملید انفسک ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام
 نصیب دارانم اینر کس در کلام حکمت در بیان باطن در دو کلام ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام
 در کلام طایفه ایضا اعتقاد وقت امر کس ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام
 ارباب حاله طایفه غیب منجمت متجلیه ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام
 ایضا ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام
 صدیق دار و سنی ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام
 اعتنا ایندیگ ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام
 نیلند و سحر اصلاح عملات ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام ^{حفظ و تقویت} ~~حکایت~~ در کلام~~

و تقویت

حکایت

حکایت

الوالدین

حکایت

احمد

و سوره

المعروف

جميع ما كان في دماغه من دماغه و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 معطاة مدخله في دماغه و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 انتم و لايت بهم اوراق كذا في دماغه و كذا في دماغه
 و درگاه و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 خلاصة معدلات و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 جميع احوال احوال و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 تعليل بكونه كذا في دماغه و كذا في دماغه
 درگاه و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 موزن خانه و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 حازر بركت بركت و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 انه روق و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 جلا نك عانا و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 اما كذا في دماغه و كذا في دماغه
 حواء و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 معناه و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 طعم و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 بحسن و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 نورا و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 تاريخ و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 حكمة و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 مدبر و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 اولاد و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 كيف و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 ايكون و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 تحت و كذا في دماغه و كذا في دماغه
 البلا و كذا في دماغه و كذا في دماغه

سنه
 و اميرت
 50
 تاريخ
 حكمة
 مدبر
 اولاد

در دو سلاکت و این مخلص اوله تنزه او نافع و نافع است جمله این کتاب مقرر است نفع است مستقیم از نفع مخلص
 ۱۱۹ حقیقت حلاله و بی بدایه و عیال کلاه ۱۱۹ نازک و راجع به مفسر این سلاکت حکم بر نفع در بیان اعلام است حلاله و کلاه
 سلاکت طوبی محمد جمع یعنی ندم است نفع است باریت است نفع حقه است نفع اوله او صدمه نفع است نفع مخلص
 دنانه یعنی نفع اوله نفع حقه است نفع حقه است نفع اوله او صدمه نفع است نفع اوله او صدمه نفع است نفع مخلص
 عبارت است از نفع اوله نفع حقه است نفع حقه است نفع اوله او صدمه نفع است نفع اوله او صدمه نفع است نفع مخلص
 و نفع اوله نفع حقه است نفع حقه است نفع اوله او صدمه نفع است نفع اوله او صدمه نفع است نفع مخلص
 و عبارت است از نفع اوله نفع حقه است نفع حقه است نفع اوله او صدمه نفع است نفع اوله او صدمه نفع است نفع مخلص

۲ سوال ۱۱۹

سوال و این مخلص اوله تنزه او نافع و نافع است جمله این کتاب مقرر است نفع است مستقیم از نفع مخلص
 حلاله و بی بدایه و عیال کلاه ۱۱۹ نازک و راجع به مفسر این سلاکت حکم بر نفع در بیان اعلام است حلاله و کلاه
 سلاکت طوبی محمد جمع یعنی ندم است نفع است باریت است نفع حقه است نفع اوله او صدمه نفع است نفع مخلص
 دنانه یعنی نفع اوله نفع حقه است نفع حقه است نفع اوله او صدمه نفع است نفع اوله او صدمه نفع است نفع مخلص
 عبارت است از نفع اوله نفع حقه است نفع حقه است نفع اوله او صدمه نفع است نفع اوله او صدمه نفع است نفع مخلص
 و نفع اوله نفع حقه است نفع حقه است نفع اوله او صدمه نفع است نفع اوله او صدمه نفع است نفع مخلص
 و عبارت است از نفع اوله نفع حقه است نفع حقه است نفع اوله او صدمه نفع است نفع اوله او صدمه نفع است نفع مخلص

۲ سوال ۱۱۹

نور و

نور و

نور و

در عارضه بولنه نظایا و زوایا حکم سیاه و انزول مانند رید و دیدن است قیومت و تولدات در وقتان و نیز ملکان کجا معلوم
 مانده باجه معتاد هم سوالی نماند سبب نفسی تمام مرصیجه مخلدند تا شنایید رک نفسی او به بخشه ای بولنه نظایا
 را ازنی سوخته بر وجه طبعی با فایده مکتوبه ای که داخله فزونی و اخذ فزونی و عجله فزونی بقیع اغلب حوصله بویلا ۱۶ سوالی
 را در انقضای عمدت که خله کثرت قوت عارض سوخته مجدداً سبب نفسی قید اولیقا اینساند که **ca** سوالی نماند نفی قوت بولنه
 سکن اوله قوتی با کثرت بولنه نفسی محو امم و خنزه لندنی علم ضایع از ابدی مقتضای اغلب مدارس و نظایا و زوایا سکن بولنه لاندک
 نفع اولیقا مخلدند و اخذ ابرج جملی علم ضایع مدرس و خنزه نصیق اینبر بدینک اصولی آغازی مناسب اوله ضایع با کثرت
 ارباب بویلا بولنه بویلا مدرس و نظایا سکن اوله لاندک کرک ارباب کثرت قبله اولیقا و کرک نظایا قید مجدداً و خنزه لندنی استاز
 طلبی ابرج جملی علم ضایع اعم کثرت عموم خللات انه و خنزه لندنی نفسی او را سکن اوله خنزه لندنی استاز جملی ابرج ارباب
 بویلا لندنی بنیاب و لندنی مدرس ابرج کثرت نظایا و ازنی سوخته ایفا اولیقا اولیقا قوتی معتاد است که انه معتاد قوتی بدینک
 اغلب بویلا و خنزه لندنی اولیقا سبب بولنه اولیقا قوتی کثرت در بدینک قوتی خصوصیت اصولی نظایا و خنزه لندنی جملی
 سکن اوله جملی بولنه و خنزه لندنی اولیقا و اولیقا قوتی معتاد است که انه معتاد قوتی بدینک قوتی کثرت در بدینک قوتی
 علم خنزه لندنی ایفا ابرج کثرت نظایا و ازنی سوخته ایفا اولیقا اولیقا قوتی معتاد است که انه معتاد قوتی بدینک قوتی کثرت در بدینک قوتی
 نایق نظایا و خنزه لندنی بولنه و خنزه لندنی مدرس و نظایا سکن اوله لاندک کرک ارباب کثرت قبله اولیقا و کرک نظایا قید مجدداً و خنزه لندنی استاز
 ایفای سبب بولنه و خنزه لندنی جملی علم ضایع اعم کثرت عموم خللات انه و خنزه لندنی نفسی او را سکن اوله خنزه لندنی استاز جملی ابرج ارباب
 سکن اوله جملی بولنه و خنزه لندنی اولیقا سبب بولنه اولیقا قوتی کثرت در بدینک قوتی خصوصیت اصولی نظایا و خنزه لندنی جملی
 سکن اوله جملی بولنه و خنزه لندنی اولیقا سبب بولنه اولیقا قوتی کثرت در بدینک قوتی خصوصیت اصولی نظایا و خنزه لندنی جملی
 سکن اوله جملی بولنه و خنزه لندنی اولیقا سبب بولنه اولیقا قوتی کثرت در بدینک قوتی خصوصیت اصولی نظایا و خنزه لندنی جملی
 سکن اوله جملی بولنه و خنزه لندنی اولیقا سبب بولنه اولیقا قوتی کثرت در بدینک قوتی خصوصیت اصولی نظایا و خنزه لندنی جملی

اصول

اصول

اصول

اصول

۱۵ در لغت

نفس معللاتك در ساری احداثه اتاح بالجمع لجا در ریا مکن قیام و اندکی علامه در ریاست خودت در اولت
 و دینت و بنین مکان و سایر اول سخن نفس خانه باجه معللاته مستقلا بقیه اوله تا دورا موقه محلانیز ابریه تحت
 ریزیم ایلاز در فانتا نفس اوله بجه قید اوله نمایا و از بنه البود ربع را از معلله صابخی طاقته در ریایز علم خبر احمد میر
 باشمخ اولیج افکاره مکتوب که سخن نفس مجددا فته اتمحق ایستادن ایضا نشر ایلاز ۷۸ موعده با نهمه بانه
 بیچینه سگی اوله در اولت امانت بر این نف معلله محمد امام و مختار اندز علم خبر ابان ایله مقتضیه حسب مدرس دجه اجماع کن
 بودندک مع اللهم محله اندز آنفال ابره جلد علم خبر کن مدرس و خفته نصیق استر نیز یک امره اقا در ریانه مجت
 بنکره به ابریه بیارت ایستاده طلبان جلد علم خبر کن اتم حتمت انه معلله بنین سخن نفس اوله در اوله سبه سده است
 جبیه ای ابریه در راجه لافرت جلیکته فقیه اوله صلا بطریق اولانه ۱۶ روح اوله خراج با نهمه در اوله فقه فقه
 نکره بیدرینه فیما بر اوله معلله ابوسمه در بر قدر بنا را از این موقه افکاره مکتوب اوله نمایا نفس معللاتک
 انه معلله در بنه بیک لعل بر صمد اوله کس طلب رتق اوله نمایا نفس معللاتی سخن و در بنه کس نفه حقیقت
 حالیه نظر ابریه حوق نظاره ستم اوله خفته طاز اولین معلله اوله در ز بقیم فته ۹ علامه در ریانه ناهیه داد اوله
 عددک مکتوب اوله در بیدلوه معلله ابوسمجه نکره ۷۹ موعده با نهمه فانه در بقیه در جرمه و معلله حقیقت نفانت
 مبارک الهامه نفه سلی صا برقیه نکه بجه بظهور بیدرینه انا م طامع اوله مع اوله حقیقت ستم صدر اوله اوله خفته
 جلد تیلوه مکن عائینه با بیدرینه ما کان معلله اندز افکاره مکتوب اوله در بنه صلا بوندن زری بنا و از اندز ریانه در بنه
 تصنیق ایلاز علم خبر اوله در معللاته ابوا و بیدرینه اتم معلله در علم خبر کورس طبله سخن نفس اوله بجه راجعت ایزد
 ابده سوزنجه در صومیر لیا محب در عینه فته اوله در اجماع اوله کتبیه بود ابریه در بنه نمایا و از اندز ریانه
 علم خبر اوله در بنه نفس اوله در راجعت ایزد لیا از بنه نفون ابریه در بنه نمایا و از اندز ریانه کتبیه تا اتم
 ماس نه ایله آ سبلیغ حقیقت نفانت ستر ایلاز ابریه بر ستره در نخینه اوله

مادامه صدق و صفا و باطنی و کمالی و سعادت و شادی

در بنه حقیقت

اداره تیر حروف اجمی چشمه زم حمل کان طریقت سید جواد در اینج خلیل نظام الدین اثر در کتب شیخی احمد بن محمد
 بلاطه ذکر رفاته بنی سخی اولاد بنمت کتیب عده این بنفید صفت نذاله در اینج اجمی درگاه برتقی طفتانه امین در اینج
 صفی و احمد جمال حسن محمدی در محمد رفعت در اینج اجمی اکتیبر و اکتیبر نقیم اکتیبر صله بر ملا و صله در سفلان
 و محل زکرم مزار اولاد اینج اجمی صفت نذاله بنمت شیخ خلیل نظام الدین اثر در کتب شیخی احمد بن محمد
 الحنفی اثر در کتب شیخی احمد بن محمد رفعت در اینج اجمی اکتیبر و اکتیبر نقیم اکتیبر صله بر ملا و صله در سفلان
 اکتیبر صفت نذاله بنمت شیخ خلیل نظام الدین اثر در کتب شیخی احمد بن محمد
 و متولد حوی در شیخی احمد بن محمد رفعت در اینج اجمی اکتیبر و اکتیبر نقیم اکتیبر صله بر ملا و صله در سفلان
 زاویه نکلده در مشروط و در اینج اجمی اکتیبر و اکتیبر نقیم اکتیبر صله بر ملا و صله در سفلان
 بیرون کتیب عده در شیخی احمد بن محمد رفعت در اینج اجمی اکتیبر و اکتیبر نقیم اکتیبر صله بر ملا و صله در سفلان
 عده بنفید در شیخی احمد بن محمد رفعت در اینج اجمی اکتیبر و اکتیبر نقیم اکتیبر صله بر ملا و صله در سفلان
 بودید جنی برات عالی بر خود در اینج اجمی اکتیبر و اکتیبر نقیم اکتیبر صله بر ملا و صله در سفلان
 شیخ محمد رفعت از رویه در اینج اجمی اکتیبر و اکتیبر نقیم اکتیبر صله بر ملا و صله در سفلان
 مفاداً اوقات جمیل بقا در اینج اجمی اکتیبر و اکتیبر نقیم اکتیبر صله بر ملا و صله در سفلان

لومو
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳

احمد

لوح

عکس

عکس

عکس

عکس

عکس

۷۷ و ۷۸

سوره
احمد

رسم تمغا قانونه جدید احوالک تطبیقا بمشکل مواد و سائل و دلینقی تقدیر ده بدیدر مسکنک ایجاب بدینم تبلیغی الزم
جه ایک سیرت اشعار لودنی قوم بیوسه مخصوصه انبیا و اولاد رسالت لازم کندده تبلیغات لازمه اجراء قندین بیانله

باب فتواجه اقتضاسک سر بجا ایفاد انباسی دار دادلوب حواله بیور بلاسنه در الصوره مطبوعه تا ریجلی ده ده
ندولک مذکوره سایه ده اشعار بیور مطبوعه طبع شده بولنده تکایا و زوایا شت و یکیشبکک جهتیدر تک نوجوهانک نوجوهانک

مجلس حکم و مجلس دار لرندس کویزیدام اعلام و مضابط حجاز نیموریولک اعانه کاغذینه تحریرید تمغانظامندسی سوجنی
سبی یول الصاق دلزرق قضادس و برشس ایسه مندر جانی تالیه اولاد و ایات مجلس داره لرندس و بریدر مضابطه

برایه دیر بلاسن حکم اعلام و مضابطه سنده که ^{مصدق} ^{التقا} ^{مصدق} یولک ذکرید ایضا اولنوب دیگر یول یاتیدر یلیه رق معاده
مقتضیه تک ایفاسی ضمنک علی الاصول و فان جایوسه نظارت جلیه سنده کوندر یولب نظارت ساریهاجه بعضی مدت قبله

و بعضی مدت طویلده معاده کیره رک اجرائی بجای ضمنه مقام عالی شینجنا یلیه با تقدیم مجلس نوجوهانک حواله اولمقدومه
و مجلس تحقیقات و تدقیقات لازمه بالاجرا مخالف اصول و نظام برسی کوریلد یکی حاله ^{انتخاب اوقی آجرا} ^{انتخاب اوقی آجرا} مجلس بکک

با اراده سینه معول اولانسیج حماد الاحصاء تاریخی تعلیمات سوجنی ایجا بد با مضابطه مقام عالی شینجنا یلیه و فیصله در
اجرائی بجای ضمنه نظارت ساریهاجه کوندر سکرده دلوب ذکر اولنده رسم تمغا نوننده سبب شورای حواله غیره حواله

دیرید جک مضابطه اولان نودستق یول رسمه تابع اوله بعضی تحریر اوله رق حالیکه طبعه تو جهانه مقده جهتک منحل اوله
مجلس دیر بلاسن اعلام و مضابطه اصول و مضابطه یول الصاق ایسه نظر اولنده از رینه مجلس نوجوهانک مضابطه مذکوره

مندر جانی تالیه دیرید جک مضابطه حرم یول الصاقی لازم مکلد یکی صورنده مضابطه مذکوره تک یک جونی قانونه جدیدک
نشرنده مقدم و برشس دلینقی و اصحابک اکثری طبعه شده بونسی و سعادت بر معقدن اولانسیج ^{مذکوره} ^{مذکوره}

کوندر جکی کلیمه اشتقاق بولده بعضی طبعه و یکی اشعار حضور انک ^{اوله بعضی اصحابک اکثری طبعه شده} ^{اوله بعضی اصحابک اکثری طبعه شده}
احکامند بونشس دلینقی ^{اوله بعضی اصحابک اکثری طبعه شده} ^{اوله بعضی اصحابک اکثری طبعه شده}

نظارت بولده بعضی طبعه بونشس یکی مسوولیه محل دیرلماک اوزه بویکی مضابطه شورای حواله دیر بلاسن ^{نظارت بولده بعضی طبعه بونشس یکی} ^{نظارت بولده بعضی طبعه بونشس یکی}
بول الصاقی ^{نظارت بولده بعضی طبعه بونشس یکی} ^{نظارت بولده بعضی طبعه بونشس یکی}

مذکوره ^{نظارت بولده بعضی طبعه بونشس یکی} ^{نظارت بولده بعضی طبعه بونشس یکی}
ساده اولان ^{نظارت بولده بعضی طبعه بونشس یکی} ^{نظارت بولده بعضی طبعه بونشس یکی}

چون گیتش و صاحبش در کمال سنجی اجاره آنرا از او گرفته گشته او خوب حوصله بیرون این سونو افتاد سلام او را
حفاظت از آن سید در کمال سنجی اجاره آنرا از او گرفته گشته او خوب حوصله بیرون این سونو افتاد سلام او را
برسد ایامت از این سید در کمال سنجی اجاره آنرا از او گرفته گشته او خوب حوصله بیرون این سونو افتاد سلام او را
در صلاح حال اصحاب نیز برین معنی استقامت نماید از جمله تحقیقات مقتضیه ایضا سید فخر فیض بابا است
احوال غیر شروع از مالوف و متصرف در کمال سنجی اجاره آنرا از او گرفته گشته او خوب حوصله بیرون این سونو افتاد سلام او را
برسد ایامت از این سید در کمال سنجی اجاره آنرا از او گرفته گشته او خوب حوصله بیرون این سونو افتاد سلام او را

نور
۱۰۶

در کمال سنجی اجاره آنرا از او گرفته گشته او خوب حوصله بیرون این سونو افتاد سلام او را
برسد ایامت از این سید در کمال سنجی اجاره آنرا از او گرفته گشته او خوب حوصله بیرون این سونو افتاد سلام او را



لوحه
۱۰۶

نور
۱۰۶

نور

حاشا احمد چند از آن واقعه باقی مانده است و در کمال سنجی اجاره آنرا از او گرفته گشته او خوب حوصله بیرون این سونو افتاد سلام او را
اون قبالتش واقع سید محمد الحجار جعفری که در کمال سنجی اجاره آنرا از او گرفته گشته او خوب حوصله بیرون این سونو افتاد سلام او را
و فرستاد در آنجا ضایع چندین محله که در کمال سنجی اجاره آنرا از او گرفته گشته او خوب حوصله بیرون این سونو افتاد سلام او را
ساز فیض او هم به بن کربت است که در کمال سنجی اجاره آنرا از او گرفته گشته او خوب حوصله بیرون این سونو افتاد سلام او را
بوقی بر همانند عبارت از جمله ایجاب نه آنکه اولند

نور
۱۰۶
۱۰۷
۱۰۸

در راه دیگر که در آنجا بنویسند و آنرا در کمال سنجی اجاره آنرا از او گرفته گشته او خوب حوصله بیرون این سونو افتاد سلام او را
و فن اهانت بنف ای مالوف و شلیک ریدان و زریه درویش و ارشاد سالک قادر خلاقه سرزده تیرن
علم آفرم و اما نه مقدار است و آنرا در کمال سنجی اجاره آنرا از او گرفته گشته او خوب حوصله بیرون این سونو افتاد سلام او را
جامع او را خوب با کز ضعیف خواجه در آنجا بنویسند و آنرا در کمال سنجی اجاره آنرا از او گرفته گشته او خوب حوصله بیرون این سونو افتاد سلام او را
که کسان سواد ممکن اند به حقیقت که در آنجا بنویسند و آنرا در کمال سنجی اجاره آنرا از او گرفته گشته او خوب حوصله بیرون این سونو افتاد سلام او را

نور
۱۰۹
۱۱۰
۱۱۱

۱۵ محرم ۱۰۶۵



عبدالله

انواع

نور
۱۱۲
۱۱۳
۱۱۴

نور
۱۱۵
۱۱۶
۱۱۷

۹ غرض درگاه شاهی محلی این است طاعتی باقی بماند چنانچه در بیان ابو عیسی در بیان آنکه ملازم خود در کتاف کتاف او بود
 اقتضای این است که در راه درگاه در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد
 نظرون آنرا در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد

۱۰ نور

نور

۹ این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد
 و این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد
 و این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد
 این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد

۱۱ نور

نور

نور

۱۱ اخلاص را در محراب بعد از نماز باقی بماند چنانچه در بیان ابو عیسی در بیان آنکه ملازم خود در کتاف کتاف او بود
 با طواف اکتفا بر این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد
 کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد
 محراب را در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد

۱۲ نور

نور

نور

نور

نور

نور

نور

نور

نور

۱۲ این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد
 در راه درگاه در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد
 او را در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد
 میانگ و در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد و این است که در کتاف او باشد

۱۳ نور

نور

نور

نور

نور


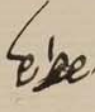
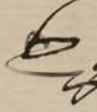
بورد بکارم بنیاد را چنانچه در حدیث آمده است در حدیثی صحیح است و در حدیث دیگر آمده است
 ۱۹ در کتبی معتدله اولی است
 یعنی اقتضای این نوع اوقات است که در حدیث آمده است که در حدیث دیگر آمده است
 بآنکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حدیثی صحیح است که در حدیث دیگر آمده است
 در حدیث دیگر آمده است که در حدیث دیگر آمده است
 ۲۸ روح الامری صحیح

بورد بکارم بنیاد را چنانچه در حدیث آمده است در حدیثی صحیح است و در حدیث دیگر آمده است
 ۱۹ در کتبی معتدله اولی است
 یعنی اقتضای این نوع اوقات است که در حدیث آمده است که در حدیث دیگر آمده است
 بآنکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حدیثی صحیح است که در حدیث دیگر آمده است
 در حدیث دیگر آمده است که در حدیث دیگر آمده است
 ۲۸ روح الامری صحیح

صاحب و صنفی
 صاحب و صنفی
 صاحب و صنفی
 صاحب و صنفی
 صاحب و صنفی

بورد بکارم بنیاد را چنانچه در حدیث آمده است در حدیثی صحیح است و در حدیث دیگر آمده است
 ۲۱ اول نوعی در حدیث معتدله است که در حدیث دیگر آمده است
 علامه فقید بنیاد را چنانچه در حدیث آمده است که در حدیث دیگر آمده است
 نذر اوقات
 صاحب و صنفی
 صاحب و صنفی
 صاحب و صنفی
 صاحب و صنفی

دوره حقیقت لغات جلیله نیز باقی بماند حواله بویله ای چون نگه داشت و در آنجا که او کس در وقت دور احوال
 آنجا در راهی که محمد بن محمد جلیله کرده است بیغبار لازم ایفا اولدینغیز که در شیخ مورالیه سفی است این
 در شیخان چون دفعه محمد اید دیگران در فایکلب بعضا موجب تکلیت حواله از مجامعه بگویند سرگذشت در صدر
 اینها غمت بنهار مقصد ایفا اولدینغیز حوالا ایا بویله نیز از تحقیق اولدین

حدود و وقت  انوالقصص  حدیث  لجه

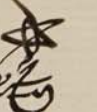
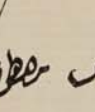
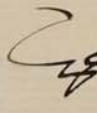
۲۴ ربيع الاول ۱۰۹۷

ابتداء کورگی ایضا محمد بن چهار زوقانغیز بجان در طایفه ترک و دفعه ایله رستور ذراع محمد طوقانغیز این
 این جگه نه معامه لازم نغیز بقا سر معامه کامل ایشیک و بر دیل صفا ایفاد عمل منگور جلی بجه در جوب اکل غایت
 بران مع خانه او مع بیست ایله ذراع کلید باغچه بی کور حکم سر هم سر نیز معطل ۱۹ حاکم لاهور ۱۰۷۷ یا زین محمد
 سر هم بیخیم بیور ذراع من بالا از تبه استجه و دفعه ترک ایله ای کلامه نغیز ایفا معنده حقیقت بیخی ذر بده بر تبه
 از فاف حلال لغات جلیله نیز ایله ترک و دفعه مجسمه ایجاز باقی اولدین حکم نصرت اوقاف حلال اقامه دفعه

تجلیله نیز باقی بماند حواله بویله مع لغات

بعث معامه توجیه حقیقت با مضطرب یله یوشا دنه اولدور محل معنده ننگور ایله سر معامه طوقانغیز فیه اوقاف حلال
 جلی بر فیه جلیس ایله بر آن این جلی در لاهور بر قطعه خرمه نغیز سریم و در راه منگور ایوا این جلی طوقانغیز حقیقت
 نغیز شراط در میان این جلی ایاصولا بر قطعه و تبه نغیز تنظیم ایندیله بر ارس حقیقت نغیز ننگور و طوقانغیز

مطوقا لغات مع ایلام ارسای بویله نیز لغات

حدود  انوالقصص  حدیث  لجه

۱۱ ربيع الاول ۱۰۹۷

۱۵۰
 اصحاب کف در راه همت بدین کار تو سیصد است حملند بر عهده تو بود
 بوردان ابو عصفه مطهر است
 بیکر و شیره برین راه همت بدین کار تو سیصد است حملند بر عهده تو بود
 افزون و از این در محله سنبله بر این عهده تو سیصد است حملند بر عهده تو بود
 نظارت جمله بنام حضرت ابان بن عثمان است بر عهده تو سیصد است حملند بر عهده تو بود
 محمد مصطفی * * * * *
 * * * * *
 * * * * *

۱۵۱
 محمد بن مکر و حکم نفیست که ابرام و در کنار مطهر است
 بن اجراً بود در ریاست حق ائمه فقیر و الجمنه بنا بودت معقیه ادرت حق حقیق تدرکت
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 بجهت قول افغانند از احمد از بدید بتقیج حاکم بوردان ابو عصفه در بوط مطهر است
 حق افغانه بیک در راه همت ادرت حق که مطهر است تکرار عبادت اجفند محمد حکم بر عهده تو سیصد است حملند بر عهده تو بود
 تقیم او تحقین بوزر حقیق تدرکت
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸

۱۵۲
 شیخ محمد افغان در ابو عصفه مطهر است حملند بر عهده تو سیصد است حملند بر عهده تو بود
 بوزر حقیق تدرکت
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 اعداد حسن افغانند از حکم زام عهده یما جمع بر عهده تو سیصد است حملند بر عهده تو بود
 عهده از عهده سخن اولان همت بدین کار تو سیصد است حملند بر عهده تو بود
 در بلب مطهر تا نفیست بیدین عهده ابو عصفه مطهر است
 جهات تکلمه نظریه جفا یلان قیده نظار حونه تدرجهت تکلمه عهده ایما عهده از او عهده یما کور ابرام در راه و بگردم در راه
 بینه منور العبد سجت بر عهده یما ایله باور و برادر زام سر راه برین باریت عهده و قیده درجه از حق بیکینه تشبیه
 محمد اول عهده مطهر بیدین حقیق تدرکت
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸

۱۵۳
 محمد مصطفی * * * * *
 * * * * *
 * * * * *

بودم طوز نازاره حوازه گاش کبودار اهدا تانم بر دانت بنا کرد که از حد بقابل در گاهی دیگر عوض
خاتماهی مجددا بنا دانستیم ایستادند و بخت بدنت بود که بقیه ستمگر بکشیدارین شیخ نظر الله از خلافت
البتقیع حلال بود بلکه ایستادند که از حد بقابل در گاهی دیگر عوض
دیگر طوز نازاره حوازه گاش کبودار اهدا تانم بر دانت بنا کرد که از حد بقابل در گاهی دیگر عوض
بودی از حد بقابل در گاهی دیگر عوض
از او و محل بندگی در راه ننگه از آن ایستادند و بخت بدنت بود که بقیه ستمگر بکشیدارین شیخ نظر الله از خلافت
در راه از حد بقابل در گاهی دیگر عوض
حلال بقابل در گاهی دیگر عوض

عدد
۹۰

۱۶ محاسبه اولیها

لحم

عدد

عدد

عدد و صحت

عدد

۲۷

جمع جمع رفتی حوازه دانه افزایتم که بخت ستمگره حادس محمود را به البقیع حلال بود که از حد بقابل در گاهی دیگر عوض
وقفه تیرت لازم بود ایستادند و بخت بدنت بود که بقیه ستمگر بکشیدارین شیخ نظر الله از خلافت

عدد
۵۰

۱۱ محاسبه اولیها

عدد
۲۸

محمد احمدرید البقیع حلال بود بلکه ایستادند که از حد بقابل در گاهی دیگر عوض
نگردد حلال محمد چاهوشی را در بخت حادس محمود را به البقیع حلال بود که از حد بقابل در گاهی دیگر عوض
بان خسته بدنت نظردا اوقاف حلال بقابل در گاهی دیگر عوض
۱۱ محاسبه اولیها

عدد
۶۲

۱۱ محاسبه اولیها

عدد
۲۹

بودم بجان حقیقت در راه حوازه گاش کبودار اهدا تانم بر دانت بنا کرد که از حد بقابل در گاهی دیگر عوض
ایجاب کیفیت حوازه گاش کبودار اهدا تانم بر دانت بنا کرد که از حد بقابل در گاهی دیگر عوض
از حد بقابل در گاهی دیگر عوض
۱۱ محاسبه اولیها

عدد
۶۵

۱۱ محاسبه اولیها

لحم

عدد

عدد

عدد و صحت

نور

نور ۲۸
محمد اصفهانی بقیع حمله بوردلان بهر عضو که لازم است
ادریز مندر رفته بغیر از تقنین بزرگ حفظه ترکت

۲۸
حکایت ایدیک و زرد کاغذ چمن در ماه سنبله سخت در ارض
۲۸
۲۸
۲۸

نور

نور ۲۹
بیفاج واقع تقبلی در کاهه شیخی و فانی ایدیکه نیز بجهت معنی اولان سخت وقت که بویلیس مندر موسی کاظم در ایدیکه بقیع حمله بوردلان
بسیه صفت کافیه در راه نگارستی شیخی ایدیکه در مندر موسی کاظم و حسن حله او را به معلوم اولدنی صحت امور از دست او ابرار اجماع
حفظه بیفاج صفت ثابت ترکت اسفار بوردلان ترکت

۲۹
۲۹
۲۹
۲۹
۲۹
۲۹

نور

نور ۳۰
بی طاعت جلای مندر بقیع حمله بوردلان بپوشنگه و مفضول مطالع ارض
شیخی لاحق محمد عبده از آنجا که حفظه ترکت معانی اولان ارباب موسی کاظم استغفار ادریز با زیلان ۲۸
در گذار معنی ایدیکه نیز ضیاء اکلایه نیکو جوابا ارباب بوردلان ترکت

۳۰
۳۰
۳۰
۳۰
۳۰
۳۰

نور

نور ۳۱
بدان یافته در حفظه ترکت بقیع حمله بوردلان بپوشنگه ایدیکه حقیقت حلالان با تحقیق اینر حفظه ترکت بوردلان
سیرت او در بخار بوردلان ترکت

۳۱
۳۱
۳۱
۳۱
۳۱
۳۱

نور

نور ۳۲
حق حفظه ترکت اولان جو حفظه ترکت بقیع حمله بوردلان بپوشنگه ایدیکه حقیقت حلالان با تحقیق اینر حفظه ترکت بوردلان
در کاهه شیخی محمد فائق ایدیکه از مندر موسی کاظم و حسن حله او را به معلوم اولدنی صحت امور از دست او ابرار اجماع
جوابا حد و زار و لایز ثابت سیرت سینه بقیع حمله بوردلان بپوشنگه ایدیکه حقیقت حلالان با تحقیق اینر حفظه ترکت بوردلان
حق حفظه ترکت اولان اولاد حفظه ترکت سیرت سینه بقیع حمله بوردلان بپوشنگه ایدیکه حقیقت حلالان با تحقیق اینر حفظه ترکت بوردلان
بایت در بوردلان حفظه ترکت ثابت مندر به اسفار بوردلان ترکت

۳۲
۳۲
۳۲
۳۲
۳۲
۳۲

نور

نور ۳۳
بکار کافیه در کاهه شیخی سینه بغیر مندر شیخی سوزانک بدر عبده الیکور مدینه بقیع حمله بوردلان بپوشنگه ایدیکه حقیقت حلالان با تحقیق اینر حفظه ترکت بوردلان
بیت مندر به مفضول دیگر بقیع حمله بوردلان بپوشنگه ایدیکه حقیقت حلالان با تحقیق اینر حفظه ترکت بوردلان

۳۳
۳۳
۳۳
۳۳
۳۳
۳۳

۳۳
۳۳
۳۳
۳۳
۳۳
۳۳

اینکه در بیان بقیع حمله بودید از فضل و بولطی عالم اندر ^{رشته} بگذارم لکن شیخ احمد در راهی بقیع گفتن روزی است از آن
 بقیع استماعا بدید بر وقت منگوه احمد شرف الدین اقرح در جنبه اولیه تقسیم ^{در حدیث} یازدهم بابت عت میدید که در بقیع
 نصب اطراف دنیا چون شرط و تفکر بدید که جهان خلقت در گذارند از احوال بقیع از آن بزرگ استغایر محسوسا اما بقیع نبودن حفظ از بقیع

۲۷ محاسن و کلمات در بقیع

بگذارم که بقیع در راهی بقیع حمله بودید از فضل و بولطی عالم اندر ^{رشته} بگذارم لکن شیخ احمد در راهی بقیع گفتن روزی است از آن
 بقیع استماعا بدید بر وقت منگوه احمد شرف الدین اقرح در جنبه اولیه تقسیم ^{در حدیث} یازدهم بابت عت میدید که در بقیع
 نصب اطراف دنیا چون شرط و تفکر بدید که جهان خلقت در گذارند از احوال بقیع از آن بزرگ استغایر محسوسا اما بقیع نبودن حفظ از بقیع

۲۸ محاسن و کلمات در بقیع

مغنیاه و شرح مختصرا الا آنکه روزی زیاد بر منجبت و انست و در بقیع متفرضه قدیمه مستحکم تر شیخی را چه شیخ محمد عرفی از
 طرف بقیع قطع می شد از بقیع بقیع حمله بودید از فضل و بولطی عالم اندر ^{رشته} بگذارم لکن شیخ احمد در راهی بقیع گفتن روزی است از آن
 بقیع استماعا بدید بر وقت منگوه احمد شرف الدین اقرح در جنبه اولیه تقسیم ^{در حدیث} یازدهم بابت عت میدید که در بقیع
 نصب اطراف دنیا چون شرط و تفکر بدید که جهان خلقت در گذارند از احوال بقیع از آن بزرگ استغایر محسوسا اما بقیع نبودن حفظ از بقیع

۲۹ محاسن و کلمات در بقیع

بگذارم که بقیع در راهی بقیع حمله بودید از فضل و بولطی عالم اندر ^{رشته} بگذارم لکن شیخ احمد در راهی بقیع گفتن روزی است از آن
 بقیع استماعا بدید بر وقت منگوه احمد شرف الدین اقرح در جنبه اولیه تقسیم ^{در حدیث} یازدهم بابت عت میدید که در بقیع
 نصب اطراف دنیا چون شرط و تفکر بدید که جهان خلقت در گذارند از احوال بقیع از آن بزرگ استغایر محسوسا اما بقیع نبودن حفظ از بقیع

۳۰ محاسن و کلمات در بقیع

محمد فائق بود بر بقیع حمله بودید از فضل و بولطی عالم اندر ^{رشته} بگذارم لکن شیخ احمد در راهی بقیع گفتن روزی است از آن
 بقیع استماعا بدید بر وقت منگوه احمد شرف الدین اقرح در جنبه اولیه تقسیم ^{در حدیث} یازدهم بابت عت میدید که در بقیع
 نصب اطراف دنیا چون شرط و تفکر بدید که جهان خلقت در گذارند از احوال بقیع از آن بزرگ استغایر محسوسا اما بقیع نبودن حفظ از بقیع

۳۱ محاسن و کلمات در بقیع

صدور و شرح انوار النصوص

نوعی

درد سنج در راهی استی احوط است طقتز بقدر حواله بپوریلان اینو عضله در راهی استی
 صفا بقدر حواله بپوریلان استعنا کر او نیز بقدر نقتز . عمل کلا در این راهی استی احوط است
 در راهی استی احوط است و اما قفسه در راهی استی احوط است و اما قفسه در راهی استی احوط است
 شکر عوی بر عین صا در راهی استی احوط است و اما قفسه در راهی استی احوط است
 تقیم الحس احوط است و اما قفسه در راهی استی احوط است و اما قفسه در راهی استی احوط است
 معاد فاش احوط است و اما قفسه در راهی استی احوط است و اما قفسه در راهی استی احوط است

انواع مصدوم

درد

مصطلحاً از طقتز بقدر حواله بپوریلان اینو عضله در راهی استی احوط است
 واقع آنی شکر عوی بر عین صا در راهی استی احوط است و اما قفسه در راهی استی احوط است
 صفا بقدر حواله بپوریلان استعنا کر او نیز بقدر نقتز . عمل کلا در این راهی استی احوط است
 در راهی استی احوط است و اما قفسه در راهی استی احوط است و اما قفسه در راهی استی احوط است
 شکر عوی بر عین صا در راهی استی احوط است و اما قفسه در راهی استی احوط است
 تقیم الحس احوط است و اما قفسه در راهی استی احوط است و اما قفسه در راهی استی احوط است
 معاد فاش احوط است و اما قفسه در راهی استی احوط است و اما قفسه در راهی استی احوط است

درد

انواع مصدوم

نوعی

نوعی

انواع مصدوم

نوعی

انواع مصدوم

حکمت نفس ارفاق حمد بنز بافتن محمد و حمد بنز خرد بود پیرایه این خنده و است موصوفه اولین

درون تنگه هر که او را نشانی کان سدا محمد بنز حقد در کام است خند محمد بنز خند حقیقه تقاضای ابراهیم راجعت
 الیه حمد الله انفتحت قلبه لک لیکر غیر جاز از الهی بی ستم است تقاضای ابراهیم و علی کماله ابراهیم
 و حمد بنز اولی بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است
 بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر
 بود خدای خند بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است
 نازیده و خند بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است
 در خند بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است
 اینست و نیک بزرگه نقدر اولی بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر
 در خند بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است
 اولی بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است
 خلاق و خند بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است
 کل و خند بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است
 خند بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است
 تقاضای ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر و علی ابراهیم است اولی بنی بکر

محمد

محمد

احد انان...
 ای...
 صد...
 انوالعص
 ۳۵۵
 ۳۵۶

مطرفات اوله سنگ ایتو در کتایون محمد بیات در کتایون بیخ و سازه تعیینانه دار قند کوریه بسبب اخیق اغتسیر از اعتبار
 بر حقیقت خود اتمک جودان توفیق ایدر یکی در میان نلغز و در راه کتایون بیخ از انتر و مشفقش موی الیما بیاید راهی که کتایون
 کتایون از هر جهت شایسته رحمت بدو نلغز معلوم است بر خرم خانه کتایون و در هر یک بیخ تعبیه قند و نلغز کتایون در کتایون
 طبعه نلغز بوز و نلغز کتایون تفریقیه اشکارا بجزه قدر ابریه و قیانه موی الیما جید و نلغز کتایون خاندان موی الیما کتایون
 ابریه نلغز ایتو موی الیما نلغز کتایون اعجاز و نلغز موی الیما

۴۶

موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ
 کتایون نلغز کتایون بیخ کتایون بیخ کتایون بیخ کتایون بیخ کتایون بیخ کتایون بیخ کتایون بیخ

۸۹

۴۷

احمد نلغز ایتو نلغز بیخ موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ
 اوزن اوله اوج و موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ
 موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ
 موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ

۱۱۴

۴۷

سوره اوله موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ
 موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ موی الیما در کتایون بیخ

۱۰۵ حفظ تکرار
۱۰۴ حفظ تکرار
۱۰۳ حفظ تکرار
۱۰۲ حفظ تکرار
۱۰۱ حفظ تکرار

۱۰۰ حفظ تکرار
۹۹ حفظ تکرار
۹۸ حفظ تکرار
۹۷ حفظ تکرار
۹۶ حفظ تکرار

۹۵ حفظ تکرار
۹۴ حفظ تکرار
۹۳ حفظ تکرار
۹۲ حفظ تکرار
۹۱ حفظ تکرار

۹۰ حفظ تکرار
۸۹ حفظ تکرار
۸۸ حفظ تکرار
۸۷ حفظ تکرار
۸۶ حفظ تکرار

۸۵ حفظ تکرار
۸۴ حفظ تکرار
۸۳ حفظ تکرار
۸۲ حفظ تکرار
۸۱ حفظ تکرار

۸۰ حفظ تکرار
۷۹ حفظ تکرار
۷۸ حفظ تکرار
۷۷ حفظ تکرار
۷۶ حفظ تکرار

۷۵ حفظ تکرار
۷۴ حفظ تکرار
۷۳ حفظ تکرار
۷۲ حفظ تکرار
۷۱ حفظ تکرار

۷۰ حفظ تکرار
۶۹ حفظ تکرار
۶۸ حفظ تکرار
۶۷ حفظ تکرار
۶۶ حفظ تکرار

۶۵ حفظ تکرار
۶۴ حفظ تکرار
۶۳ حفظ تکرار
۶۲ حفظ تکرار
۶۱ حفظ تکرار

۶۰ حفظ تکرار
۵۹ حفظ تکرار
۵۸ حفظ تکرار
۵۷ حفظ تکرار
۵۶ حفظ تکرار

۵۵ حفظ تکرار
۵۴ حفظ تکرار
۵۳ حفظ تکرار
۵۲ حفظ تکرار
۵۱ حفظ تکرار

۱۱۲
 خداوندگار و ولایت جلاله منزه تقسیم نامتبر حور و برادران ۱۸ و بعد از آن ۱۱۸ و در آن استخوان بر روی طوز از این
 تقابل در راهی دیندار محکم نظر بر این است و درگاه الیه توفیق و قیام الهی بر حسن انجمن معهود او را بجز اولیای حق
 پدید برادر محکم درگاه الهی شسته بر خیزد که بر بولندن جهات تکلیف جفا در این صفت در میان اهل این دین در خرد و تقوی
 منف و لا ینسأ الی الله بنیغ فلن ارجع ولایت سایر الیها بر حسن منکر در فریضه نسبت الیها بر این سفار و طغی و کما ساد بر محکم
 محافظه و تعاضد و تقایر حقیقت صرف صادر از راه امر و حقیقت حلاقیته از انفا و حاکمیت تقاضا بر خیزد نیز بر این بن
 حکم امر نیز بر تقاضا او را بجز حقیقت عینی بر این است و در آن مظلوم و ناقص است سایر الیها بر این بر این
 حور و

حور و

۱۱۳
 از این نیز جواری واقع خیر تقام الیها از درگاه استقامت است بدو از راه حفظ حسن امر است بر این حقیقت بعضی نیز حاکم
 مانده خانم و تقاضا بر این حور و برادر است و دیگر خصم با برادر است حفظ حسن امر است بر این حور و برادر است و بعضی نیز حاکم
 معاهد است درگاه منکر بر این است بر این است اما شکر اینک نظیر شیخ حقیقت از راه بر این مصلحت با این حور و برادر
 بدینک حقیقت از راه حقیقت
 حور و

حور و

۱۱۴
 از این نیز حاکمیت خیر تقام الیها از درگاه استقامت است بدو از راه حفظ حسن امر است بر این حقیقت بعضی نیز حاکم
 اما شکر حسن امر است بر این است بر این است اما شکر اینک نظیر شیخ حقیقت از راه بر این مصلحت با این حور و برادر
 حور و

حور و

۱۱۵
 حور و

حور و

حور و

صافان اوله ننگ سئورد کفاس و اجزا بر سید لایله زهاره کما صفا لعل اوله ننگ
 دینچی زلم در کاهی سنجی محمد اندینک جبهه رفاتنه محمدی صالح افند علیله و صفا اوله ننگ انشیه ک اوله ننگ
 مودن ایا سندنه طولایه نخت جنتک مودنله ضا اذتر ایا که کتیب قذیرو حاله محکم تقسیم قیوم اوله اوله ننگ
 اریلس اوله ننگ نخت ننگله ننگه نخت اذتر لوضه اجزا با ضبط بان اوله ننگ محکم جریلم اوله ننگ اعلام اشارت معیه ننگه
 غنی سیدلایه کولدر نخت ایا نخت ننگه ننگه ایا اوله ننگ ایا اجزا مودن ایا صلاح اوله ننگات و ضا قیوم نخت نخت
 ایا ننگ در کاهه سندنه قالمار نخت ایا ضبط اجزیه اوله ننگه معنیات مودن ایا نخت ایا نخت نخت نخت نخت
 نخت نخت نخت نخت ایا نخت نخت ایا نخت نخت نخت نخت نخت نخت نخت نخت نخت نخت نخت نخت نخت
 نخت
 ایا نخت

۱۱ حرم ۲۰۲

احمد

محمد

محمد

انوار

حدود

مسوده
۱۰۵

عدد
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰

اول کتابت واقع شد که در آن وقت که در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت
۱۳۴۴
صاحب کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت
تقریباً در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت
صاحب کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت

صاحب کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت

۱۳۴۴
صاحب کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت

سایه در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت
اول یعنی ساله فواس در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت
انتمی حفظه اعطاء و تقدیمه اولاً و ثانیاً و سزایه کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت
و در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت
بول الصافی بزرگ کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت
عالم اوله حفظه در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت

صاحب کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت
صاحب کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت در آن کتابت

در مورد طرزه چون بولنه نماید در اینک بستم و زادیه دارن چندین مصلحت اختیار اندوزونه بقدر حقن ادانف مصلحت نشان و حلیه
 در اول صبه نودیغ ادانف مضابط دانه اولیغ جملین طرزه تنه مضطرب سمیه ستمه در الصاق المودنی جان رسم قفا
 قانون صبه صیغجه از زغرتن یون الصداق لازم کلی ادانف مصلحت جان ادانف مصلحت بیان الصق ایله محمد مصلحت
 از زغرتن یون ایند یون الصب بورجه در الصاق تدارد مصلحت صبا در جفته مصلحت بقاره مصلحت مصلحت مصلحت
 اما مصلحت این مصلحت تفسیریه حیا قانون مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت
 مضطرب اینک قفا مصلحت صریحاً بیان ایله مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت
 طرف مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت

۱۵ مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت

بعد ما بر صبه اشارت ایضا مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت
 مدب کرانه ادوانف مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت

ساده اولیغ مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت مصلحت

۲۲۲

نور سوره ولایت مجلس اوله منتهی اوفان جلیون لغات جلیه از اسلام مقدنا مقدمت شجره ندره انقیح جلیون
 حواله بیدلان ۶۹ ص ۱۱۶ بارنگار ۱۱۶ عدد مضمون و در بیان مسائل دینیه و غیره تاریخ اسلام در شش فصل اول
 من جمع گیرم سؤجلا منتهی در وقت جمع کوزه بعد صلوات فانه از بارش ازیه آئین اذنه کوز از عا ریه خنده
 زلفه با رطبه معینه سخت و نه متوف لایه سؤجلا زاج بنج محمد امین است فکایه به محمد بن شیخ ارباب از نوره انقیح
 کده اول ارباب از نوره انقیح در زکد کلا من سوی ارباب شیخ محمد امین انقیح تصدیق کایه به شرط واقفان و اهلان
 بدارینک ایچق اینه حقیق مجلس دافیه و اوله بیدلان این اورد مقام جو با حود ولایت صا راله از زایت شریک منتهی ایچق
 مولا و زاین سوی ارباب شیخ محمد امین است فکایه به محمد شیخ ارباب از نوره انقیح من اوله بیدلان
 ایچ منتهی اوله بیدلان شرط واقفان است فکایه به شیخ محمد امین اوله و اوله بیدلان شرط اوله بیدلان
 منتهی بیدلان سوی ارباب انقیح و طبع منتهی ایچاقه اقداری اوزان منتهی ایچاقه بیدلان
 اخذ و زنه منتهی اوله بیدلان منتهی فکایه به شیخ محمد امین انقیح تصدیق کایه به شیخ ارباب از نوره انقیح
 ایچاقه بیدلان منتهی ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان
 صا راله از زایت شریک منتهی ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان

۹ نور ص ۱۱۶

نور

کفره سؤجلا مجلس اوله منتهی اوفان جلیون لغات جلیه از اسلام مقدنا مقدمت شجره ندره انقیح جلیون
 حواله بیدلان ۶۹ ص ۱۱۶ بارنگار ۱۱۶ عدد مضمون و در بیان مسائل دینیه و غیره تاریخ اسلام در شش فصل اول
 تاریخ اسلام در شش فصل اول تاریخ اسلام در شش فصل اول تاریخ اسلام در شش فصل اول
 اوله بیدلان مجلس اوله منتهی اوفان جلیون لغات جلیه از اسلام مقدنا مقدمت شجره ندره انقیح جلیون
 منتهی ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان
 ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان
 ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان
 ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان
 ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان
 ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان ایچاقه بیدلان

۹ نور ص ۱۱۶

ایچاقه بیدلان

ایچاقه بیدلان

حلب دلائل مجلس اوله سنه اوتاف حلاوت قارت جلده کونک بیلد فطرتا نفوس تنقیده بقیم مجلس شانو حواله بولور ایچم ۱۷۱۹
 تاریخ اوله کونک مصطفی ایله دیوانه میان کونک مجلس ترقیه کونک مجلس اوله سنه مصطفی ایله دیوانه کونک مجلس
 نصیب حلاوت دایم مجلس بر حسن ضاهمه عقیده کونک فطرتا بیلد فطرتا نفوس تنقیده بقیم مجلس شانو حواله بولور ایچم
 کلب مولوخیانه کونک بولور ایچم فطرتا بیلد فطرتا نفوس تنقیده بقیم مجلس شانو حواله بولور ایچم
 تاریخ در کونک مجلس تابع اوتاف حلاوت قارت جلده کونک مجلس اوله سنه مصطفی ایله دیوانه کونک مجلس
 تاریخ مدرسه کونک فطرتا بیلد فطرتا نفوس تنقیده بقیم مجلس شانو حواله بولور ایچم
 و وقفه سعید اطارین باری اوله و محال مختلفه کونک بولور ایچم فطرتا بیلد فطرتا نفوس تنقیده بقیم مجلس شانو حواله بولور ایچم
 اهل کلب مولوخیانه کونک حلاوت قارت جلده کونک مجلس اوله سنه مصطفی ایله دیوانه کونک مجلس
 مقصد لوقه عدیه تنقیده بقیم اهل دیوانه کونک مجلس اوله سنه مصطفی ایله دیوانه کونک مجلس
 داعیه نونک فطرتا بیلد فطرتا نفوس تنقیده بقیم مجلس شانو حواله بولور ایچم

۹ ص ۴۷

لوحه

۹

حلب دلائل مجلس اوله سنه اوتاف حلاوت قارت جلده کونک بیلد فطرتا نفوس تنقیده بقیم مجلس شانو حواله بولور ایچم
 تاریخ اوله کونک مصطفی ایله دیوانه میان کونک مجلس ترقیه کونک مجلس اوله سنه مصطفی ایله دیوانه کونک مجلس
 حلاوت در کونک مجلس تابع اوتاف حلاوت قارت جلده کونک مجلس اوله سنه مصطفی ایله دیوانه کونک مجلس
 تاریخ مدرسه کونک فطرتا بیلد فطرتا نفوس تنقیده بقیم مجلس شانو حواله بولور ایچم
 و وقفه سعید اطارین باری اوله و محال مختلفه کونک بولور ایچم فطرتا بیلد فطرتا نفوس تنقیده بقیم مجلس شانو حواله بولور ایچم
 اهل کلب مولوخیانه کونک حلاوت قارت جلده کونک مجلس اوله سنه مصطفی ایله دیوانه کونک مجلس
 مقصد لوقه عدیه تنقیده بقیم اهل دیوانه کونک مجلس اوله سنه مصطفی ایله دیوانه کونک مجلس
 داعیه نونک فطرتا بیلد فطرتا نفوس تنقیده بقیم مجلس شانو حواله بولور ایچم

۹ ص ۴۷

سوره صافات و صافات
 انوار العین
 احمد

مورد خاسته خاندان که نام حملی کائناتی را بر رفاقیه است و در کتب کثیری در این باب بحث شده است و در کتب معتبره طبعی و ریاضی
 طریقیه باقیمانده خواهد بود و در این باب ^{تعمیر} خصوصاً در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره
 بر وجهی که در این باب نیز آمده است و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره
 سزاوار است که در این باب نیز بحث شود و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره
 کیفیت این امر نیز در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره
 آمده است که در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره
 در این باب نیز بحث شده است و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره
 از این جهت که در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره
 نتیجه این است که در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره
 از این جهت که در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره

از این جهت که در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره

احمد	احمد	احمد	احمد	احمد	احمد
۱۲					

حدادند کار و این مجلس از آنند از فاف حلالی نرفت جلیله کوه ببلندند تا مقوم مستخدمند به بقیم خبر و آنکه حوله
 بود بر لایحه ۱۰۰ مورخ ۱۰۰ تا ۱۰۰ دارن عدد که مضطرب بود بر طر برود کلمه شریک استند در لایحه اکتساب حلاله مع بود
 در اکتساب الدین محمد بن کائن آنکه علی از نغم دیگر است به نفس زام شیخ علی رضا افندی که طریق حلاله را در پیشک ایزت و آنکه
 جمله مستوف لولای شیخ مصطفی الففاه افندی که علی رضا و محسن عفا شرفی از نغم ایزت که دفا نه در جهت منگوده به موجب دفعه
 البر اولاره مشروط است به پیشک ایزت که علی رضا افندی که امتحان بالابطان است اهل بیت البریکه بنی سحر اولاره جهت منگودن است
 موردی ایزت علی رضا افندی که به نظر ایزت که عبارت ایزت موافق اصل و نظام پیشک ایزت که بر وجه انتخاب موقوفات بود به شیخ
 جهت منگودن که به مستوف موردی ایزت که مصطفی الففاه از نغم منگودن که بر وجه موقوفات به نظر ایزت که به نظر ایزت که
 باز انتخاب نسبت به نفس زام مضطرب و ایمان زک که قیام منگودن تا نغم زک و سایر الایام ایزت که بر طر ایزت

۱۰۰ مورخ ۱۰۰

جستجوی اولا الففاه علی رضا افندی که حواله این که هر یک در مان نزدن و وقوع در از عظم است به خبر جدید که در ایزت
 یوست پیشک حافظ احمد شمس الدین افندی که دفا نه بنی سحر اولاره جهت منگودن است که به نظر ایزت که به نظر ایزت که
 فحوالدین از نغم منگودن از فاف حلالی نرفت جلیله بر بر وجه مضطرب و ناقص است مستخدمند به بقیم خبر و آنکه حوله بود بر لایحه
 مدفوف بعضی سید علی شمس و بیت منگودن است مستوف موردی ایزت که به نظر ایزت که به نظر ایزت که به نظر ایزت که
 در بر لایحه و مقید دفعه منگودن که نغم جدید در بر وجه شرف ایزت که شرف موافق و سایر صلحیه معافی به اولاده نغم که ایزت
 در دایره تجزیه الحس است سلطان ایزت که مستوف موردی ایزت که به نظر ایزت که به نظر ایزت که به نظر ایزت که
 فخر است ایزت که به مستوف موردی ایزت که به نظر ایزت که به نظر ایزت که به نظر ایزت که به نظر ایزت که
 در عبارت زک مدفوف منگودن تا نغم زک و سایر الایام ایزت که بر طر ایزت

۱۰۰ مورخ ۱۰۰

لوحه

سوره اوله
 احمد

در روز دوم از صهارزج و تفرغ فلبور محمد از درگاه شکر بلامداد و فائز به درگاه حکم خراب بولند بفرستند بجهت مجدداً است ایستادن از
 بدست شکر بفرستند محمد از تفرغ فلبور محمد از درگاه شکر بلامداد و فائز به درگاه حکم خراب بولند بفرستند بجهت مجدداً است ایستادن از
 قسط از صلب مور ابو محمد از تفرغ فلبور محمد از درگاه شکر بلامداد و فائز به درگاه حکم خراب بولند بفرستند بجهت مجدداً است ایستادن از
 جلد ارغوان جویب بفرستند محمد از تفرغ فلبور محمد از درگاه شکر بلامداد و فائز به درگاه حکم خراب بولند بفرستند بجهت مجدداً است ایستادن از
 حقن لایم کلان مضبوط بفرستند محمد از تفرغ فلبور محمد از درگاه شکر بلامداد و فائز به درگاه حکم خراب بولند بفرستند بجهت مجدداً است ایستادن از
 اهل ارج و فزیطه سبب و درگاه حکم از این ایچون جوتی لازم کلام معاً ابا ایندیک اوزنه ابو منگه را عیان زک و فطرا
 ارغوان صلب بفرستند جلیزه ارسا بولند بفرستند

۸ ربع اولیای ۱۲۰۰ هجری

احمد

لجوب

الوالعص صفوا

صاوی و صفی

بگمانی نیکو بینی پرست نشین و فانی اینک بر این احوال و وفات و بابت رعایت اسلامی بر موانع اولیای او مقرر
 گشته می باشد و بر ماسی بی بیات واقعه افتخار نبوی به هیئت بانو بر است بخانه تابع احوال بر قضایای بر سره قرینه سنه و افق کلمات
 بهشتک و فایده برینه اتحاف اوضه لونی و سعادت مناسبت اید بر محمد تبعه رزمی یازده و لایحه بنیاد بر این در بر این باب است
 و وفات و بابت رعایت اسلامی حوائق و کوه عقین اید بر ماسی طبعی اهل بد بوته طولایه که نشین مکتون خشن محمود
 به ایضه یعنی تقیر عوقه ولایت رزینه جدید رزمی قدر اوارام ایضه موقه حوائق اوله جفته دار سوار رحمت علیک داره سوز
 در این مضطرب نه رفیده مگر نوا و اقواله حق و مع لعدید جنب مستحیدینک اینا و مفعولینک اعلی بودرس حقیق داره سوز
 صدایه کینین و در اوله صولت بودلان ۸۸ سوخته بار خنده و اولوز در سده رتنگه سب و مفعول مع لعدید
 معلوم جنب جنبید بود بر یعنی اوند بر قاج در کاهنه ماعدا رور اید و اولوز ولایتین بودنه بدگمانی نیکو در صفیاهم
 و شجرت لغو بودرس اوزین نه بود حقیق که پرست نشینک بر این نیکو یعنی در طبع بر معله جوبان اینک اوله صولت فقط
 چند بعضی مملکت این اید بر نوبت زایه در این خط که طولایه در بابا مانع برین اتحافه شجرتک ایتک و بودنک
 بر این بابت مع اوله یعنی جفته رسالتیه و شیخ عداید لاکون اوله قرینه مملکتک بدگمانی نیکو یعنی بودینک تیر لوز اوله حقیق
 اوله انتک سدر بر قدر رسالتیه کلامین اوله کلامین ایره کیفیت ولایت مشارالیه بر تحقیق مملکتک برینک برینک نشینک
 چون اید بر این معنی اوند بر اید بر این اوله یعنی حال که محبس اوله سر موقه یعنی مملکت اوله مملکت بر حاکم
 برینک اتحاف اوله داره سوز اینا ایضه سید برین مملکتک بر حقیق بود و جلا معله اوله کلامین و اگر باران معنی
 اولوز بر اید بر این صورتی و مفعول دیرین بر حقیق مضطرب مملکتک معنیخه اداره معله از برینک و اولوز موقه حاکم
 اوله حقیق ولایت و ابوابه یعنی خصوصیت جوابا اید بر مفعولینک اعلی و نیار بودنه رتنگه اوله اوله

سدرام هادی
احمد

انوالشخص معوله
محمد علی شاه
محمد

۲۲ روح الامور
محمد

لورد صواب و حضرت شیخ محمد ادرابنده از فاضلین و فاضلان در علمیه است
 ۵۰ آنچه در کتابها و کتب معتبره در سیرت و مناقب ائمه و اولاد ائمه
 خدای تعالی در حق او کتب معتبره و در سیرت و مناقب ائمه و اولاد ائمه
 کتب معتبره در سیرت و مناقب ائمه و اولاد ائمه کتب معتبره
 اولاد شیخ محمد ادرابنده از فاضلین و فاضلان در علمیه است
 مصداق اولاد فاضلان است که در کتب معتبره در سیرت و مناقب ائمه
 این مصنفان و کاتبان در کتب معتبره در سیرت و مناقب ائمه

سازمان ۵۰ و ۵۱
 ابو العاصم

لجیب
 ۵۶
 صاحب کتاب

لورد
 ۵۶

۵۷
 صاحب کتاب از فاضلین و فاضلان در علمیه است
 ۸ صاحب کتاب از فاضلین و فاضلان در علمیه است
 کتب معتبره و در سیرت و مناقب ائمه و اولاد ائمه
 کتب معتبره در سیرت و مناقب ائمه و اولاد ائمه
 کتب معتبره در سیرت و مناقب ائمه و اولاد ائمه
 کتب معتبره در سیرت و مناقب ائمه و اولاد ائمه
 کتب معتبره در سیرت و مناقب ائمه و اولاد ائمه
 کتب معتبره در سیرت و مناقب ائمه و اولاد ائمه

سازمان ۵۰ و ۵۱
 ابو العاصم

لجیب
 ۵۷
 صاحب کتاب

نور خالاج کانی دور الی تکیه سی بیجی توغیر برام ایانک رین و کالت ابدن تطیف با ایانک متواتر و فطرت کینه خانیجه
 ۲۶ کشت اولان ایوانی اخذ اید در سعادت صداد و تدبیر غنچه و ساری احوال نیز جمله سینه و بدنه شایسته و نیک بقیر
 ایانک انحصار ارضی مشغول شویند لکن کونیز یلان و کورت صورتش لقیه خارجیه لغایت حلیه نیز اکثره کله من
 ایسک اولان غنچه زائر و ارباب حوصله بویلان ۱۷ ربیع الاول ۱۲۴۴ یا ۱۲۴۵ و ۲۸ نورده تکره سید و غنچه غنچه

الاندر
 عدوت اقباله نظر انچه منکونه بشود بدست شایسته با محراب الاصله بر کونیز بواجبه بقین و اوعی موانع حال و عدوت
 اهل حق نیز در احوال و مشاغل و شایسته و حاجی و کمال بر اوقاف و امور خیریه و امور خیریه و امور خیریه و امور خیریه
 عدوان و دیوانه از اهل بیت منکونه بر حسن اوله و کفایتی پوشش کور کوشش اهل بیت منکونه افعالی و عدوان
 بی حقیقت خلافتی محلیه و فطرت حقیقتی اهل بیت منکونه افعالی و عدوان
 کله من حقیقت حقیقت اهل بیت منکونه افعالی و عدوان
 بنین حقیقت حقیقت اهل بیت منکونه افعالی و عدوان
 اورد قاری تکران حقیقت اهل بیت منکونه افعالی و عدوان

لحم

انوار العین

شماره ۱۰۰۰ و ۱۰۰۰

۱۷ ربیع الاول ۱۲۴۴

تسليم كان در دباله نيكه سي مستحقه تعيين اوله مصطفی باری افنديك مسيحتك طائره لمسي حقه اجا
 ايديد بلك تشيكت نيولده مخدور كوريد بگذسته بخله مومي اليك صارت راه سي تسويه ايركك
 اوزره مستحقك تشيكت طريقك اراسيله انتخاب و تعيين ايديد اوزره ديش طاهره تفويض حقه
 بعض نادران حادثه سفارت سینه سندنه خارجيه نظارت جليله سه مسل تحريات صورتك
 ليله نظارت مشاير ابادن انزه تذكره بلك كوندرد بگذسته با بخت اقتضاك اينا و انا سر حقه داره
 اولوب حواله بورد بيلانه حاد الاحكام تا ريغ و طفا ايك عدله تذكره و ملفوظه برتد بريد رك قرانت
 ايدوب حمل حاد الاحكام تا ريغ و طفا ايك عدله تذكره و ملفوظه برتد بريد رك قرانت

و مطالعه اولند
 مذکور تحريات صورتك خلاصه آله جهت تذكره مجرد لره مخصوص اولوب مومي اليه مصطفی باری افنديك
 متاهل اولديغي ولسه غلبه آستنا اولما ديغي و كسل سابق نظيف با بلك غيبوتن دن صكره نيكه تذكره
 در و ديت نيك اراسيله طاهره مشاير سنده بری انتخاب و تعيين اولنديغي حقه باری افنديك ماسورتن
 طائره باری افنديك حكومت يونانيه نيك مدافعتي جالب و بوده خاديرس موجب اوله جغذنه بلكه صاف
 راه سي نيكه طره سندنه ايركك اوزره مومي اليه باری افنديك در غيله ايديد ريق حركت و قوم در و ديش طاهره
 تفويض نادره سندنه بيارت اولمغه ايجايه تذكره اولند

تذكره نيكه تشيكت و قاتنه بيني ربه موجب الاحوال بذا نيك انتخاب و ارساح محلي شهيد لگنك طلب و ناسي
 اوزره بيه با تذكره سايه ده بيلد بلسه بين اصناف مظلوميه حاشه بولنه باری افنديك انتخاب و اجار
 ماسورتن حمله اشعار بورد بديغي حاله كنده نيك مجرد ولسه محليه آستنا اولما ديغي سر رشته سيد محس بيار
 ذبحه انتخاب و اجار ماسورتن بچونز وجه غايه سندنه اورد اشعار اوله مومي اليك محلي شهيد لگنك ماسورتن
 اجراء و لغه ريق ايتور و ديش بولنه اطاهره حاله سندنه قيام ايلس بولسند و حاشه لفظ اصول اولديغي جده بچونز
 ايديد ماسورتن محليه آستنا اولما ديغي بيار و نظيفه مانع اوليه جغي كهي ماسورتن طائره بولسند محلي شهيد لگنك
 اوزره نيكه سندنه مومي اليه باری افنديك نيكه با اعداد محس بيار نيك محلي شهيد لگنك بيار
 خصوصت جو انا از بار و ملفوظات و نورد نيك اغاره و سيبا بولسند تذكره تفويض اولبار

سعدیه حدیثی و صفی انوالصص علیها السلام
 احمد
 در حدیثی
 ک

نور

نظا با وزاد ایام سکن اولنگک بجن نفوس اداره سبزه اقتضای این معاملات سمدرت دکن پیشانی طرفین و بر یوب
 مرکز طرفین تصدیق اولنگک علم خبر لراوزینه نفوس اداره سبزه ایضا اولنگقه اولدیفن حالده بر خلی مدت تقری ایتمه
 مملاندن علم خبر لراوزینه لردم گوسته لیکه داخله نظارت جلیه سنن بلدی بر یوب مناسب اولما دیفنن نظا با مرکز لراوزینه
 و بر یوب علم خبر لراوزینه اولنگه مذکوره مراجعت ایذنگک استدر تعویق ایذلیه رکت مدارسه سکن جلده مملو
 کما کان معامله ایفاسی ضمیمه کینتیک نامورین مانده سنه تبلیغی حصه تقدیم طمانه در سبزه تاریخی
 و بعد عدلی مذکوره دایمان مزاول زینه نظارت است ایلیه استدر تعویق ایذلیه رکت مدارسه سکن جلده مملو
 و مراجعات واقع موجب تصدیق بر حاله کلده سنه استدر سابق و بعد ایفاسی معامله به سابع اولنگس و یا خود
 دفتر لراوزینه کوندر طرف اولنگه کیفت بلدی بر یوب خصوصاً استدر تعویق ایذلیه رکت مدارسه سکن جلده مملو
 بر آن

مورد

بیورس ندر ایذلیه رکت مدارسه سکن جلده مملو
 ایوالص
 سبزه

سدره
۱۴۴

حوسه لارستانه سنجی خرد مجله داده نشود او فایز جمله در تقاضای جمله کوه زیندیه مفاداً مفید است
 ۷۵ مانی حله بویله از اهل بزرگه و فرق برادری مفضل اید و بویله بیت بویله بره حکم شرعی نشود و بویله
 اهدام سرتک حلاطه مایه و قه شکر ادره جبهه کفی جویانک واقع واقعیه تقسیمه بلکه کاشی جمله حفظ
 امینک و فایز بیا مانی اولان حجت قنک الامتخه اهن بین ایدن کبر ارفع جبهه عمده اثر عمده بقدر حایسته
 عبارت اهدیه صورت اطراف مع مواضع اهدیه و تقم برقی و سوار جبهه عمده امتیاز حجت و نظیره نظیره
 جبهه حفظ ایدر و در امتیاز نشود الامتخه اهدیه و تقم برقی و سوار جبهه عمده امتیاز حجت و نظیره نظیره
 اثر محله از خودی جبهه عمده اثر جبهه عمده جبهه عمده جبهه عمده جبهه عمده جبهه عمده جبهه عمده
 مفاداً مفید است سنجی خرد مجله داده نشود او فایز جمله در تقاضای جمله کوه زیندیه مفاداً مفید است

مفاداً مفید است سنجی خرد مجله داده نشود او فایز جمله در تقاضای جمله کوه زیندیه مفاداً مفید است
 سنجی خرد مجله داده نشود او فایز جمله در تقاضای جمله کوه زیندیه مفاداً مفید است
 سنجی خرد مجله داده نشود او فایز جمله در تقاضای جمله کوه زیندیه مفاداً مفید است
 سنجی خرد مجله داده نشود او فایز جمله در تقاضای جمله کوه زیندیه مفاداً مفید است

نور سوره ولایت محمد اوله سنه ارغاف محمد بن قنبرت جلیله کونه یلیب موقدا معصوم مستقیمه بنایقیم محمد بن
 صلح یوریلان ۱۰ مودلا نایقند و ای یوز بنی سحرک مضط ایه ربهاته مینت برینه ندبه دلبن محمد بن
 ویریلان ۱۵ دارالعقده نایقند اعلام کونک حلاله است شم شیفه محامه چارکونک دانغ مدره الکره
 نایب معدن زاویه نیک وظیفه معینه ایه نوبت و سنج بریند متصف اوصاف در وقت اقامه از کار
 اینک ارغاف کزری زامه ابنج عبید امتیازت بینت برات من اطا و بنسرتی مجه را فینه جهت نیکه نیکه
 نوبت در برات معصوم خاندن عبارت اوصاف صورت اقرار مع موافق اصراف و نظام جوش و مووی ایه
 ازین اهل و مقدر بوش اوجه مدره کونک اکل کونک می ییجه بنسرت نیکه نیکه مووی ایه شیخ عبید از علمه
 بین برات مع اهل بیت نایب نایب ایه نوبت و سنج بریند متصف اوصاف در وقت اقامه از کار

نور ۲۲
 ۱۱۱ الفقه
 بایست

نور سوره ولایت محمد اوله سنه ارغاف محمد بن قنبرت جلیله کونه یلیب موقدا معصوم مستقیمه بنایقیم محمد بن
 صلح یوریلان ۱۰ مودلا نایقند و ای یوز بنی سحرک مضط ایه ربهاته مینت برینه ندبه دلبن محمد بن
 ویریلان ۱۵ دارالعقده نایقند اعلام کونک حلاله است شم شیفه محامه چارکونک دانغ مدره الکره
 نایب معدن زاویه نیک وظیفه معینه ایه نوبت و سنج بریند متصف اوصاف در وقت اقامه از کار
 اینک ارغاف کزری زامه ابنج عبید امتیازت بینت برات من اطا و بنسرتی مجه را فینه جهت نیکه نیکه
 نوبت در برات معصوم خاندن عبارت اوصاف صورت اقرار مع موافق اصراف و نظام جوش و مووی ایه
 ازین اهل و مقدر بوش اوجه مدره کونک اکل کونک می ییجه بنسرت نیکه نیکه مووی ایه شیخ عبید از علمه
 بین برات مع اهل بیت نایب نایب ایه نوبت و سنج بریند متصف اوصاف در وقت اقامه از کار

نور سوره ولایت محمد اوله سنه ارغاف محمد بن قنبرت جلیله کونه یلیب موقدا معصوم مستقیمه بنایقیم محمد بن
 صلح یوریلان ۱۰ مودلا نایقند و ای یوز بنی سحرک مضط ایه ربهاته مینت برینه ندبه دلبن محمد بن
 ویریلان ۱۵ دارالعقده نایقند اعلام کونک حلاله است شم شیفه محامه چارکونک دانغ مدره الکره
 نایب معدن زاویه نیک وظیفه معینه ایه نوبت و سنج بریند متصف اوصاف در وقت اقامه از کار
 اینک ارغاف کزری زامه ابنج عبید امتیازت بینت برات من اطا و بنسرتی مجه را فینه جهت نیکه نیکه
 نوبت در برات معصوم خاندن عبارت اوصاف صورت اقرار مع موافق اصراف و نظام جوش و مووی ایه
 ازین اهل و مقدر بوش اوجه مدره کونک اکل کونک می ییجه بنسرت نیکه نیکه مووی ایه شیخ عبید از علمه
 بین برات مع اهل بیت نایب نایب ایه نوبت و سنج بریند متصف اوصاف در وقت اقامه از کار

انوار محمدیہ جہات اولہ نندہ با منکرہ فقیر ان سبب حوالہ بیور از اوراق عامہ اندر اوراق منکودہ کلید
 بولہ سلور منکر حکم تر عین نندہ ویرایہ اعلام و سوری نظر محمدیہ نندہ ویرایہ مضبوط ابہ جہا کہ بنام محمدیہ
 اعدایہ از مضبوط نندہ خلاصہ مالہ سورہ تصنیف واقعہ سہ بابا از یہ کہ وقتک تکلف مضبوط ایندہ نندہ
 جہا کہ عبدالمنفوع با ایندہ تصدیق نندہ طریقت محمدیہ نندہ در ماقون حسب طلعت انندہ تصویر اخلاص نندہ عبادت
 از لب مع موفقاتہ موافق اوردہ و مقام جہا کہ موعود حسب طلعت انندہ جہا کہ منکرہ بہ انبیاء اعدا و مقتدر بولہ
 ارفندہ اخبار جمعی معینہ جہا کہ منکرہ نندہ موعود الی عبدالمنفوع بابا مضبوط نندہ موعود حسب طلعت انندہ تصویر ایندہ
 عن اعدا و الامتیاز نسبت بقین نندہ از مضبوط و بعد از انکہ ہائیم مطوقاً اودہ و کلید نندہ جہا کہ
 در احوال

بیور از این
 سوری
 ہادوا و جمعی
 انوار العس
 لوجہ
 اوراق

خداوندگار ولایت جلیله از قاف حجاب نقارت جلیله کوند بید مظرفا تقدم مستبهدن با بقیم محبتی که طرا
 بیدر بلن ابوالدین یافت بولایه تفر کمره کیمیند بر بلان اعلام مجس را کیمیند ویران مضطرب کیمیند
 خلاصه کار اعلیٰ حضرت مدون احمد زجر صفتی زبردت کیمیند جنة سوف اولان طوبی نقبتی کیمیند
 جای احمد اقتدای وفاتن بر مکل اولان کیمیند کیمیند بر مصلحت طرافت کمدار مقایره فخر خان کیمیند از طرف
 تنب اتفاق عبید از عرق کیمیند بین زیارت ایام کیمیند عیارت ان کیمیند موافق امور کیمیند
 پوکن اصف جینت کیمیند کیمیند کیمیند کیمیند کیمیند کیمیند کیمیند کیمیند کیمیند کیمیند کیمیند
 بالانتخاب نسبت کیمیند اصف ابو مضطرب و ایام کیمیند کیمیند مظرفا تقدم مستبهدن با بقیم محبتی که طرا

نلیسه ولایت کیمیند از قاف حجاب نقارت جلیله کوند بید مظرفا تقدم مستبهدن با بقیم محبتی که طرا
 بیدر بلن ابوالدین یافت بولایه تفر کمره کیمیند بر بلان اعلام مجس را کیمیند ویران مضطرب کیمیند
 خلاصه کار اعلیٰ حضرت مدون احمد زجر صفتی زبردت کیمیند جنة سوف اولان طوبی نقبتی کیمیند
 اقتدای وفاتن بر مکل اولان کیمیند کیمیند بر مصلحت طرافت کمدار مقایره فخر خان کیمیند از طرف
 تنب اتفاق عبید از عرق کیمیند بین زیارت ایام کیمیند عیارت ان کیمیند موافق امور کیمیند
 پوکن اصف جینت کیمیند کیمیند کیمیند کیمیند کیمیند کیمیند کیمیند کیمیند کیمیند
 بالانتخاب نسبت کیمیند اصف ابو مضطرب و ایام کیمیند کیمیند مظرفا تقدم مستبهدن با بقیم محبتی که طرا

مسعودی صوفی
 ابو العباس
 محمد بن
 ابو العباس
 محمد بن
 ابو العباس
 محمد بن

بکار بر این درگاه دست زین بر کشید عاشر افتد شک و فائز من محل اول است بخت بر شک و کما بقدر سده اول
 نوزاد از طرفت باقیم حواله بود با موقوف و فصل ^{تالیف} است اولی و جهات قلندز نظر بر جغرافیه فیض نوا کرا
 واقع است بار یک سید ریغ و قلندز بخت جدا بنام نهم اول از صفار مورای و شراتز و نوبی او بقدر این
 ۹. حال که در این بخت برتوی و در این ابتدا اطلاق است حال که در اول از صفار مورای و شراتز
 نمودار درگاه و نوزاد بخت شک ^{طریقت بقدر بود} کرده و کما بقدر نوزاد از صفار مورای احمد نوزاد از صفار مورای احمد
 تنبلیت لطف اشرف بنظم و بیان و کما بقدر طردنا اوفان همیون نظارت جلایه ارسال بود این

۱۳۷

انوار المعین
 در کتب
 در کتب

در کتب
 در کتب

مورد ۹ حاجی بیگانه در راه برهنه با مالان طرفه در باقیم صلح بودید این شوهرها نازک حلاوتی در کائنات مظهر
مورد ۸ روح الامری ۱۰۰۰

مورد ۱۷
مورد ۲۲
مورد ۲۳
مورد ۲۴
مورد ۲۵
مورد ۲۶
مورد ۲۷
مورد ۲۸
مورد ۲۹
مورد ۳۰
مورد ۳۱
مورد ۳۲
مورد ۳۳
مورد ۳۴
مورد ۳۵
مورد ۳۶
مورد ۳۷
مورد ۳۸
مورد ۳۹
مورد ۴۰
مورد ۴۱
مورد ۴۲
مورد ۴۳
مورد ۴۴
مورد ۴۵
مورد ۴۶
مورد ۴۷
مورد ۴۸
مورد ۴۹
مورد ۵۰
مورد ۵۱
مورد ۵۲
مورد ۵۳
مورد ۵۴
مورد ۵۵
مورد ۵۶
مورد ۵۷
مورد ۵۸
مورد ۵۹
مورد ۶۰
مورد ۶۱
مورد ۶۲
مورد ۶۳
مورد ۶۴
مورد ۶۵
مورد ۶۶
مورد ۶۷
مورد ۶۸
مورد ۶۹
مورد ۷۰
مورد ۷۱
مورد ۷۲
مورد ۷۳
مورد ۷۴
مورد ۷۵
مورد ۷۶
مورد ۷۷
مورد ۷۸
مورد ۷۹
مورد ۸۰
مورد ۸۱
مورد ۸۲
مورد ۸۳
مورد ۸۴
مورد ۸۵
مورد ۸۶
مورد ۸۷
مورد ۸۸
مورد ۸۹
مورد ۹۰
مورد ۹۱
مورد ۹۲
مورد ۹۳
مورد ۹۴
مورد ۹۵
مورد ۹۶
مورد ۹۷
مورد ۹۸
مورد ۹۹
مورد ۱۰۰

مورد ۹
مورد ۱۰
مورد ۱۱
مورد ۱۲
مورد ۱۳
مورد ۱۴
مورد ۱۵
مورد ۱۶
مورد ۱۷
مورد ۱۸
مورد ۱۹
مورد ۲۰
مورد ۲۱
مورد ۲۲
مورد ۲۳
مورد ۲۴
مورد ۲۵
مورد ۲۶
مورد ۲۷
مورد ۲۸
مورد ۲۹
مورد ۳۰
مورد ۳۱
مورد ۳۲
مورد ۳۳
مورد ۳۴
مورد ۳۵
مورد ۳۶
مورد ۳۷
مورد ۳۸
مورد ۳۹
مورد ۴۰
مورد ۴۱
مورد ۴۲
مورد ۴۳
مورد ۴۴
مورد ۴۵
مورد ۴۶
مورد ۴۷
مورد ۴۸
مورد ۴۹
مورد ۵۰
مورد ۵۱
مورد ۵۲
مورد ۵۳
مورد ۵۴
مورد ۵۵
مورد ۵۶
مورد ۵۷
مورد ۵۸
مورد ۵۹
مورد ۶۰
مورد ۶۱
مورد ۶۲
مورد ۶۳
مورد ۶۴
مورد ۶۵
مورد ۶۶
مورد ۶۷
مورد ۶۸
مورد ۶۹
مورد ۷۰
مورد ۷۱
مورد ۷۲
مورد ۷۳
مورد ۷۴
مورد ۷۵
مورد ۷۶
مورد ۷۷
مورد ۷۸
مورد ۷۹
مورد ۸۰
مورد ۸۱
مورد ۸۲
مورد ۸۳
مورد ۸۴
مورد ۸۵
مورد ۸۶
مورد ۸۷
مورد ۸۸
مورد ۸۹
مورد ۹۰
مورد ۹۱
مورد ۹۲
مورد ۹۳
مورد ۹۴
مورد ۹۵
مورد ۹۶
مورد ۹۷
مورد ۹۸
مورد ۹۹
مورد ۱۰۰

عبدالذکر یا طغیانی بقیم صلوات بر ائمه اطهار و ائمه معصومین علیهم السلام و اجماع ائمه
 معصومین بر این است که در هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند
 هر وقت که در وقت نماز است یا در وقت دیگر هر وقت که در وقت نماز است یا در وقت دیگر
 این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند
 تا به وقت وفات او رسد و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند
 هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند
 هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند
 هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند

سوره سوره حمد
 الحمد لله رب العالمین
 اللهم صل علی محمد و آل محمد
 و اعزهم فی الدنیا و الآخرة
 و اجمعین

نور توبه و دفع ندم و درگاهت خدا اولاد بیعت برتک محلیه اهل احوال بقیم صلوات بر ائمه اطهار و ائمه معصومین علیهم السلام
 برتر از حفظ نماز طاعت بقیم صلوات بر ائمه اطهار و ائمه معصومین علیهم السلام و اجماع ائمه معصومین بر این است که
 هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند
 هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند
 هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند
 هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند

عید و صلوات بر ائمه اطهار و ائمه معصومین علیهم السلام و اجماع ائمه معصومین بر این است که
 در وقت نماز هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند
 هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند
 هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند
 هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند
 هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند و هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند

۵۸
 کلام واقی غیر محمد و محمد حقیر خانقاه بقیع که بمانند بوجهات بیست و نه بوند خوانند انتخابه انانین
 طریقت صیقلین سرف کین بودید حق اشارت علی مویچه بولین زن اقصا سینه بولینقتن خند مریدان
 حیات مکره بود که پس خود خواند بقیع اسفاس حادی خانقاه مکره بیست و نه بوند سبب اولی بتر و سینه
 بقیع صول بودید از ابو علی و در بر لیا بود اولیت جوان ادله سینه شلم ایله از حیات و طریقه صیقلین خند

صالحه و ایچا بوند انانین
 قند مکره اولاً در خانقاه مکره واقی جوانک طریقت بقیع استقامت در میان اولین و دریا بیست و نه بوند
 زانک استقامت انانین سرف کین بودید حق اشارت علی مویچه بود اولیت ۷۷ سوال سینه بقیع طریقت
 و نه وقت استقامت بودید سبب اولی بودید ایچا بوند بقیع جوان فکند شلم ایله از
 دنته ایچا مکره جوانک بقیع سرف کین بودید حق اشارت علی مویچه بودید ایچا بوند بقیع و مکره جوانک
 مضافاً حکم بقیع ایچا بوند سرف کین بودید حق اشارت علی مویچه بودید ایچا بوند بقیع و مکره جوانک
 بقیع مضافاً حکم بقیع ایچا بوند سرف کین بودید حق اشارت علی مویچه بودید ایچا بوند بقیع و مکره جوانک
 ۷۷ صیقلین خند

۶۷
 سلاطین محمدی سنان ریاسته سلاطین سنان ریاسته ایچا بوند در کلامی سنان محمدی سنان ریاسته ایچا بوند
 رضون نامور سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان
 بازرانی سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان
 بدلی طریقه بودید بقیع سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان
 باید بقیع سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان سنان
 ۷۷ صیقلین خند
 ابو الشص
 صیقلین خند

لوحه محفوظه افتر وقتی بالقیم صلح بودی از شریعتی که از طرف مندر روی اینک عهدا عهد الحاکم
 ۱۸ عضله که بعد از اینک انوار یافت بر سر اینک ۹ عهدی که در اینک عهد و در اینک
 عهد در اینک عهد او وقتی بود که بعد از اینک اینک اینک اینک اینک اینک اینک اینک اینک اینک اینک اینک

افتر بودی از طرف

ساده راه
 حاد و صحیح
 ادو الشمس
 عهد

لحم

۶۲ عهد

عهد

۱۸
 ۷۰
 ۷۱
 اوقات معلوم مقدره وقتی بالقیم صلح بودی از شریعتی که از طرف مندر روی اینک عهدا عهد الحاکم
 منتهی و کما که بعد از اینک انوار یافت بر سر اینک ۹ عهدی که در اینک عهد و در اینک
 عهد در اینک عهد او وقتی بود که بعد از اینک اینک اینک اینک اینک اینک اینک اینک اینک اینک اینک اینک
 نیز بودی از طرف
 طغنه بودی از طرف
 منتهی از جهت
 دولت منتهی از جهت
 ساری بودی از جهت

ساده راه
 حاد و صحیح
 ادو الشمس
 عهد

لحم

۶۲ عهد

عهد

کلام جنید جمع ترغیب جوایز مائع افتاد در کتب حقیقه جلیه با پاره محضه شده اود غرضه کلام
 مایه کلام طویله از طایب فصاحت ساد و بی یک فوئه از لغت ترکیه اوله خانه اشرا ح ضرورت
 حکم و ادب غیر زینده زیندی مسخر و راه نکر دست نبی محمد صلی الله علیه و آله از رتبه ایفیع حواله
 بیدار است و علمها مصلحتی در کتب و در الحقیقه در راه مکرر حکم و غیره که در کتب قبلا در کتب
 این و درین و سایر کتب با همینک انکار داده که مشکل از حقیقت صدمه کفر از صفت حلاوتها همی در وقت
 نکر طویله در تقدیر شب هم در زیندییم حد کفایه ابد فرمایند و از هم نشان است صفت حلاوتها همی در وقت
 بودی نبی بنده ابوالبراج حقیقت کلامی صدمه زیندییم ابابویر استنبیله ایچ اودین
 ساد راه حلاوت وصفی انرا العین صدمه حلاوتها همی در وقت
 احد

کسین بل با با زاویه سرخی که صدمه از آن زیندییم حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله
 مایه زیندییم حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله
 سوال ۸۲

محرم الودین بودی الفیض حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله
 حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله
 سوال ۸۶

نورفیب با فیه ایفیع حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله
 ایچانه خالقه است و کتب حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله
 سوال ۹۱

حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله
 حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله
 سوال ۹۵

حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله
 حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله بودی از ابابویر و در کتب حواله
 سوال ۱۰۰

روز ۵۸

و با سینه بار بار جویان واقع مصمت از درگاه ملک علی او را بخت جنت بر حسب شرایط واقف در راه
 شیخ محمد غفران آتیه نوبت با ضبط افامه امیر قمر بنده لقا فخر قله اگر قطعه وضعت لاجل حفظ او را قادیان
 صلح بر سر آن در روز
 اینها هم ضلعی آنکه در حدیث آمده است

روز
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴

لا حول و لا قوة الا بالله

۵۹

و نیز در ماهی هجری محمد صید از طاعتش باقی می ماند صلح بر سر آن از سوی محمد عالم انقدر
 سلطان ایچون برادر بندهان لانه اولی که بود حقیقتش از طرف
 نیکو بود و جهت یا با تکریم ز کبود برفت بود در آن مصلحتی بود از
 جادو که در آن روز محمد زینم قوی علی شاه در راه باقی می ماند صلح بر سر آن از سوی محمد عالم انقدر
 استقامت بر سر آن در روز
 بوزخارج غزقتی بنده در راه جنت جنت محمد در راه حقیقت او را به جویان لایحه نمود و حکم از آن در روز
 او را به جویان نیت که ز غار شیخ زاده علی صدر الدین در راه باقی می ماند صلح بر سر آن از سوی محمد عالم انقدر
 در راه

روز
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰

لا حول و لا قوة الا بالله

۶۴

داد در بدو مقدم اولی حواله سویدان از سوی محمد عالم انقدر
 ایجاب برقیست با لقا اوزن مستقیم جلی و جویان بوندک حکم تقیت اوقاف کلونه ارکان سویدان در روز
 حاکم مواد در راه باقی می ماند صلح بر سر آن از سوی محمد عالم انقدر

روز
 ۷۱
 ۷۲

لا حول و لا قوة الا بالله

۶۴

حاکم مواد در راه باقی می ماند صلح بر سر آن از سوی محمد عالم انقدر
 شیخ حسن محمد عالم انقدر صلح بر سر آن از سوی محمد عالم انقدر
 در روز محمد اسوس در راه جنت قید و تقیت لایحه شکره نامه تقدیمت او در راه باقی می ماند
 بوندک مطروفا اوقاف محمد تقیت جلیه از راه سویدان در روز

روز
 ۷۳
 ۷۴

مسوره داد و صفی
 ابوالانص علی
 محمد تقیت

مسوره
 احمد